

## قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی

مصوب ۱۳۹۳/۷/۸

### درباره‌ی قانون

طرح «آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی» را تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از حذف بخش‌های «آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح» و «آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای و تشکیلات، زیرساخت‌ها و دادرسی الکترونیکی» از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کردند. ضرورت وجود قوانین به‌روز و کارآمد در خصوص آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی و ایراد شورای نگهبان نسبت به بخش‌های مزبور در قانون آیین دادرسی کیفری<sup>(۱)</sup> سبب شد تا این طرح به صورت مجزا تقدیم مجلس شورای اسلامی شود. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی آن بدین نحو تبیین شده است: «با توجه به ماهیت خاص جرائم نیروهای مسلح و وجود ساختارهای اختصاصی برای رسیدگی به این جرائم، وجود آیین دادرسی متناسب با این جرائم و به اقتضای ساختار تخصصی مربوط ضرورت دارد. از طرفی با توجه به اینکه اطلاع دادرسی یکی از مشکلات مطرح در قوه قضائیه است و ضرورت بهره‌گیری از فناوری در انجام دادرسی‌های کیفری جهت رفع اطلاع دادرسی و بهره‌مندی دستگاه قضایی از دقت لازم در فرآیند دادرسی کیفری ضرورت دارد که مقررات خاص برای انجام امور دادرسی از طریق بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ابزار مربوط به آن صورت گیرد. برای تأمین این اهداف طرح زیر ارائه می‌شود.»

این طرح که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۶ در مجلس اعلام وصول شده بود، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ برای رسیدگی به کمیسیون قضایی و حقوقی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، با بررسی آن در جلسات متعدد، با اصلاحاتی آن را در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به تصویب رساند و با پیشنهاد اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال، مصوبه‌ی کمیسیون را به مجلس ارائه کرد. پس از در دستور قرار گرفتن بررسی مدت اجرای آزمایشی این مصوبه در صحن علنی مجلس، نمایندگان مجلس در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت کردند و مفاد مصوبه را برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۱۳۱۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به شورای نگهبان ارسال کردند. با وصول این مصوبه به شورای نگهبان، اعضای شورا با تشکیل جلسات متعدد در تاریخ‌های ۲۰، ۲۱ و ۲۸ خرداد و ۴ تیر ۱۳۹۳، ضمن بررسی مفاد این مصوبه، برخی از مواد آن را دارای ابهام و در برخی موارد مغایر با موازین شرع و اصول قانون اساسی از جمله اصول (۱۵)، (۲۲)، (۵۷)، (۷۵)، (۸۵)، (۱۱۰)، (۱۵۶)، (۱۵۸)، (۱۵۹)، (۱۶۰)، (۱۶۴)، (۱۶۵) و (۱۷۲) تشخیص دادند و آن را برای اصلاح به مجلس بازگرداندند. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به مجلس اعلام شد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در بررسی مجلد برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، اصلاحاتی را در مواد واجد اشکال و ابهام، اعمال کرد و در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ آنها را به تصویب رساند. مصوبه‌ی اصلاحی مجلس طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۳۹۷۷۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۲ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. پس از وصول مصوبه‌ی اصلاحی به شورای نگهبان، این شورا با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۹، همچنان در چند مورد ایراد مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی را در این

! شورای نگهبان در بند (۱۹) نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۳۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ خود نسبت به لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: «۱۹- علاوه بر ایرادات و ابهامات متعددی که در بخش‌های ششم و هشتم این مصوبه با عناوین «آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح» و «آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای و تشکیلات، زیرساخت‌ها و دادرسی الکترونیکی» وجود دارد، از آنجا که این بخش‌ها جزء لایحه نبوده و طرح موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی نیز نمی‌باشند و پیشنهاد و اصلاحات مذکور در اصل (۷۵) نیز در آنها صدق نمی‌کند و یا اصلاح عرفی مواد مذکور در لایحه محسوب نمی‌شوند، معایر اصول فوق‌الذکر شناخته شدند. همچنین مواد دیگر که به دو موضوع مربوط به این بخش‌ها ارتباط دارند، باید با توجه به این ایراد اصلاح گردند.»

مصوبه باقی دانست و ضمن اعلام نظر خویش طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳، آن را برای رفع ایرادهای باقی‌مانده به مجلس برگشت داد. این بار کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس برای برطرف کردن ایرادهای باقی‌مانده‌ی شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۸ اصلاحات لازم را در مصوبه اعمال کرد. در این مرحله (مرحله سوم)، مصوبه‌ی اصلاحی طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۵۰۱۶۷ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. جلسه‌ی شورای نگهبان برای بررسی مصوبه‌ی اصلاحی کمیسیون قضایی و حقوقی، در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ تشکیل شد که اعضای شورا پس از ملاحظه‌ی اصلاحات انجام‌شده در این مصوبه، ایرادهای سابق را منتفی دانستند و ضمن اعلام عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، نظر خود را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

\*\*\*\*\*

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ (مرحله نخست)<sup>(۲)</sup>

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۰، ۱۳۹۳/۳/۲۱، ۱۳۹۳/۳/۲۸ و ۱۳۹۳/۴/۴

ماده ۲- رئیس سازمان قضایی از بین قضاتی که حداقل پانزده سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند، توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

ماده ۳- رئیس سازمان قضایی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضایی استان‌ها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را نیز بر عهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم‌مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد.

تبصره- ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان و تغییر سمت یا محل خدمت آنان به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

#### دیدگاه مغایرت

الف) طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است. هر چند طبق ماده (۲) این مصوبه، رئیس سازمان قضایی از سوی رئیس قوه‌ی قضائیه منصوب می‌شود ولی بر اساس ماده (۳) آن، ریاست شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران، مستقیماً و بدون نصب رئیس قوه‌ی قضائیه به رئیس سازمان قضایی واگذار شده است. از این رو، با توجه به اینکه ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح، سمتی مجزا از ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی است و انتصاب فردی به ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح توسط رئیس قوه‌ی قضائیه به معنای انتصاب او به ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی نیست و در این خصوص ممکن است رئیس قوه‌ی قضائیه، فرد دیگری را به ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر استان تهران منصوب کند، لذا ماده (۳) این مصوبه از حیث عدم تصریح به نصب ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی توسط رئیس قوه‌ی قضائیه، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

ب) بر اساس بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های مقرر در اصل مذکور، از جمله وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه معرفی شده است. از آنجا که ذیل ماده (۳) مقرر داشته است رئیس سازمان قضایی می‌تواند یک نفر قائم‌مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد و با عنایت به اینکه این امور به‌نحوی ایجاد تشکیلات محسوب می‌شود، این صلاحیت در واقع توسط مجلس به رئیس سازمان قضایی داده شده است و به بیان دیگر از رئیس قوه‌ی قضائیه سلب شده است. بنابراین ماده (۳) این مصوبه از حیث سلب صلاحیت از رئیس قوه‌ی قضائیه، مغایر بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

<sup>۲</sup> طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده است و در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۸ مجلس، با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت شده است.

ج) اطلاق حکم تبصره‌ی ماده (۳) که تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح را تنها «به تشخیص رئیس قوه قضائیه» محول کرده است، مغایر اصل (۱۶۴) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، تغییر محل خدمت یا سِمَت قاضی باید «به اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» صورت گیرد. بنابراین اختیار رئیس قوه‌ی قضائیه در این امر مطلق نیست و محدود به در نظر گرفتن شرایط و رعایت تشریفات خاص است. لذا حکم مقرر در تبصره ی ماده (۳) در این خصوص با توجه به عدم تصریح به رعایت قیود اصل (۱۶۴) قانون اساسی، مغایر با این اصل است. ضمناً نمی توان حکم مصرح در این تبصره را مقید به قیود اصل (۱۶۴) قانون اساسی فرض کرد و بر این اساس آن را مغایر با این اصل محسوب نکرد؛ زیرا اگر چنین برداشت شود، در سایر مواردی که قوانین عادی دارای اطلاق هستند و قیود اصول قانون اساسی را رعایت نکرده باشند، می توان چنین استدلال کرد که این قوانین منوط به رعایت قیود قانون اساسی هستند، در حالی که طبق رویه‌ی شورا، چنانچه قیود قانون اساسی در قوانین عادی رعایت نشده باشند، اطلاق آنها مغایر با اصول قانون اساسی دانسته می‌شود.

د) طبق بند (۳) اصل (۱۵۸)، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، «طبق قانون» توسط رئیس قوه‌ی قضائیه صورت می‌پذیرد؛ حال چنانچه ماده (۳) این مصوبه بدون اشاره به رعایت قیود اصل (۱۶۴) تصویب شود و با تأیید شورای نگهبان به «قانون» تبدیل شود، با توجه به تصریح بند (۳) اصل (۱۵۸) به عبارت «طبق قانون» ممکن است این برداشت به وجود آید که طبق این قانون، رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند بدون رعایت قیود اصل (۱۶۴) اقدام به تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح کند. بنابراین در ماده‌ی مزبور باید رعایت قیود اصل (۱۶۴) قید شود و نمی‌توان قیود اصل (۱۶۴) در خصوص این ماده را مفروض تلقی کرد.

ه) تصریح تبصره‌ی ماده (۳) به عبارت «تغییر سِمَت یا محل خدمت آنان» که در اصل (۱۶۴) نیز عیناً ذکر شده است، این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند که طبق این تبصره، رئیس قوه‌ی قضائیه برای تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، نیازی به رعایت قیود «به اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» ندارد. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که تبصره‌ی ماده (۳) در خصوص این قیود در مقام بیان نیست و صرفاً در مقام تعیین مسئول صلاحیت‌دار این کار یعنی رئیس قوه‌ی قضائیه است. لذا تبصره‌ی ماده (۳) از حیث عدم درج قیود اصل (۱۶۴)، مغایر با این اصل است.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، استخدام قضات و عزل و نصب آنها توسط رئیس قوه‌ی قضائیه را طبق «قانون» دانسته است. بنابراین رئیس قوه‌ی قضائیه برای انجام امور فوق باید مطابق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی عمل کند. ماده (۳) این مصوبه نیز رئیس شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را همان رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است که طبق ماده (۲) آن، انتصاب هم‌زمان هر دو توسط رئیس قوه‌ی قضائیه صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، رئیس قوه‌ی قضائیه، انتصاب ریاست شعبه‌ی اول را بر اساس این قانون انجام می‌دهد و در این خصوص صاحب اختیار است که هر فردی را که بیش از پانزده سال سابقه‌ی خدمت قضایی دارد، به این سِمَت منصوب کند. بنابراین ماده (۳) را نمی‌توان از حیث نادیده قلمداد کردن صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه در خصوص نصب قضات، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست. همچنین در سایر محاکم قضایی همچون دیوان عالی کشور نیز رئیس آن محکمه، ریاست شعبه‌ی اول آن را بر عهده دارد.

ب) با توجه به اینکه در ماده (۳) این مصوبه در خصوص داشتن قائم‌مقام یا معاون به واژه‌ی «می‌تواند» اشاره شده است، این اجازه به رئیس سازمان قضایی داده شده است قائم‌مقام یا معاون انتخاب کند، نه اینکه طبق این مصوبه، در تشکیلات این قوه، لزوماً قائم‌مقام یا هر تعداد معاون معین شده باشد. بنابراین رئیس سازمان قضایی این اختیار خود را باید در چارچوب تشکیلات قوه‌ی قضائیه اعمال کند و به بیان دیگر، با موافقت رئیس قوه‌ی قضائیه باید این اختیار خود را عملی کند. در تبصره‌ی این ماده نیز تأکید شده است که ایجاد

تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی به تشخیص رئیس قوه قضائیه است. بنابراین نمی‌توان این ماده را سالب صلاحیت تشکیلاتی رئیس قوه قضائیه قلمداد کرد و آن را مغایر با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست.

**ج)** با توجه به ماده (۳) این مصوبه که ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضایی استان‌ها را در صلاحیت رئیس سازمان قضایی دانسته است، در تبصره‌ی این ماده به دلیل نفی این موضوع که تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات این سازمان هم با رئیس این سازمان است، تغییر سِمَت یا محل خدمت آنان را به تشخیص رئیس قوه قضائیه دانسته است. بر این اساس، تبصره‌ی این ماده درصدد سلب این صلاحیت از رئیس سازمان قضایی است، نه اینکه در مقام بیان این امر باشد که رئیس قوه قضائیه بدون رعایت قیود اصل (۱۶۴)، مبادرت به انجام این امور کند. لذا این تبصره از حیث عدم ذکر قیود اصل (۱۶۴)، اطلاق نداشته و تشخیص مذکور در آن با رعایت قیود اصل (۱۶۴) همراه خواهد بود. بنابراین تبصره‌ی این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۶۴) قانون اساسی دانست.

### دیدگاه ابهام

با توجه به اینکه مشخص نیست تشخیص رئیس قوه قضائیه در خصوص تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح منوط به رعایت قیود اصل (۱۶۴) قانون اساسی است یا خیر و با عنایت به تغایر آن با این اصل در صورت عدم رعایت این قیود، ابتدا این ابهام باید برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

تبصره ماده (۳)، از این حیث که مشخص نیست آیا تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان با رعایت اصل (۱۶۴) قانون اساسی انجام می‌پذیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

---

ماده ۴- معاونان و مدیران کل سازمان قضایی می‌توانند با ابلاغ رئیس قوه قضائیه، عضو دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدید نظر نظامی تهران نیز باشند.

تبصره- مقررات این ماده فقط درباره دارندگان پایه قضایی و یا قضات نظامی قابل اجراء است.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۱۴۱) قانون اساسی، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه‌ی آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است برای آنان ممنوع است. از آنجا که معاونت و مدیر کلی سازمان قضایی نیروهای مسلح واجد پست سازمانی و جایگاه مشخصی است و قضاوت در دادگاه‌های نظامی یک و تجدید نظر نظامی تهران نیز هر کدام پست سازمانی مستقلی محسوب می‌شوند، ماده (۴) از حیث تصدی بیش از یک شغل توسط افراد مزبور، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است.

**ب)** در اصل (۱۴۱) قانون اساسی به «شغل دولتی» تصریح شده و بیان شده که کسی نمی‌تواند بیش از یک شغل دولتی داشته باشد. به بیان دیگر، در این اصل به «حقوق و مزایا» اشاره نشده است که چنانچه فردی در قبال دو شغل دولتی، یک حقوق دریافت کند، تصدی دو سِمَت او را بتوان یک شغل محسوب کرد. لذا افراد مزبور حتی اگر یک حقوق نیز دریافت کنند، همچنان متصدی دو شغل دولتی خواهند بود که این امر مغایر با اصل (۱۴۱) است. همچنین در خصوص رؤسای کل دادگستری‌ها که عهده‌دار ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر استان مربوطه هستند، در واقع این افراد به طور مستمر، قضاوت نمی‌کنند و صرفاً به دلیل اینکه باید شأن قضایی داشته باشند، به این سِمَت منصوب می‌شوند. لذا معاونان و مدیران کل سازمان قضایی نیروهای مسلح که در صورت عضویت در دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدید نظر نظامی تهران به صورت مستمر به این امر اشتغال می‌ورزند را نمی‌توان با رؤسای کل دادگستری استان‌ها مقایسه کرد. بر این اساس، مفاد ماده (۴) مستلزم تصدی دو شغل است و مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی

است.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** در اصل (۱۴۱) قانون اساسی تنها داشتن «دو شغل» منع شده است نه داشتن «دو پست سازمانی». بنابراین عضویت در دادگاه های نظامی یک و یا تجدید نظر نظامی استان تهران برای معاونان یا مدیران کل سازمان قضایی نیروهای مسلح، شغل «دوم» محسوب نمی شود تا ماده (۴) این مصوبه مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی باشد، بلکه افراد مزبور تنها با ابلاغ رئیس قوه قضائیه دارای پست سازمانی دیگری هم در قوه قضائیه هستند که در قبال این دو سمت، صرفاً یک حقوق دریافت می کنند. بر این اساس، ماده (۴) را نمی توان مغایر اصل (۱۴۱) قانون اساسی دانست.

**ب)** رویه شورای نگهبان در خصوص تصویب مقررات مربوط به رؤسای کل دادگستری استان ها بدین ترتیب بوده است که تصدی هم زمان دو سمت ریاست کل دادگستری استان و ریاست شعبه اول تجدید نظر آن استان را دو شغل محسوب نمی کرده است. در این خصوص، رؤسای کل دادگستری، بخشی از وقت خود را به امر قضا و بخشی را به امور اداری و مدیریتی اختصاص می دهند که معاونان و مدیران کل سازمان قضایی نیز همانند آنها هستند. به بیان دیگر، این افراد دو فعالیت مختلف را در یک شغل دولتی انجام می دهند که تصدی این دو سمت را نمی توان دو شغل محسوب کرد. همچنین این امر در خصوص رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز وجود دارد که طبق ماده (۳) این مصوبه، علاوه بر ریاست سازمان، ریاست دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را نیز بر عهده دارد. بنابراین با توجه به رویه موجود، تصدی دو سمت توسط افراد مزبور را نمی توان دو شغل محسوب کرد و نمی توان آن را از حیث «ممنوعیت تصدی دو شغل دولتی» مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۵- هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

تبصره ۱- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به موضوع این ماده، باید به طرفیت یگان محکوم له دعوای اصلی اقامه شود.  
تبصره ۲- یگان متضرر از جرم، حق طرح دعوی، دفاع و پیگیری دعوی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی را مطابق مقررات مربوط دارد و گذشت یگان مذکور مسموع نیست.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی صلاحیت رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را دارا هستند. بر این اساس، سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان محکمه قضایی صرفاً می تواند به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی رسیدگی کند و از صلاحیت رسیدگی به سایر دعوای برخوردار نیست. این در حالی است که طبق ماده مزبور، هرگاه جرمی مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی ارتکاب یابد، رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از آن که به نیروهای مسلح وارد شده است در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار می گیرد، حال آنکه این موضوع، امری حقوقی است که در صلاحیت دادگاه های عمومی قرار دارد. بنابراین، ماده مزبور از حیث توسعه صلاحیت رسیدگی این سازمان، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. همچنین رسیدگی تبعی به برخی امور

حقوقی در دادگاه‌های کیفری را نمی‌توان با رسیدگی‌های محاکم نظامی قیاس کرد؛ زیرا در قانون اساسی نسبت به تشکیل دادگاه‌های کیفری و حقوقی و صلاحیت رسیدگی آنها مقررهای تصویب نشده است و این تفکیک توسط قانون عادی انجام شده است. بر این اساس، خود قانون عادی می‌تواند در امور مزبور، گاه صلاحیت یک دادگاه را توسعه دهد و صلاحیت دیگری را تضییق کند. به عنوان مثال قانون عادی می‌تواند با توجه به وجود برخی دلایل و مصالح، رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از یک جرم را در صلاحیت دادگاه کیفری قرار دهد که آن جرم را تحت رسیدگی دارد، در حالی که تصریح اصل (۱۷۲) به صلاحیت محاکم نظامی که رسیدگی به جرائم خاص نظامی یا انتظامی است، امکان توسعه صلاحیت این محاکم کیفری را توسط قانون عادی فراهم نمی‌آورد.

ب) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. به موجب ذیل ماده (۵)، نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌ی دادرسی مربوط به دادرسی ضرر و زیان خود معاف شده‌اند. با توجه به اینکه نیروهای مسلح طبق قوانین سابق صرفاً در محاکم نظامی از این امر معاف بودند، نه در کلیه محاکم، حکم مقرر در ذیل ماده (۵) باعث کاهش درآمدهای ناشی از پرداخت هزینه‌ی دادرسی و در نتیجه کاهش درآمدهای عمومی می‌شود. بر این اساس از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» به مجلس ارائه شده است و این ماده از آن، منجر به کاهش درآمدهای عمومی می‌شود و با این وجود، طریق جبران کاهش درآمدهای مذکور در این مصوبه مشخص نشده است،<sup>(۳)</sup> ماده (۵) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

همچنین این استدلال که هزینه‌های دادرسی نیروهای مسلح از منابع عمومی دولت پرداخت می‌شود و در صورت پرداخت، مجدداً به همین درآمدها اضافه می‌شود و در مجموع معافیت آنها موجب کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌شود، نمی‌تواند موجب عدم مغایرت این ماده با اصل (۷۵) شود؛ زیرا در بودجه‌ریزی، هر دستگامی بودجه‌ی معینی دارد و هزینه‌های دادرسی این دستگاه‌ها باید به خزانه واریز شود. درآمدهای ناشی از واریز این هزینه‌ها نیز برای فعالیت‌هایی که در برخی موارد، به صورت چندساله است اختصاص داده شده است که اگر این واریز صورت نگیرد، بودجه‌ی برخی از دستگاه‌ها دچار اختلال می‌شود. این امر در خصوص بودجه‌ی سال جاری یعنی سال ۱۳۹۳ اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این معافیت سبب می‌شود درآمد برخی ردیف‌ها که قبلاً تصویب شده است، تأمین نشود و به جای آن، این بودجه در نیروهای مسلح باقی مانده و صرف اقدامات دیگری شود.

ج) اگرچه شاید بتوان پذیرفت که هزینه‌های دادرسی که توسط نیروهای مسلح پرداخت می‌شود از بودجه‌ی عمومی است و در نهایت به بودجه‌ی عمومی دولت بر می‌گردد و لذا این تعادل حاکی از عدم کاهش درآمد عمومی دولت است، ولی توجه به یک نکته نشان می‌دهد که این امر در عمل می‌تواند موجب کاهش درآمد دولت شود. چنانچه حکم دادگاه به سود نیروهای مسلح باشد، باید هزینه‌ی دادرسی را از طرف مقابل اخذ کرد، در حالی که اگر نیروهای مسلح از پرداخت این هزینه‌ها معاف باشند، طرف مقابل می‌تواند ادعا کند که نیروهای مسلح هزینه‌ی پرداخت نکرده‌اند که او مجبور به جبران و پرداخت آن باشد. بنابراین، حکم معافیت نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌های دادرسی از این لحاظ نیز سبب کاهش درآمد عمومی دولت می‌شود و لذا این ماده، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت کاهش درآمد عمومی، نیازمند تعیین محل جبران می‌داند.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم، از لوازم رسیدگی به جرم است که به صورت تبعی در دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، از آنجا که ضرر و زیان مذکور ناشی از وقوع جرم بوده است، تسریع در رسیدگی و جلوگیری

۳. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

از تورم دعاوی در دادگستری و همچنین جلوگیری از امحای دلایل و مدارک اثبات این ضرر و زیان، ایجاب می‌کند که دادگاه کیفری که به اصل جرم رسیدگی می‌کند، به ضرر و زیان ناشی از آن نیز رسیدگی کند و تکلیف آن را مشخص سازد. این امر در جرائم نیروهای مسلح نیز وجود دارد و تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم همچون استرداد یک اسلحه مسروقه نیز باید در همان دادگاه انجام شود، نه اینکه رسیدگی آن نیازمند ارائه‌ی دادخواست در محکمه‌ای دیگر باشد. لذا با توجه به این رسیدگی تبعی و عدم تفکیک عرفی میان رسیدگی به اصل جرم و ضرر و زیان ناشی از آن، حکم به رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم در محاکم نظامی را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست. این موارد در واقع مشمول عنوان رسیدگی به جرائم نظامی هستند و از لحاظ عرفی نمی‌توان قائل به وجود تفکیک میان آنها و جرم ارتکاب‌یافته بود تا به تبع آن، قائل به رسیدگی جداگانه‌ی آنها بود.

ب) ضرر و زیان ناشی از جرم در واقع بخشی از حیثیت خصوصی جرم محسوب می‌شود که با توجه به لزوم رسیدگی حیثیت عمومی و خصوصی جرم در دادگاه‌های کیفری، این موضوع نیز در صلاحیت دادگاه‌های کیفری قرار خواهد داشت. بر این اساس، ماده‌ی مزبور از این حیث که رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرائم نظامی را در صلاحیت محاکم نظامی قرار داده است در راستای اصل (۱۷۲) است که رسیدگی به جرائم نظامی و انتظامی را در صلاحیت این محاکم قرار داده است. لذا این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل مزبور دانست.

ج) یکی از دلایل تشکیل محاکم نظامی که از جمله‌ی محاکم اختصاصی محسوب می‌شوند و تشکیل آن به تصریح قانون اساسی است، حفظ محرمانگی پرونده‌های نظامی است که معمولاً دارای طبقه‌بندی هستند. این امر ایجاب می‌کند که این پرونده‌ها در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شوند. با این وصف، رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرائم نظامی توسط دادگاه‌های عمومی، خلاف مصلحتی است که قانون اساسی مدّ نظر داشته است. بر این اساس، رسیدگی تبعی به ضرر و زیان ناشی از این جرائم در محاکم نظامی را نمی‌توان مغایر با صلاحیت مذکور در اصل (۱۷۲) یعنی صلاحیت رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی توسط محاکم نظامی دانست.

د) با توجه به اینکه در ماده (۵) پرداخت هزینه‌ی دادرسی توسط نیروهای مسلح از محل وجوه عمومی است و در نهایت نیز به خزانه باز می‌گردد، موازنه‌ای که میان این پرداخت و واریز وجود دارد، نشان می‌دهد که این امر در مجموع باعث کاهش درآمدهای عمومی نمی‌شود. بنابراین این ماده منجر به کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌شود تا از این حیث مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی باشد؛ چون طبق این اصل طرح‌های قانونی، در صورت افزایش هزینه‌های عمومی یا کاهش درآمد عمومی، نیازمند تعیین محل جبران آنها است. در نقطه‌ی مقابل به نظر می‌رسد در صورتی که نیروهای مسلح از این معافیت برخوردار نباشند، ممکن است این امر موجب کاهش درآمد دولت شود؛ زیرا موضوع این ماده، مطالبه‌ی ضرر و زیان ناشی از جرم است و چنانچه نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌های دادرسی ناتوان باشند و نتوانند در این خصوص اقامه‌ی دعوا کنند، این امر موجب تضییع حقوق بیت‌المال می‌شود. در این خصوص ممکن است یا به طور کلی اقامه دعوا صورت نپذیرد یا در اثر مرور زمان و از بین رفتن ادله، اقامه‌ی دعوا در سال‌های آتی نتواند کارگشا باشد.

همچنین در خصوص وضعیت این امر در بودجه ۱۳۹۳ نیز در مواردی که این معافیت سبب شود تا بودجه‌ی مربوط به هزینه‌های دادرسی نیروهای مسلح، مصرف نشود، باز هم این بودجه به خزانه بر می‌گردد؛ زیرا نیروهای مسلح صرفاً می‌توانند آن را در محل هزینه‌های دادرسی خرج کنند و در سایر محل‌ها چنین حقی را دارا نیستند. بنابراین این بودجه به درآمد عمومی دولت اضافه می‌شود و لذا موجب کاهش درآمد عمومی دولت نیست تا مغایر با اصل (۷۵) باشد.

ه) معافیت نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌ی دادرسی، بدین معنا نیست که در صورتی که حکم به سود آنها باشد، طرف مقابل بتواند ادعا کند با توجه به معافیت نیروهای مسلح، او هم مجبور به پرداخت هزینه‌ی دادرسی نیروهای مسلح نیست؛ زیرا این معافیت صرفاً برای نیروهای مسلح است و طرف مقابل در هر حال طبق عموماً آیین دادرسی باید این هزینه را به‌عنوان خسارت

پرداخت کند. بر این اساس، در این فرض نیز نمی‌توان معافیت نیروهای مسلح را به معنای کاهش درآمد عمومی دولت دانست و از این جهت، این ماده را از حیث عدم تعیین محل جبران این کاهش درآمد، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب کرد.

## نظر شورای نگهبان

ماده (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۶- رسیدگی به دعوای خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

## دیدگاه مغایرت

مفاد ماده (۶) از حیث توسعه‌ی صلاحیت دادگاه‌های نظامی مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق این اصل، محاکم نظامی صرفاً صلاحیت رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی را بر عهده دارند، در حالی که این ماده، رسیدگی به دعوای خصوصی که به تبع امر کیفری در این محاکم مطرح می‌شود را نیز در صلاحیت دادگاه نظامی دانسته است. هر چند در خصوص رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم مذکور در ماده (۵) این مصوبه به دلیل لازم و ملزوم بودن جرم و ضرر و زیان ناشی از آن، پذیرفته شد که این رسیدگی نیز در دادگاه کیفری انجام شود، ولی رسیدگی به دعوای خصوصی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، موارد مرتبط بسیاری را شامل می‌شود که اموری تخصصی بوده و خارج از صلاحیت دادگاه‌های نظامی است. به عنوان مثال ممکن است در رسیدگی به یک جرم نظامی، به دلیل نامعلوم بودن یک امر حقوقی مرتبط که رسیدگی به آن جرم منوط به مشخص شدن آن باشد، نیاز به رسیدگی یک مرجع تخصصی باشد که در این حالت دادگاه نظامی باید قرار اناطه صادر کند. مثلاً در بحث ورود غیر مجاز به یک مرکز نظامی، فردی مدعی مالکیت ملک مربوطه شود. در اینجا دادگاه عمومی است که باید تکلیف این ادعای مالکیت را مشخص کند و رسیدگی به این دعوا را نمی‌توان در صلاحیت دادگاه نظامی دانست. بنابراین، ماده ی مزبور از حیث توسعه‌ی صلاحیت دادگاه‌های نظامی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

همچنین عبارت «به تبع» امر کیفری را نمی‌توان همچون عبارت «ناشی از جرم» دانست و قائل به لازم و ملزوم بودن جرم و امور به تبع آن شد. به بیان دیگر، امور به تبع کیفری بسیار وسیع‌تر از ضرر و زیان ناشی از جرم هستند و لذا اطلاق آن که موارد غیر لازم و ملزوم با جرم را نیز شامل می‌شود، این ماده را از حیث توسعه‌ی صلاحیت دادگاه‌های نظامی، در تغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی قرار خواهد داد.

## دیدگاه عدم مغایرت

الف) این ماده مغایرتی با اصل (۱۷۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا دعوای خصوصی موضوع این ماده به تبع امر کیفری که در صلاحیت دادگاه‌های نظامی بوده، طرح شده است و با توجه به اینکه طرح آن در اثر آن موضوع کیفری بوده است، همچون ضرر و زیان ناشی از جرم است که رسیدگی به آن مطابق ماده (۵) این مصوبه، در صلاحیت دادگاه نظامی قرار گرفت. به بیان دیگر این دعوای با جرائم خاص نظامی و انتظامی مذکور در اصل (۱۷۲) به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک هستند و لذا رسیدگی به آنها را نمی‌توان به منزله‌ی توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی دانست. این امر همچنین در راستای یکی از فلسفه‌های تشکیل دادگاه‌های نظامی طبق قانون اساسی است که اسرار نظامی و مسائل امنیتی مربوطه افشا نشوند. به عنوان مثال ممکن است در اثر ارتکاب یک جرم نظامی درون یک پادگان، خسارتی به همسایه‌ی آن پادگان نیز وارد آمده باشد که رسیدگی به این دعوای خصوصی شخص حقیقی از آنجا که به تبع این جرم نظامی محقق شده است، در دادگاه نظامی صورت می‌پذیرد؛ یا اینکه در اثر یک جرم نظامی،



تصرفی غاصبانه در ملک یک شخص رخ داده است که دادگاه نظامی به غیر از صدور حکم مجازات فرد و رفع تصرف غاصبانه‌ی او، حکم به پرداخت مال‌الاجاره ایام غضب نیز خواهد داد و بر این اساس، نیازی به رسیدگی جداگانه به این موارد در محاکم عمومی نخواهد بود.

ب) ماده‌ی مزبور در جهت بیان لزوم رعایت تشریفات دادرسی دعاوی است که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود. در واقع، تکیه و تأکید این ماده بر لزوم رعایت تشریفات دادرسی است، نه اینکه درصدد بیان این موضوع باشد که هرگونه امر تبعی در دادگاه‌های نظامی رسیدگی شود. به بیان دیگر، این ماده در مقام بیان موارد قابل طرح در دادگاه‌های نظامی نیست، بلکه در مقام بیان این موضوع است که در دعاوی که به تبع امر کیفری در این دادگاه‌ها طرح می‌شوند، رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی باید انجام شود. بنابراین ماده‌ی مزبور در مقام بیان امکان رسیدگی به هرگونه امر تبعی نسبت به امور کیفری در محاکم نظامی نیست و صرفاً مواردی را مد نظر دارد که امکان رسیدگی به آنها در دادگاه‌های نظامی وجود داشته باشد. این موارد نیز همان ضرر و زیان ناشی از جرم است که در ماده‌ی قبل به آن اشاره شد و با توجه به لازم و ملزوم بودن آن با اصل جرم، رسیدگی به آن به منزله‌ی توسعه‌ی صلاحیت دادگاه نظامی نیست. بر این اساس، ماده (۶) مستلزم توسعه‌ی صلاحیت دادگاه نظامی نیست تا مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی باشد.

### دیدگاه ابهام

در این ماده، عبارت «دعاوی خصوصی که به تبع امر کیفری مطرح می‌شوند»، واجد ابهام است؛ زیرا مشخص نیست که منظور از آن صرفاً ضرر و زیان ناشی از جرم است یا اینکه هر امر مربوط همچون دعاوی مالکیت و بحث اناطه را نیز شامل می‌شود. از آنجا که اگر این «امور به تبع»، به صورت گسترده مد نظر قرار گیرند، منجر به توسعه‌ی صلاحیت دادگاه نظامی و در نتیجه، مغایرت این مصوبه با اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌شود، ابتدا باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۷- تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال یا محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه می‌شود.

### دیدگاه ابهام

عبارت «محرومیت از خدمات دولتی» در این ماده، از جهت اینکه مشخص نیست منظور از آن، «محرومیت از اشتغال به خدمات دولتی» است یا اینکه هرگونه خدمات دولتی که به افراد ارائه می‌شود را نیز مد نظر دارد، دارای ابهام است؛ چه آنکه سلب کلی خدمات دولتی از افراد به جهت اشمال آن بر بسیاری از امور حیاتی زندگی، مغایر با موازین شرع و اصول متعددی از قانون اساسی است. به طور معمول برای چنین تخلفات و جرائمی، از مجازات «محرومیت از حقوق اجتماعی» استفاده می‌شود که در ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، موارد آن ذکر شده است.

### دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

ظاهر ماده که به «انفصال از شغل» و سپس به «محرومیت از خدمات دولتی» اشاره کرده است، حاکی از آن است که منظور از محرومیت از خدمات دولتی، محرومیت از سایر مشاغل دولتی به جز شغل فعلی افراد مزبور نیز می‌باشد. بنابراین عبارت «محرومیت از خدمات دولتی» را نمی‌توان دارای ابهام دانست.

## نظر شورای نگهبان

در ماده (۷)، منظور از محرومیت از خدمات دولتی روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۱۱- اختیارات و وظایف رئیس، دادستان و دیگر مقامات قضایی سازمان قضایی استان با رعایت مقررات این بخش، همان اختیارات و وظایفی است که حسب مورد برای رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌های عمومی و انقلاب و سایر مقامات قضایی دادگستری مقرر شده است.

تبصره- گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای هم‌تراز آنان در دادگستری پیش بینی شده است و لیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد.

### دیدگاه مغایرت

الف) نظامیانی که از نیروهای مسلح برای قضاوت در سازمان قضایی نیروهای مسلح انتخاب می‌شوند، هر چند توسط رئیس قوه قضائیه برای آنان ابلاغ صادر می‌شود، ولی با توجه به اینکه از نظر معلومات، تخصص، سوابق و بسیاری از جهات دیگر نسبت به قضات دادگستری دارای تفاوت هستند، نمی‌توان حقوق و مزایای آنها را هم‌تراز با حقوق و مزایای قضات دادگستری دانست. در واقع این افراد از کارمندان نیروهای مسلح محسوب می‌شوند که همچون کارمندان قوه قضائیه که دارای حقوق و مزایای کمتری نسبت به قضات هستند، باید حقوق کمتری نسبت به قضات دادگستری دریافت کنند. بنابراین هم‌ترازی قضات نظامی با قضات دادگستری طبق تبصره‌ی این ماده، به‌نوعی مستلزم تبعیض ناروا است و از این جهت، مغایر با حکم بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی در خصوص لزوم رفع تبعیضات ناروا است.

ب) مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید نیز معلوم شده باشد.» از آنجا که در تبصره‌ی این ماده هم‌تراز کردن حقوق و مزایای قضات نظامی با قضاتی که در دادگستری مشغول به خدمت هستند، مستلزم افزایش هزینه‌های دولت در این بخش است و محل تأمین این هزینه‌ها نیز مشخص نشده است<sup>(۴)</sup> و با عنایت به اینکه این مصوبه در قالب «طرح» به مجلس ارائه شده است، این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

### دیدگاه ابهام

ذیل تبصره‌ی ماده (۱۱)، عبارت «هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد» دارای ابهام است؛ زیرا مشخص نیست که منظور از آن، هم‌ترازی قضات نظامی با قضات دادگستری بدون در نظر گرفتن معافیت مالیاتی است یا اینکه در هم‌ترازی آنان، کسر مالیات نیز مد نظر قرار می‌گیرد. چنانچه در این هم‌ترازی، معافیت مالیاتی قضات نظامی مد نظر قرار نگیرد، حقوقی که به آنان پرداخت می‌شود، در عمل بیش از قضات دادگستری است که از آنان مالیات کسر می‌شود که این امر موجب تبعیض ناروا خواهد بود. بنابراین با توجه به این ابهام و مغایرت فرض عدم لحاظ معافیت مالیاتی در هم‌ترازی آنها با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی در خصوص لزوم رفع تبعیضات ناروا، ابتدا باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

۴. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

## دیدگاه عدم مغایرت

الف) قضات نظامی هر چند از کارکنان نیروهای مسلح هستند، ولی دارای مدارک تحصیلی لازم برای تصدی منصب قضا هستند که پس از قبولی در آزمون مربوطه، توسط رئیس قوه قضائیه برای آنان ابلاغ قضایی صادر می‌شود. بنابراین هر چند از لحاظ معلومات و تخصص با قضات دادگستری متفاوت باشند ولی با توجه به شغل آنها که تصدی منصب قضایی است، نباید میان آنها و قضات دادگستری از حیث حقوق و مزایای دریافتی تفاوتی وجود داشته باشد. اگر قرار بر پرداخت همان حقوق و مزایای نیروهای مسلح به آنها باشد، این افراد انگیزه‌ای برای تصدی منصب قضا که جایگاه بسیار خطیر و دشواری است نخواهند داشت و به همان امور حقوقی سازمان خود خواهند پرداخت. بنابراین هم‌ترازی حقوق و مزایای قضات نظامی با قضات دادگستری به هیچ وجه تبعیض ناروا محسوب نمی‌شود و نمی‌توان آن را مغایر با بند (۳) اصل (۹) قانون اساسی دانست.

ب) ذیل تبصره‌ی ماده‌ی (۱۱) در صدد رفع هرگونه تبعیض ناروا میان قضات نظامی و قضات دادگستری است و بدین معناست که در هم‌ترازی قضات نظامی، معافیت مالیاتی آنان نیز باید محاسبه شود و دریافتی آنان باید با لحاظ دریافتی قضات دادگستری پس از کسر مالیات هم‌تراز شود. طبق ماده (۹۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی، درآمد حقوق پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از نظامی و انتظامی مشمول پرداخت مالیات نیست. بر این اساس قضات نظامی که از نیروهای مسلح انتخاب شده و توسط رئیس قوه قضائیه برای آنان ابلاغ صادر می‌شود، چون بخشی از حقوق خود را از سوی نیروهای مسلح دریافت می‌کنند، از پرداخت مالیات آن معاف هستند. حال چنانچه در پرداخت بخش دیگر از حقوق و مزایای آنان که از سوی قوه قضائیه پرداخت می‌شود، معافیت مالیاتی آنان مد نظر قرار نگیرد، در عمل حقوق و مزایای آنان از حقوق و مزایای قضات دادگستری بیشتر می‌شود. لذا ذیل این ماده در جهت رفع این تبعیض، پرداخت میزان هم‌ترازی را با لحاظ کسر مالیاتی دانسته است که از قضات دادگستری انجام می‌شود. بر این اساس، ذیل این ماده را نمی‌توان دارای ابهام دانست و در واقع در راستای بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی در خصوص رفع تبعیضات ناروا تصویب شده است.

ج) در حال حاضر حقوق و مزایای قضات نیروهای مسلح هم‌تراز با قضات دادگاه‌های دادگستری پرداخت می‌شود؛ بدین نحو که حقوق و مزایای اشتغال در نیروهای مسلح را دریافت می‌کنند و مابه‌التفات حقوقشان نسبت به قضات دادگستری را از قوه قضائیه دریافت می‌کنند. بنابراین هم‌ترازی مذکور در تبصره‌ی این ماده، موجب افزایش هزینه‌های عمومی نمی‌شود و لذا این تبصره، با اصل (۷۵) قانون اساسی که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین آن می‌داند، مغایرتی ندارد.

## نظر شورای نگهبان

تبصره ماده (۱۱)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷)، هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۱۲- دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از:

الف- دادگاه نظامی دو

ب- دادگاه نظامی یک

پ- دادگاه تجدید نظر نظامی

ت- دادگاه نظامی دو زمان جنگ

ث- دادگاه نظامی یک زمان جنگ

ج- دادگاه تجدید نظر نظامی زمان جنگ

## دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از وظایف رئیس قوه قضائیه است. از آنجا که دادگاه‌های تجدید نظر مذکور در ماده (۱۲) این مصوبه، دادگاه‌های جدیدی هستند که در حال حاضر وجود ندارند، طبق اصل مزبور، تشکیل آنها باید با موافقت رئیس قوه قضائیه صورت پذیرد؛ این در حالی است که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان مجلس ارائه شده است و موافقت رئیس قوه قضائیه در این خصوص جلب نشده است. بنابراین ماده مزبور از این حیث که وظیفه‌ی ایجاد تشکیلات در قوه قضائیه را در مورد دادگاه‌های تجدید نظر نظامی از رئیس قوه قضائیه سلب کرده است، مغایر بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

**ب)** بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی نمایندگان، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. بر اساس بند (پ) این ماده، دادگاه‌های تجدید نظر به تشکیلات سازمان قضایی نیروهای مسلح اضافه شده است. به بیان دیگر، قبلاً مرجع تجدید نظر آرای سازمان قضایی، دادگاه نظامی یک و دیوان عالی کشور بود که طبق این ماده، از این پس دادگاه تجدید نظر، مرجع تجدید نظر برخی از این آراء خواهد بود. با توجه به اینکه تشکیل این مرجع نیازمند به‌کارگیری قضات جدید، استفاده از مکان مستقل و تشکیلات اداری جدید است، تأسیس این مرجع دارای بار مالی است. از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این ماده منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با این وجود، طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص نشده است،<sup>(۵)</sup> ماده (۱۲) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

## دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۷۱) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. همچنین طبق اصل (۱۵۹) قانون اساسی، تشکیل دادگاه‌ها بر اساس قانون است. بنابراین نمایندگان مجلس می‌توانند در قالب «طرح»، تشکیل دادگاه‌هایی را به تصویب برسانند و این امر با ایرادی همراه نیست. در واقع این اقدام نمایندگان منافاتی با بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد؛ زیرا رئیس قوه قضائیه می‌تواند اقدام به ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری کند و در عرض رئیس قوه، نمایندگان مجلس هم می‌توانند گاه در قالب طرح‌های مصوب مجلس، تأسیس دادگاه‌هایی را پیش‌بینی کنند. به بیان دیگر، نمایندگان مجلس ممنوعیتی برای ارائه‌ی طرح‌های قانونی ندارند و ممنوعیتی که در این خصوص وجود دارد، ممنوعیت ارائه‌ی لوایح قضایی است که طبق بند (۲) اصل (۱۵۸)، این لوایح صرفاً باید از سوی رئیس قوه قضائیه ارائه شوند و دولت خود رأساً نمی‌تواند این لوایح را ارائه کند. بنابراین ماده مزبور از حیث ایجاد تشکیلات در دادگستری، مغایرتی با بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد.

**ب)** در حال حاضر، تجدید نظر آرای سازمان قضایی از طریق دادگاه نظامی یک و دیوان عالی کشور انجام می‌شود و اضافه شدن دادگاه تجدید نظر در بند (پ) این ماده، تغییری در این روند ایجاد نمی‌کند و صرفاً از لحاظ ساختاری یک واحد به این مجموعه اضافه می‌شود. به عبارت دیگر با تصویب این ماده، تنها اقدام جدیدی که این دادگاه‌ها انجام می‌دهند، رسیدگی به برخی پرونده‌هایی است که در حال حاضر، دیوان عالی مرجع تجدید نظر آنها است. بر این اساس، تشکیل این دادگاه‌ها برای قوه قضائیه، مستلزم صرف هزینه‌ی جدیدی نیست و این قوه می‌تواند با بودجه‌ی فعلی خود مبادرت به این امر کند. با این وصف، تشکیل این دادگاه‌ها منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی کشور نمی‌شود تا از حیث عدم تعیین محل تأمین هزینه‌های آن در این مصوبه، این

---

<sup>۵</sup> گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

ماده با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایر باشد.

### نظر شورای نگهبان

... بند (پ) ماده (۱۲)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۱۵- هرگاه دادگاه نظامی دو، اخذ نظر مشاور را ضروری بداند می‌تواند تقاضای مشاور نماید. در این صورت، حسب مورد رئیس سازمان قضایی استان مربوط و در مرکز، رئیس سازمان قضایی مکلف است از میان قضات دادگاه‌ها نسبت به تعیین و اعزام مشاور اقدام نماید. مشاور مکلف است پرونده را به طور دقیق مطالعه و بررسی کند و حداکثر ظرف پنج روز پس از ختم رسیدگی، نظر مشروح و مستدل خود را به طور کتبی اعلام نماید. تخلف مشاور از این امر موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است.

تبصره- چنانچه مشاور ظرف مهلت مقرر، نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند، قاضی دادگاه خود تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند و در هر صورت دادگاه مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از پایان مدت مقرر یا وصول نظر مشاور، مبادرت به انشای رأی نماید.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** اطلاق محکومیت انتظامی مشاور در فرض تخلف از اعلام نظر کتبی خود ظرف مدت مقرر، نسبت به مواردی که رسیدگی و اعلام نظر در مدت پنج روز برای او ممکن نیست و به بیان دیگر مشاور در این مدت، عذر داشته باشد، واجد ایراد شرعی است.  
**ب)** مطابق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت قضات از وظایف رئیس قوه قضائیه است. از آنجا که بر اساس ماده (۱۵) این مصوبه، صلاحیت تعیین و اعزام مشاور از میان قضات دادگاه‌ها به رئیس سازمان قضایی محول شده است، این ماده مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی خواهد بود. به بیان دیگر، تغییر محل مأموریت قضات بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است و اعطای این صلاحیت به رئیس سازمان قضایی به معنای سلب این صلاحیت از رئیس قوه قضائیه و مغایر با اصل مزبور خواهد بود. همچنین، اطلاق عبارت «از میان قضات دادگاه‌ها» در این ماده بدین معنا است که رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌تواند از قضات خارج از سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز افرادی را به عنوان مشاور تعیین کند که این امر مغایر با اصول اداری و مدیریتی و صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه در این خصوص نیز خواهد بود.

**ج)** تصویب این ماده را نمی‌توان بدین معنا دانست که رئیس قوه قضائیه هنگام صدور حکم قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، به طور کلی پذیرفته است که این افراد بتوانند به عنوان مشاور نیز تعیین شوند. تغییر محل خدمت و مأموریت قضات که طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) در صلاحیت رئیس قوه قضائیه گذاشته شده است، بدین معناست که رئیس قوه قضائیه باید به صورت موردی و برای هر فرد، ابلاغی مجزا با محل خدمت مشخص تعیین کند و این امر نمی‌تواند به طور کلی صورت پذیرد. بنابراین ماده‌ی مزبور از حیث سلب صلاحیت تعیین محل مأموریت قضات از رئیس قوه قضائیه و اعطای آن به رئیس سازمان قضایی، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) است. همچنین حکم مشاوره‌ی مذکور در این ماده را نیز نمی‌توان یک مأموریت عادی محسوب کرد و آن را به عنوان تغییر محل مأموریت محسوب نکرد؛ زیرا ممکن است بررسی پرونده‌ای، مدت زمان بسیاری از وقت یک قاضی مشاور را بگیرد و او نتواند در محل خدمت خود ایفای وظیفه کند. بر این اساس، این اقدام در واقع تغییر محل مأموریت قضات محسوب می‌شود و لذا طبق اصل مزبور در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است.

د) مطابق اصل (۱۴۱) قانون اساسی رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر ممنوع است. تعیین حکم مشاوره در این ماده برای قضات، در واقع شغلی جدید محسوب می شود که تصدی آن از سوی قضات به منزله تصدی شغل دوم است و از این رو، این ماده از این حیث، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است.

ه) اطلاق عبارت «در هر صورت دادگاه مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از پایان مدت مقرر یا وصول نظر مشاور، مبادرت به انشای رأی نماید»، مغایر با موازین شرع است؛ زیرا ممکن است قاضی برای کشف حقیقت نیاز به صرف زمان بیشتری داشته باشد و از لحاظ صدور حکم به قطعیت نرسیده باشد. بر این اساس، الزام قاضی به انشای رأی ظرف مدت یک هفته در تبصره این ماده، مغایر با موازین شرع است. همچنین لزوم اخذ نظر مشاور در این ماده بدین معنا است که قاضی در خصوص موضوع یک پرونده، دارای ابهام بوده است و ممکن است رفع این ابهام منوط به تحقیقات بیشتر و یا تصحیح شیوهی تحقیقات باشد. بنابراین قرار دادن مهلت یک هفته برای این قاضی به خصوص در مواردی که مشاور از ارائه نظر استنکاف کرده است، مغایر با موازین شرع است.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) در این ماده، الزام مشاور به اعلام نظر مشروح و مستدل خود حداکثر ظرف پنج روز منوط به ختم رسیدگی شده است. بر این اساس، اگر مشاور عذری در این خصوص داشته باشد، ختم رسیدگی را اعلام نمی دارد تا ملزم به ارائه نظر خود باشد. همچنین اگر پس از ختم رسیدگی، عذر موجهی برای عدم اعلام نظر مشاور وجود داشته باشد، همچون سایر موارد سلب مسئولیت کیفری، مشاور نیز به محکومیت مذکور در این ماده محکوم نخواهد شد. بنابراین در این ماده قرار دادن مدت پنج روز برای ارائه نظر مشاور، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ب) با توجه به اینکه ابلاغ قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح توسط رئیس قوه قضائیه صادر می شود، تصویب این ماده بدین معنا خواهد بود که رئیس قوه قضائیه پذیرفته است که در حین صدور ابلاغ قضایی آنها، حکم مأموریت مشاوره ای آنها در موارد لزوم را نیز پذیرفته و در واقع صادر کرده است. به بیان دیگر حکم مأموریت این افراد به طور کلی توسط رئیس قوه قضائیه صادر شده است و تعیین قضات مربوطه به طور موردی بر عهده رئیس سازمان قضایی گذاشته شده است. بنابراین ماده مزبور در خصوص تعیین محل خدمت قضات از رئیس قوه قضائیه سلب صلاحیت نکرده است و از این جهت، مغایرتی با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد. همچنین تعیین این مشاوران «از میان قضات دادگاهها» بدین معنا نیست که رئیس سازمان قضایی می تواند از قضات هر دادگاهی، از جمله دادگاه های خارج از سازمان قضایی نیز استفاده کند، بلکه دادگاه های مذکور در این ماده، منصرف به دادگاه های سازمان قضایی نیروهای مسلح است. بنابراین این ماده از این حیث نیز مغایر با اصول اداری و مدیریتی قوه قضائیه و صلاحیت های رئیس قوه قضائیه نیست.

ج) تعیین مشاور طبق این ماده، به معنای تغییر محل مأموریت قضات نیست، بلکه قضات مذکور، در عین داشتن ابلاغ قضایی، شأنی مشورتی نیز دارا هستند که در موارد لزوم از مشورت آنها استفاده خواهد شد. به بیان دیگر، مأموریت مشورتی مذکور در این ماده، صرفاً ارجاعی قضایی است و نمی توان آن را به معنای تغییر محل مأموریت قضات دانست تا بتوان آن را از حیث سلب یکی از صلاحیت های رئیس قوه قضائیه، مندرج در بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی مغایر با این اصل دانست.

د) مشاوره مذکور در این ماده، مأموریت و فعالیتی قضایی است که در برخی موارد به قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح سپرده می شود. به بیان دیگر طبق این ماده، برخی از اقدامات قضایی قضات در قالب مشاوره به سایر قضات انجام می شود. بنابراین مشاوره مذکور در این ماده، شغلی جدید محسوب نمی شود تا بتوان آن را از حیث ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۵)، تعیین و اعزام مشاور از میان قضات دادگاه‌ها از سوی رئیس سازمان قضایی، بدون ابلاغ رئیس قوه قضائیه، مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین تبصره این ماده نسبت به موردی که بدون اخذ نظر مشاور، برای قاضی، صدور رأی امکان‌پذیر نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۷- در صورتی که تعداد اعضای دادگاه نظامی یک یا دادگاه تجدید نظر نظامی به حد نصاب لازم نرسد، رئیس سازمان قضایی با تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه، می‌تواند قضات دادگاه‌های مزبور را از میان قضات دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدید نظر همان استان و یا با ابلاغ مأموریت موقت از سایر استان‌ها تأمین نماید. تبصره- در صورت نیاز، قضات موضوع این ماده با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه از میان قضات دادگاه‌های کیفری یک یا تجدید نظر استان مربوط تأمین می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** تغییر محل مأموریت قضات طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است. با عنایت به اینکه قضاوت از مناصب پیامبران و جانشینان آنان است که در زمان غیبت حضرت ولی عصر (اروحنا له الفداء)، ولی فقیه جامع‌الشرایط، مدیریت آن را به شخص رئیس قوه قضائیه تفویض کرده است، رئیس قوه قضائیه صرفاً خود می‌تواند نسبت به استخدام قضات و عزل و نصب آنها و تغییر محل خدمت آنها اقدام کند و نمی‌تواند آن را به شخص دیگری تفویض کند. به بیان دیگر، این وظیفه‌ی رئیس قوه قضائیه قائم به شخص است و قابل تفویض نیست. از این رو، ماده‌ی مزبور که تأمین قضات مذکور را قابل تفویض به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، از حیث غیر قابل تفویض بودن صلاحیت رئیس قوه قضائیه مندرج در بند (۳) اصل (۱۵۸)، مغایر با این اصل است. همچنین از حکم مقرر در ذیل اصل (۱۶۰) قانون اساسی که بیان می‌دارد: «رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند»، این مفهوم مخالف برداشت می‌شود که رئیس قوه قضائیه صرفاً در خصوص استخدام غیر قضات، می‌تواند صلاحیت خود را تفویض کند و در خصوص امور استخدامی و شغلی قضات چنین اختیاری را دارا نیست.

**ب)** مطابق اصل (۱۶۴) قانون اساسی تغییر محل خدمت یا مأموریت قضات توسط رئیس قوه قضائیه باید به «اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» انجام شود. بر این اساس، ماده‌ی مزبور که در تغییر محل مأموریت قضات، رعایت قیود اصل (۱۶۴) را لازم ندانسته است و رئیس قوه قضائیه را به طور مطلق صاحب صلاحیت دانسته است، مغایر با این اصل است. همچنین تأمین قضات این دادگاه‌ها در صورت به حد نصاب نرسیدن اعضای آن به معنای موقت بودن مأموریت آنها نیست و حتی در مواردی که ابلاغ مأموریت موقت صادر می‌شود نیز ممکن است این مأموریت به اندازه‌ای باشد (مثلاً شش ماه) که از لحاظ عرفی به معنای تغییر محل مأموریت باشد. بر این اساس، نمی‌توان تأمین قضات مذکور در این ماده را به معنای صدور ابلاغ مأموریت کوتاه‌مدت قلمداد کرد و آن را خارج از شمول عنوان «تغییر محل مأموریت» مذکور در اصل (۱۶۴) دانست.

**ج)** طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل قضات در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است و این صلاحیت، مقید به پیشنهاد شخص دیگری نشده است. به بیان دیگر، به‌جز قیود مصرح در اصل (۱۶۴) قانون اساسی، رئیس قوه قضائیه در این خصوص اختیار تام دارد و نمی‌توان آن را مقید به امور دیگری کرد. در تبصره‌ی این ماده، تأمین قضات مورد نیاز از سوی رئیس قوه قضائیه منوط به «پیشنهاد رئیس سازمان قضایی» شده است، در حالی که رئیس قوه قضائیه طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) رأساً می‌تواند نسبت به این امر مبادرت ورزد. بر این اساس، تبصره‌ی این ماده از حیث محدود کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

## دیدگاه عدم مغایرت

الف) بر اساس ذیل بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، صلاحیت رئیس قوه قضائیه در خصوص عزل و نصب قضات و «تغییر محل مأموریت» آنها مقید به «قانون» است. بر این اساس، اگر قانون مشخص کند که رئیس قوه قضائیه می‌تواند این صلاحیت را در مواردی به شخص دیگری تفویض کند، با عنایت به تصریح ذیل این بند به عبارت «طبق قانون»، رئیس قوه قضائیه مانعی برای این امر نخواهد داشت. بنابراین، ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث پیش‌بینی امکان تفویض صلاحیت تغییر محل مأموریت قضات مذکور در این ماده از سوی رئیس قوه قضائیه به رئیس سازمان قضایی، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) دانست.

ب) تأمین قضات مذکور در این ماده، صرفاً در مواردی است که جلسات دادگاه از لحاظ اعضا به حد نصاب نرسد که در این حالت رئیس قوه قضائیه می‌تواند با صادر کردن ابلاغ مأموریت موقت برای برخی قضات موجب برگزار شدن این جلسات شود. بنابراین تأمین قضات در این ماده از طریق مأموریت‌های کوتاه‌مدت صورت می‌پذیرد که در واقع به معنای تغییر محل مأموریت قضات نیست تا نیازمند رعایت قیود مصرح در اصل (۱۶۴) قانون اساسی، یعنی «به اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» باشد.

## دیدگاه ابهام

در این ماده مشخص نیست منظور از «تأمین قضات» و «ابلاغ مأموریت موقت»، صرفاً مأموریت‌های کوتاه‌مدت و برای برخی جلسات است یا اینکه این مأموریت ولو موقت، ممکن است به اندازه‌ای طولانی باشد که در عرف به معنای تغییر محل مأموریت محسوب شود. چنانچه این عبارات به معنای تغییر محل مأموریت قضات باشد، این ماده از حیث عدم لزوم رعایت قیود اصل (۱۶۴)، مغایر با این اصل خواهد بود. لذا ابتدا باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

## نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۷)، تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق صدور ابلاغ مأموریت موقت از سایر استان‌ها، مغایر اصل (۱۶۴) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه در تبصره این ماده، منوط نمودن تأمین قضات مورد نیاز از میان قضات دادگاه کیفری یک یا تجدید نظر استان مربوط به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۱۸- هرگاه در محلی دادگاه نظامی دو تشکیل نشده یا بلا تصدی باشد و یا تشکیل شده ولی با تراکم پرونده روبرو باشد، دادگاه نظامی یک حسب ارجاع، به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه نظامی دو است نیز رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادگاه مزبور با تصدی یکی از اعضاء تشکیل می‌شود.

تبصره- هرگاه در استانی دادگاه نظامی یک یا تجدید نظر نظامی تشکیل نشده یا بلا تصدی باشد یا به جهاتی از قبیل ردّ دادرسی، امکان رسیدگی در استان فراهم نبوده و اعزام قاضی مأمور نیز مقدور نباشد، رسیدگی به پرونده‌های مربوط، حسب مورد در نزدیک‌ترین حوزه قضایی به عمل می‌آید.

## دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۴۱) قانون اساسی رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند. ممنوعیت جمع مشاغل مصرح در اصل (۱۴۱)، ایجاب می‌کند که قضاتی که در دادگاه نظامی یک به قضاوت اشتغال دارند، در دادگاه نظامی دو قضاوت نکنند. بنابراین ماده (۱۸) از حیث پیش‌بینی دو شغل برای یک نفر، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است.



## دیدگاه عدم مغایرت

رسیدگی به پرونده‌های دادگاه نظامی دو توسط قضات دادگاه نظامی یک، تنها در صورتی است که در محلی دادگاه نظامی دو تشکیل نشده یا بلا تصدی است و بنا به تصریح ماده (۱۸) حسب ارجاع و به شکل موردی خواهد بود. در واقع، این نوع اختیار برای قضات دادگاه های نظامی یک، نوعی صلاحیت اضافی محسوب می‌شود، نه اینکه وی دو شغل و دو پست سازمانی را تصدی کرده باشد. بر این اساس، این ماده از حیث ممنوعیت جمع مشاغل دولتی مغایرتی با اصل (۱۴۱) قانون اساسی ندارد.

## نظر شورای نگهبان

ماده (۱۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۰- در صورت ضرورت، برای رسیدگی به جرائم ارتكابی نظامیان که در صلاحیت سازمان قضایی است، بنا به پیشنهاد فرمانده کل ارتش یا سپاه یا فرمانده نیروی انتظامی و موافقت رئیس سازمان قضایی، شعبه یا شعبی از دادرسی نظامی در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده هم‌تراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین تشکیل می‌شود. تأمین محل مناسب و امکانات مورد نیاز به‌عهده همان یگان است.

## دیدگاه مغایرت

مطابق بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، از جمله‌ی وظایف و اختیارات رئیس قوه‌ی قضائیه است. این در حالی است که در ماده (۲۰) این مصوبه، تشکیل شعب دادرسی و دادگاه در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده‌ی هم‌تراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین را منوط به موافقت رئیس سازمان قضایی کرده است. بر این اساس، این ماده از حیث سلب صلاحیت از رئیس قوه‌ی قضائیه، مغایر با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است. همچنین تصریح این ماده به تشکیل شعبه یا شعبی از دادرسی نظامی در محل‌های مزبور به معنای ایجاد شعب جدید است، نه اینکه صرف انتقال شعب موجود را مد نظر داشته باشد.

## دیدگاه عدم مغایرت

این ماده صرفاً در خصوص استقرار برخی از شعب موجود دادرسی نظامی در محل‌های مذکور است، نه اینکه شعب جدیدی با موافقت رئیس سازمان قضایی تشکیل شوند. به بیان دیگر، بر اساس این ماده در صورت موافقت رئیس سازمان قضایی، صرفاً مکان تشکیل این شعب به محل‌های مذکور انتقال می‌یابد و تشکیلات جدیدی در دادگستری ایجاد نمی‌شود. بر این اساس، ماده‌ی مزبور در راستای سلب صلاحیت از رئیس قوه‌ی قضائیه نیست و از این جهت، با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی ناظر بر صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه در ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری مغایرتی ندارد.

## نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۰)، منوط نمودن امر به پیشنهاد فرماندهان مرقوم و موافقت رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی می‌باشد.

---

ماده ۲۱- در زمان جنگ، دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ، در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز

تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائم مذکور در بندهای (ب) و (پ) ماده (۲۲) این قانون که توسط غیر نظامیان در زمان جنگ در مناطق جنگی ارتکاب یابد و جرائم ارتكابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید علیه نیروهای مسلح خودی و جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده نیز در صلاحیت دادگاه‌های نظامی زمان جنگ است.

تبصره ۲- حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی، با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۳- تشخیص زمان جنگ بر عهده شورای عالی امنیت ملی می‌باشد.

تبصره ۴- دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدید نظر نظامی تا هنگام تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مورد برابر مقررات دادرسی زمان جنگ، به جرائم مربوط به جنگ رسیدگی می‌کنند.

### دیدگاه مغایرت

الف) مطابق بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از جمله وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است. در ماده (۲۱) تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، منوط به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و تصویب رئیس قوه قضائیه شده است که این امر بدین معناست که رئیس قوه قضائیه ابتدائاً نمی‌تواند اقدام به این امر کند. از این جهت، این ماده از حیث منحصر کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر با اصل (۱۵۸) است. تبصره (۲) این ماده که تعیین حوزه‌های قضایی مذکور را به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی دانسته است نیز به دلیل محدود کردن اختیار رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل مزبور است.

ب) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی برای رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مطابق قانون تشکیل می‌شوند. بر اساس حکم تبصره (۱) این ماده، «دادگاه‌های نظامی زمان جنگ» صلاحیت رسیدگی به این موارد را خواهند داشت: «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی» و «جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد» که توسط غیر نظامیان در مناطق جنگی ارتکاب می‌یابد، کلیه «جرائم ارتكابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید علیه نیروهای خودی» و کلیه «جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده». این در حالی است که مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی صرفاً صلاحیت رسیدگی به جرائم نظامیان را دارا هستند. بنابراین دو مورد نخست که رسیدگی به جرائم غیر نظامیان را در صلاحیت دادگاه نظامی قرار داده است، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. اطلاق مورد سوم آن نیز که رسیدگی به کلیه جرائم نظامیان را در صلاحیت دادگاه نظامی قرار داده است، به دلیل اینکه جرائم غیر نظامی افراد نظامی را نیز شامل می‌شود، مغایر با اصل مزبور است. به بیان دیگر، جرائم غیر نظامی این افراد طبق این اصل در حیطه محاکم نظامی نیست و باید در سایر دادگاه‌های ذی صلاح به آنها رسیدگی شود.

ج) حکم تبصره (۳) ماده (۲۱) که «تشخیص زمان جنگ» را بر عهده «شورای عالی امنیت ملی» گذاشته است، با توجه بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی که «اعلان جنگ و صلح» را از وظایف و اختیارات مقام رهبری دانسته است، مغایر این بند از اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. همچنین نمی‌توان قائل به تفکیک جنگ به «جنگ رسمی» و «غیر رسمی» شد و صرفاً اعلان نوع رسمی آن را در صلاحیت مقام رهبری دانست؛ زیرا اگر جنگی وجود داشته باشد مشمول اطلاق «اعلان جنگ» مندرج در بند (۵) اصل (۱۱۰) خواهد بود و نیز هر اقدام مسلحانه همچون آشوب‌ها را ولو به طور گسترده نمی‌توان جنگ محسوب کرد.

### دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که ممکن است در بخشی از کشور «جنگ داخلی» صورت پذیرد (مثلاً جنگ با منافقین در کردستان) و نتوان آن را از زمره‌ی جنگ‌های رسمی دانست که مقام رهبری اعلان جنگ کنند، تشخیص زمان جنگ بودن این موارد غیر رسمی توسط شورای عالی امنیت ملی را نمی‌توان مغایر با بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی دانست. به بیان دیگر، صلاحیت اعلان جنگ مذکور در این بند برای مقام رهبری مربوط به جنگ‌های رسمی علیه ایران است و تشخیص زمان جنگ‌های داخلی را نمی‌توان صرفاً در صلاحیت مقام رهبری دانست. بر این اساس، تبصره (۳) این ماده را در خصوص جنگ‌های غیر رسمی نمی‌توان مغایر با بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۱)، منوط کردن تشکیل دادگاه‌های مذکور به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در تبصره یک این ماده، رسیدگی به جرائم ارتکاب‌یافته از سوی غیر نظامیان در زمان جنگ در مناطق جنگی، جرائم ارتکابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید و اطلاق جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه در تبصره (۲) این ماده، منوط نمودن اقدام رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. مضافاً اینکه تبصره (۳) ماده (۲۱) نیز مغایر بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

---

ماده ۲۲- جرائم مربوط به جنگ که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد و در دادگاه زمان جنگ رسیدگی می‌شود، عبارتند از:

الف- کلیه جرائم ارتکابی در مناطق عملیاتی

ب- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

پ- جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد.

### دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی برای رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مطابق قانون تشکیل می‌شوند. با این وجود، بندهای (الف) و (ب) ماده (۲۲) رسیدگی به «کلیه جرائم ارتکابی در مناطق عملیاتی» و «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی» که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد را در صلاحیت «دادگاه زمان جنگ» قرار داده است. با این وصف، از آنجا که این بندها، صلاحیت دادگاه نظامی را به جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی توسعه داده است، مغایر با اصل مزبور است.

ب) بند (پ) ماده (۲۲)، شامل موارد غیر مربوط به وظایف خاص نظامی نیز می‌شود. به بیان دیگر ممکن است فرد نظامی در جریان اقدامات عملیاتی مربوط به امور جنگی مرتکب یک رفتار غیر مربوط به وظایف خاص نظامی خود مثل سرقت شود. در این حالت با توجه به اینکه جرم او جرم خاص نظامی نیست، محکمه‌ی نظامی که طبق اصل (۱۷۲) صرفاً صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» است، صلاحیت رسیدگی به جرم مذکور را ندارد. بنابراین اطلاق این ماده در خصوص موارد غیر مربوط به وظایف نظامی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

### دیدگاه عدم مغایرت

هر چند بندهای (الف) و (ب) این ماده، صلاحیت محاکم نظامی را در خصوص جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی توسعه داده است و از این جهت، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است، ولی بند (پ) این ماده که «جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط

با اقدامات عملیاتی» را ذکر کرده است، در واقع از جمله‌ی جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی محسوب می‌شود و لذا بند اخیر را نمی‌توان از حیث توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی مغایر با اصل (۱۷۲) دانست.

### نظر شورای نگهبان

عموم بندهای (الف) و (ب) ماده (۲۲)، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۲۶- پس از انحلال دادسرا و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، پرونده‌های مربوط حسب مورد در دادسرا و دادگاه‌های نظامی صالح، برابر مقررات دادرسی زمان صلح رسیدگی می‌شود.  
تبصره- دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه منحل می‌شوند.

### دیدگاه مغایرت

مطابق بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، از جمله‌ی صلاحیت‌های رئیس قوه‌ی قضائیه است. با این وجود، تبصره‌ی ماده (۲۶) انحلال دادگاه‌های نظامی زمان جنگ را به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی منوط کرده است که این امر موجب ایجاد محدودیت برای رئیس قوه‌ی قضائیه در انحلال این دادگاه‌ها بدون پیشنهاد رئیس سازمان قضایی است. بر این اساس، این تبصره به دلیل محدود کردن صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه در این زمینه، مغایر با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است. بدیهی است که «انحلال» نوعی دخل و تصرف در «ایجاد تشکیلات قضایی» است و نمی‌توان «انحلال تشکیلات» را جدای از «ایجاد تشکیلات» دانست. از این رو، انحلال دادگاه‌ها نیز به موجب قانون اساسی در صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه است.

### دیدگاه عدم مغایرت

بند (۱) اصل ۱۵۸ قانون اساسی، «ایجاد تشکیلات» لازم در دادگستری را از جمله صلاحیت‌های رئیس قوه‌ی قضائیه دانسته است. با عنایت به اینکه تبصره‌ی ماده (۲۶) صرفاً به «انحلال» دادگاه نظامی اشاره کرده است، این تبصره ناظر به ایجاد تشکیلات توسط رئیس قوه‌ی قضائیه نیست و لذا مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد.

### نظر شورای نگهبان

در تبصره ماده (۲۶)، منوط کردن تصویب رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۲۸- رسیدگی به جرائم زیر در صلاحیت سازمان قضایی است:

- الف- جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح، به‌جز جرائم در مقام ضابط دادگستری
- ب- جرائم در حین انجام وظیفه و یا در محل خدمت اعضای نیروهای مسلح، به‌جز جرائم در مقام ضابط دادگستری
- پ- جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت
- ت- کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها، ارتكابی توسط اعضای نیروهای مسلح
- ث- جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در صورتی که با وظایف خاص آنان یا اطلاعات طبقه‌بندی‌شده جمهوری اسلامی

ایران مرتبط باشد.

ج- جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران

چ- جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت سازمان‌های مشمول دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت دستگاه‌های کشوری مصوب فرماندهی کل قوا

ح- کلیه جرائم کارکنان نیروهای مسلح با جایگاه نوزده به بالا به استثنای جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانواده تبصره ۱- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف و مسئولیت‌هایی که طبق قانون و مقررات بر عهده آنان است مرتکب شوند.

تبصره ۲- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصره ۳- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.

### دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و رسیدگی به سایر موارد باید در دادگستری صورت پذیرد. بر این اساس، از آنجا که عبارت «جرائم در حین انجام وظیفه و یا در محل خدمت اعضای نیروهای مسلح» در بند (ب) این ماده، شامل رسیدگی به جرائم عمومی این افراد به وسیله محاکم نظامی نیز می‌شود، عموم بند مذکور علاوه بر مغایرت با اصل (۱۷۲) قانون اساسی، مغایر با اصل (۱۵۹) قانون اساسی نیز است.

ب) بند (پ) این ماده که «جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت» را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر با اصل (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است؛ زیرا صدر این بند کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی که توسط نیروهای مسلح به وقوع می‌پیوندد را در صلاحیت این سازمان دانسته است، در حالی که عموم این بند شامل جرائم عمومی این افراد نیز می‌شود و لذا این بند با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین ذیل این بند که جرائم تا پنج سال پس از خاتمه خدمت این افراد را نیز در صلاحیت محاکم نظامی قرار داده است از این حیث که این افراد دیگر نظامی محسوب نمی‌شوند و وظیفه‌ی خاص نظامی و انتظامی انجام نمی‌دهند، مغایر با اصول مزبور است.

ج) از آنجا که بر اساس بند (ت) این ماده، رسیدگی به کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها که توسط اعضای نیروهای مسلح ارتکاب یافته است را در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است و ارتکاب این جرائم، به هیچ وجه مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی این افراد نمی‌شود، این بند با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین روشن است که در این بند، منظور از جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها، جرائمی است که توسط نیروهای مسلح ارتکاب می‌یابند؛ مثلاً خرید و فروش مواد مخدر و روانگردان توسط این افراد، نه اینکه این افراد در ارتباط با این جرائم، مرتکب یک جرم (مثلاً شلیک به فرد بی‌گناه در اثنای درگیری با قاچاقچیان مواد مخدر) شوند. بنابراین عمومیت و شمول این بند در خصوص کلیه جرائم مواد مخدر و روانگردان‌ها دارای ایراد است، نه اینکه صرفاً در خصوص موارد غیر خاص نظامی و انتظامی دارای ایراد باشد.

د) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. بنابراین از آنجا که در بند (ث)، رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات نیز در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است، این بند با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ه) در بند (ج) این ماده، اطلاق رسیدگی به «جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت» توسط سازمان قضایی که جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی آنها را نیز شامل می‌شود، با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین ذیل این بند که رسیدگی به «جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» را در صلاحیت سازمان قضایی قرار داده است نیز مغایر با اصول مزبور است؛ زیرا طبق اصل (۱۷۲)، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح ایرانی هستند و جرائم سایر افراد از جمله اسرای بیگانه - اگرچه نظامی باشند - در عموم صلاحیت دادگستری است.

و) هر چند صلاحیت سازمان قضایی نسبت به رسیدگی به «جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» بر اساس قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام است،<sup>(۶)</sup> ولی ذکر آن در بند (ج) ماده (۲۸) مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان<sup>(۷)</sup> در خصوص این اصل است. بر اساس این نظریه‌ی تفسیری، هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد، ابطال، نقض و فسخ مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند. این در حالی است که با تصویب این بند، در واقع مصوبه‌ی مجمع نسخ می‌شود. به بیان دیگر، ممکن است مجمع بخواهد از این حکم عدول کند که با تصویب این بند، مفاد آن لازم‌الاجراء می‌شود و عدول مجمع، تأثیری در حذف این صلاحیت سازمان قضایی نخواهد داشت.

ز) کارکنان یگان‌های حفاظتی مذکور در بند (چ) این ماده، در نهادها و سازمان‌های متعددی از قبیل منابع طبیعی، سازمان جنگل‌ها، گمرک، راه آهن جمهوری اسلامی ایران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و وزارت نفت فعالیت می‌کنند که طبق بند (۲) - ۴) دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت دستگاه‌های کشوری مصوب ۱۳۷۹/۴/۵ که به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است، «مقررات اداری و استخدامی کارکنان یگان‌ها (به غیر از کارکنان نیروهای مسلح)، مقررات جاری دستگاه می‌باشد». بر این اساس، کارکنان این یگان‌ها لزوماً کارکنان نیروهای مسلح نیستند و لذا اطلاق صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی به جرائم افرادی از این یگان‌ها که غیر نظامی و غیر انتظامی هستند، با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین به‌صرف اینکه این افراد مسلح هستند را نمی‌توان بدین معنا دانست که این افراد، نیروی مسلح به معنای مصطلح محسوب شوند؛ چه آنکه نیروهای مسلح به لحاظ اصطلاحی به برخی نهادهای نظامی اطلاق می‌شود.

افزون بر آن، در مواردی که افراد این یگان‌ها، عضو نیروهای مسلح باشند نیز با توجه به اینکه تمامی اقدامات آنها نظامی محسوب نمی‌شود، عموم عبارت «جرائم مرتبط با وظایف انتظامی» در این بند، شامل موارد غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی آنها نیز می‌شود و لذا این بند از این حیث نیز مغایر با اصول مزبور است.

۶- ماده ۲- جرائمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت مرتکب شده‌اند و نیز جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود. این مصوبه در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است.

۷- نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدباً که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

ح) از آنجا که بر اساس بند (ح) این ماده، کلیه جرائم کارکنان نیروهای مسلح با جایگاه نوزده به بالا به استثنای جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانواده، در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است، عموم این بند که شامل بسیاری از جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی این افراد می‌شود، با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ط) همان‌طور که در بررسی بندهای مختلف این ماده بیان شد، صلاحیت سازمان قضایی در رسیدگی به جرائم مذکور در ماده (۲۸)، در موارد بسیاری از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. هر چند این موارد توسط امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مجاز دانسته شده‌اند و بر اساس این اجازه‌ها که خود طبق اختیارات ولایت مطلقه فقیه مذکور در اصل (۵۷) بوده‌اند، رسیدگی سازمان قضایی دارای ایراد نیست، ولی تصویب آنها در قالب قانون دارای ایراد خواهد بود؛ زیرا این اجازه‌ها برای صلاحیت این سازمان صادر شده است و به مجلس برای قانون‌گذاری در این زمینه اجازه‌ای اعطا نشده است. مؤید این امر آن است که ممکن است مقام رهبری قصد عدول از این اجازه‌ها را داشته باشند و لذا مجلس شورای اسلامی بدون کسب اجازه از مقام رهبری نمی‌تواند در این خصوص قانون‌گذاری کند. بر این اساس، ضمن پذیرش صلاحیت سازمان قضایی در رسیدگی به این موارد، تصویب آنها در قالب قانون همچنان مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ی) منظور اصل (۱۷۲) قانون اساسی از «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی»، جرائمی است که صرفاً افراد نظامی می‌توانند مرتکب شوند؛ مانند فرار از خدمت، تمرد، لغو دستور و گزارش خلاف واقع. به بیان دیگر، جرائمی را که سایر افراد غیر نظامی نیز می‌توانند مرتکب شوند، «جرائم عمومی» هستند که اگر یک فرد نظامی مرتکب آنها شد، نمی‌توان آن را در زمره‌ی موارد مدّ نظر اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست. به عنوان مثال، در صورتی که یک فرد نظامی مرتکب قتل شود، با توجه به اینکه ارتکاب قتل منحصر به افراد نظامی نیست، جرم او جرم عمومی محسوب می‌شود که طبق مفاد اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) باید در دادگاه‌های عمومی به آنها رسیدگی کرد. با توجه به مباحث مزبور، تبصره (۱) ماده (۲۸) که جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی را جرائمی می‌داند که «به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف» ارتکاب می‌یابند، با توجه به اینکه جرائم عمومی نظامیان را نیز شامل می‌شود، مغایر با اصل (۱۷۲) و همچنین اصل (۱۵۹) در خصوص تضییق صلاحیت دادگستری است؛ زیرا عبارات «به سبب» و «در ارتباط مستقیم» مفید این معنا است که اگر فردی نظامی در راستای خدمت خود مرتکب یک جرم عمومی شود، جرم او نظامی محسوب شود؛ مثلاً اگر یک نظامی در جهت انجام وظیفه‌ی خود، مرتکب قتل فردی شود یا اینکه در حین مأموریت بر اثر گرسنگی اقدام به سرقت کند، هر چند در این موارد جرائم او در زمره‌ی جرائم عمومی قرار می‌گیرد ولی با توجه به عبارات مزبور، سازمان قضایی صالح به رسیدگی به این جرائم است. بر این اساس، عبارات «به سبب» و «در ارتباط مستقیم» که سبب توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری می‌شود، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ک) مطابق ذیل اصل (۱۷۲) قانون اساسی به جرائم عمومی افراد نظامی باید در محاکم عمومی رسیدگی شود. مستثنی کردن جرائم عمومی از رسیدگی محاکم نظامی در این اصل به این علت بوده است که صدر ماده یعنی جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، محدود به مواردی شود که صرفاً توسط افراد نظامی قابل ارتکاب است. به بیان دیگر، چنانچه این استثنا در ذیل اصل بیان نمی‌شد، امکان برداشت وسیع‌تری از جرائم خاص نظامی و انتظامی وجود داشت و هر آنچه در راستای انجام مأموریت نظامی رخ می‌داد را می‌توانستیم نظامی محسوب کنیم. بر این اساس، ذکر عبارات «به سبب» و «در ارتباط» در تبصره (۱) این ماده که جرائم عمومی نظامیان همچون قتل و سرقت در راستای انجام وظیفه‌ی نظامی را نیز شامل می‌شود، از جهت توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ل) اصل برابری افراد در برابر دادگاه ایجاب می‌کند که همه‌ی افراد سوای از جنس، طبقه، شغل و غیره در یک نوع دادگاه محاکمه شوند. بر این اساس اصل (۱۵۹) قانون اساسی، مرجع رسمی تظلم‌خواهی را دادگستری دانسته است. اصل (۱۷۲) قانون

اساسی که برای رسیدگی به جرائم خاص نظامیان، دادگاه نظامی را که دادگاهی اختصاصی است، پیش‌بینی کرده است یک استثنا است و در موارد استثنا باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد. بنابراین چنانچه در خصوص نظامی یا عمومی بودن یک جرم شک شود، باید به اصل آن که رسیدگی در محاکم عمومی است رجوع کرد. بر این اساس، در خصوص جرائمی که صرفاً توسط نظامیان قابل ارتکاب نیستند باید آنها را در زمره جرائم عمومی محسوب کرد و لذا عبارات «به سبب» و «در ارتباط» مذکور در تبصره (۱) ماده (۲۸) که جرائم عمومی نظامیان را نیز شامل می‌شود، از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. در تأیید این استدلال می‌توان گفت که یکی از دلایل وضع اصل (۱۵۹) قانون اساسی که مرجع رسمی تظلمات را دادگستری می‌داند و همچنین تصریح ذیل اصل (۱۷۲) به رسیدگی به جرائم عمومی نظامیان در محاکم عمومی، سوء استفاده بیش از حد رژیم گذشته در محاکمه‌ی ناعادلانه افراد غیر نظامی در محاکم نظامی بوده است که توجه به این دلایل مفید این معنا است که در تفسیر جرائم مربوط به وظایف خاص نظام و انتظامی، باید برداشت محدود وجود داشته باشد.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** هر چند در بند (ت) این ماده، عموم عبارت کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها که توسط نیروهای مسلح ارتکاب می‌یابند، از حیث توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است ولی ارتکاب تمامی این جرائم را نمی‌توان مغایر با اصول مزبور دانست؛ زیرا در برخی موارد ممکن است نیروهای مسلح در ارتباط با جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها، مرتکب یک جرم خاص نظامی شوند؛ مثلاً در جریان کشف این مواد، اهمال و سستی از خود نشان دهند یا اینکه از دستور مافوق خود سرپیچی کنند. لذا رسیدگی سازمان قضایی به برخی از جرائم مذکور در این بند را نمی‌توان مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست.

**ب)** اگرچه اطلاق عبارت «جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» که در ذیل بند (ج) این ماده آمده است، از حیث شمول آن بر جرائم افراد غیر نظامی و جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی این افراد، مستلزم توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری و مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است ولی ارتکاب تمامی این جرائم را نمی‌توان مغایر با اصول مزبور دانست؛ زیرا ممکن است یک جرم خاص نظامی توسط اسرای بیگانه‌ی نظامی رخ دهد که رسیدگی به آن طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی در صلاحیت محاکم قضایی است.

**ج)** طبق نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان از اصل (۱۱۲) قانون اساسی، «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد. ...» با عنایت به اینکه بند (ج) ماده‌ی مزبور همان حکم مندرج در قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام را در خصوص «جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» مقرر کرده است، بند (ج) را نمی‌توان به منزله‌ی ابطال یا نقض یا فسخ مصوبه‌ی مجمع دانست. بر این اساس، بند مزبور را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۱۲) و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص این اصل دانست.

**د)** با عنایت به اینکه کارکنان یگان‌های حفاظت، همگی مسلح و دارای سلاح هستند، از لحاظ نوع فعالیت، از جمله‌ی نیروهای مسلح محسوب می‌شوند و لذا رسیدگی سازمان قضایی به جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی آنها مطابق با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. بر این اساس، بند (ج) ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست.

**ه)** علی‌رغم اینکه اصل (۱۷۲)، محاکم نظامی را تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی نیروهای مسلح دانسته است ولی با توجه به برخی اجازه‌هایی که مقام رهبری طبق اختیارات ولایت مطلقه فقیه مذکور در اصل



(۵۷)، صادر کرده‌اند، این صلاحیت توسعه یافته است. از آنجا که موارد توسعه‌ی صلاحیت مذکور در بندهای این ماده بر اساس این اجازه‌ها بوده است، لذا این بندها را نمی‌توان مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست.

و) جرم نظامی و انتظامی، جرمی است که یک فرد نظامی در راستای مأموریت و جهت انجام وظیفه‌ی نظامی خود، مرتکب می‌شود، نه اینکه لزوماً فقط یک فرد نظامی بتواند مرتکب یک جرم شود. به عنوان مثال، اگر فردی نظامی در راستای مبارزه با اشراق، مرتکب قتل یک فرد بی‌گناه شود، از آنجا که این قتل در جهت انجام وظیفه‌ی نظامی او رخ داده است، جرم او جرمی نظامی محسوب می‌شود و طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، سازمان قضایی نیروهای مسلح، صلاحیت رسیدگی به آن را دارد. در اصل (۱۷۲) نیز به «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی» تصریح شده است، نه اینکه به «جرائم خاص نظامی یا انتظامی» اکتفا شده باشد. بنابراین تبصره (۱) ماده (۲۸) از حیث ذکر عبارات «به سبب خدمت» و «در ارتباط مستقیم» مطابق با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است و جرائم عمومی نظامیان (مانند ارتکاب قتل بدون ارتباط با مأموریت و با اسلحه سازمانی) را مد نظر ندارد.

همچنین عبارت «به سبب» در این بند بدین معنا نیست که هر امری که به سبب مأموریت رخ دهد، مثلاً سرعت در اثر گرسنگی در حین مأموریت، موجب نظامی محسوب شدن جرم شود، بلکه منظور از سبب در این بند، سبب عرفی است؛ بدین معنا که عرف تشخیص دهد جرمی که به وقوع پیوسته است به نحوی در ارتباط با وضعیت خاص نظامی فرد و در راستای ایفای وظیفه‌ی او بوده است. افزون بر آن، تعیین مصادیق جرم نظامی که به سبب یا در ارتباط مستقیم با وظایف نظامی رخ می‌دهند باید در قانون مجازات این نیروها معین شود و اگر در آنجا نسبت به مصادیق، ایرادی وجود داشته باشد، ایرادات مربوطه بیان می‌شود. در این مصوبه که مربوط به دادرسی نیروهای مسلح است، معیاری کلی بیان شده است که نمی‌توان آن را دارای ایراد دانست. همچنین باید توجه داشت که تبصره (۱) ماده (۱) قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ مصوب مجلس شورای اسلامی نیز «منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی» را جرائمی می‌داند که «اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند». این ماده که به عبارت «ارتباط با وظایف» تصریح کرده است نیز سابقاً به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

ز) چنانچه منظور اصل (۱۷۲) قانون اساسی از «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی»، جرائمی همچون فرار از خدمت، تمرّد، لغو دستور و گزارش خلاف واقع باشد که صرفاً توسط یک فرد نظامی قابل تحقق است، تشکیل یک سازمان برای رسیدگی به این جرائم آن هم طبق قانون اساسی، فاقد دلیل خواهد بود؛ زیرا گستره‌ی این جرائم بسیار محدود است و برخی از این رفتارها نیز تخلف محسوب می‌شوند که هیئت‌های انضباطی به آنها رسیدگی می‌کنند. بنابراین منظور قانون اساسی را نمی‌توان به جرائمی که صرفاً توسط افراد نظامی قابل ارتکاب است محدود دانست، بلکه منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی، هر جرمی است که در راستا و در جهت انجام وظیفه‌ی نظامی رخ می‌دهد. لذا ذکر عبارات «به سبب» و «در ارتباط مستقیم» در تبصره (۱) این ماده را نمی‌توان سبب توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری و مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست. همچنین برخی رفتارهای مجرمانه که خاص نظامی بیان می‌شوند را نیز نمی‌توان صرفاً قابل ارتکاب توسط نظامیان دانست؛ مثلاً گزارش خلاف واقع یا تمرّد ممکن است از سوی یک کارمند غیر نظامی نیز رخ دهد. بنابراین این معیار که «جرمی نظامی است که صرفاً توسط نظامیان قابل ارتکاب است»، ملاک مناسبی برای ترسیم چارچوب این مفهوم نیست.

ح) تصریح ذیل اصل (۱۷۲) قانون اساسی به رسیدگی به جرائم عمومی نظامیان در محاکم عمومی را نمی‌توان به معنای برداشت مضیق از عبارت جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی مذکور در این اصل و به تبع آن مغایرت عبارات «به سبب» و «در ارتباط» مذکور در تبصره (۱) این ماده با اصل مزبور دانست. از آنجا که جرائمی که در راستای انجام وظایف نظامی نیستند، موارد بسیاری را شامل می‌شوند، قانون‌گذار اساسی درصدد استثنا کردن این موارد بوده است و این به معنای برداشت مضیق از صدر اصل (۱۷۲) نیست. مثلاً ممکن است فرد نظامی مرتکب جرائم قتل، سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و جرائمی دیگر شود که در راستای انجام وظیفه‌ی نظامی او نباشد که در این صورت، دادگاه عمومی صالح به رسیدگی به این جرائم است. بنابراین استثنای ذیل

اصل (۱۷۲) صرفاً بدین معناست که غیر از آنچه در صدر این اصل ذکر شده است، سایر موارد در صلاحیت رسیدگی محاکم عمومی است.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۸)، عموم بند (ب)، عموم صدر بند (پ)، قسمت اخیر بند (پ)، بند (ت)، بند (ث)، عموم صدر بند (ج) نسبت به غیر موارد مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی و ذیل بند (ج)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد. به‌علاوه بند (چ) این ماده، چون شامل کلیه افراد ولو افراد غیر نظامی و غیر انتظامی نیز می‌گردد اشکال دارد. همچنین چون عموم جرائم مرتبط شامل جرائم غیر موارد مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد. مضافاً بر این اطلاق صدر بند (ح) این ماده، نسبت به مواردی که لازمه خدمت مقامات مذکور نیست نیز می‌گردد، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد.

همچنین در تبصره یک این ماده، اطلاق آن به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم شامل جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.

...

بدیهی است در خصوص صلاحیت محاکم سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مواردی که امام علیه‌الرحمه و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی اجازه فرمودند، مادامی که از آن عدول نشده، کماکان به قوت خود باقی است.

---

ماده ۳۰- چنانچه نظامیان غیر ایرانی در داخل و یا خارج از قلمرو حاکمیت ایران، مرتکب جرائم اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا امنیت داخلی و خارجی، تمامیت ارضی و یا استقلال کشور گردند و به موجب قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را داشته باشند، به اتهام آنان در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در دادگستری رسیدگی شود. ماده (۳۰) از دو جهت مغایر با اصول مزبور است: نخست اینکه مفاد اصل (۱۷۲) با توجه به تصریح آن بر «اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» صرفاً در خصوص نظامیان ایرانی است و ماده (۳۰) که در خصوص نظامیان غیر ایرانی است را نمی‌توان مشمول حکم این اصل دانست. از سوی دیگر در ماده (۳۰) به جرائمی اشاره شده است که لزوماً از جمله وظایف خاص نظامی یا انتظامی مندرج در اصل (۱۷۲) قانون اساسی محسوب نمی‌شوند. با توجه به این دو جهت، جرائم نظامیان غیر ایرانی مشمول حکم اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیست و رسیدگی به جرائم این افراد باید طبق عموم اصل (۱۵۹) در محاکم عمومی دادگستری انجام شود. بر این اساس، حکم این ماده، مغایر با اصول (۱۵۹) و (۱۷۲) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۳۰) در خصوص نظامیان غیر ایرانی، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۳۱- اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- الف- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران
- ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران
- پ- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ت- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- ث- کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- ج- کارکنان سازمان‌های حفاظت اطلاعات، عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح
- چ- کارکنان سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح
- ح- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن
- خ- محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح، مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- د- کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.
- تبصره ۱- جرائم در ارتباط با وظایف خاص نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.
- تبصره ۲- مقصود از اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این ماده، آن دسته از اعضای بسیج می‌باشند که با حکم رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به انجام مأموریت می‌پردازند و حین انجام مأموریت مرتکب جرم می‌شوند.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد.» از آنجا که وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جزء نیروهای نظامی مصرح در اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیست، اطلاق رسیدگی به جرائم آنها در دادگاه‌های نظامی، مغایر اصل مذکور است. به بیان دیگر، از آنجا که تمامی اعضای وزارت دفاع، نیروهای نظامی ارتش و سپاه نیستند، اطلاق رسیدگی به جرائم آنها طبق بند (ت) این ماده که افراد غیر نظامی را نیز شامل می‌شود،<sup>(۸)</sup> مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. همچنین صرف پشتیبانی و تأمین قطعات مورد نیاز نیروهای مسلح توسط وزارت دفاع را نمی‌توان موجب نظامی محسوب کردن وزارت دفاع دانست؛ کما اینکه سازمان‌های دیگری نیز وجود دارند که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در حال خدمت‌رسانی به نیروهای مسلح هستند. به بیان دیگر، وزارت دفاع دارای شخصیت حقوقی مستقلی از نیروهای مسلح است و پشتیبانی این وزارت از نیروهای مسلح را نمی‌توان به معنای نظامی بودن آن دانست.

**ب)** از آنجا که نیروهای مسلح دارای سازمان‌های وابسته بسیاری از جمله سازمان‌های اقتصادی، کشاورزی و... هستند که وظیفه‌ی آنها انجام امور غیر نظامی است، کارکنان این سازمان‌ها را نمی‌توان افراد نظامی محسوب کرد. به عنوان مثال کارکنان تالارهای پذیرایی یا فروشگاه‌های زنجیره‌ای که به کارکنان نیروهای مسلح خدمت ارائه می‌دهند را حتی عرفاً نمی‌توان افراد نظامی محسوب کرد. بر این اساس، بند (چ) ماده‌ی مزبور که «کارکنان سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح» را از جمله اعضای نیروهای مسلح دانسته است و به تبع آن بیان داشته که به جرائم این افراد طبق بند (الف) ماده (۲۸)، در محاکم نظامی رسیدگی می‌شود، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. طبق این اصل، محاکم نظامی صرفاً به جرائم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری،

<sup>۸</sup> طبق بند (الف) ماده (۲۸) این مصوبه، رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است که ماده (۳۱) به احصای این اعضا پرداخته است.

شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسیدگی می‌کنند.

**ج)** انجام برخی امور در نیروهای مسلح ممکن است نیازمند به‌کارگیری افرادی در این نیروها شود که به طور موقت این امور را انجام دهند. این افراد را نمی‌توان به هیچ‌وجه نیروی مسلح محسوب کرد. به عنوان مثال ممکن است برای تعمیرات یکی از ساختمان‌های مربوط به نیروهای مسلح، افرادی برای مدتی کوتاه به خدمت گرفته شوند. بر این اساس، بند (د) این ماده که مستخدمان موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را نیز از جمله‌ی اعضای نیروهای مسلح محسوب کرده و طبق بند (الف) ماده (۲۸)، رسیدگی به جرائم آنها را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. طبق این اصل، محاکم نظامی صرفاً به جرائم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسیدگی می‌کنند.

**د)** مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی برای رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مطابق قانون تشکیل می‌شوند. اطلاق تبصره (۲) این ماده که رسیدگی به ارتکاب جرائم حین انجام مأموریت اعضای بسیج سپاه پاسداران را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است؛ زیرا اطلاق آن، جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی این افراد را نیز شامل می‌شود که رسیدگی به آنها در صلاحیت محاکم عمومی یا دیگر محاکم صالح است.

### دیدگاه ابهام

بند (ج) ماده (۳۱)، کارکنان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح را از جمله نیروهای مسلح دانسته است که طبق ماده (۲۸)، رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است. با توجه به اینکه طبق حکم حکومتی مقام رهبری، رسیدگی به جرائم روحانیون، در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت است و برخی از کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح، روحانی هستند، مشخص نیست که رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت کدام مرجع خواهد بود. اگر منظور این بند، سلب صلاحیت از دادگاه ویژه روحانیت باشد که صلاحیت آن بر اساس حکم حکومتی است، این بند مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی در خصوص اختیارات ناشی از ولایت مطلقه فقیه است. بنابراین ابتدا باید ابهام این بند برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** به‌رغم اینکه در اصل (۱۷۲) قانون اساسی به عبارت «وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» تصریح نشده است ولی به دلیل اینکه این وزارتخانه وظیفه‌ی پشتیبانی از نیروهای مسلح را بر عهده دارد و اغلب کارکنان آن را نیز افراد نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) تشکیل می‌دهند، این وزارتخانه نیز عرفاً از جمله‌ی نیروهای مسلح محسوب می‌شود و لذا رسیدگی به جرائم کارکنان این وزارتخانه در دادگاه‌های نظامی را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست. همچنین، با توجه به دلایل مزبور، صرف قرار گرفتن این وزارتخانه در قوه‌ی مجریه را نمی‌توان به معنای غیر نظامی بودن آن دانست، بلکه همچون نیروی انتظامی که تحت نظر وزارت کشور فعالیت می‌کند، این وزارتخانه نیز وزارتخانه‌ای نظامی است که تحت نظر دولت اقدام به فعالیت می‌کند. ضمناً باید توجه داشت که چنانچه تفسیری که از نیروهای مذکور در اصل (۱۷۲) به‌عمل می‌آید، تفسیری لفظی باشد، افرادی همچون اعضای بسیج را نیز نمی‌توان نظامی محسوب کرد. بنابراین از نیروهای مذکور در این اصل باید برداشتی صورت پذیرد که ناظر به تمامی افرادی باشد که به‌نوعی از نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

**ب)** طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی صلاحیت رسیدگی به جرائم «اعضای» ارتش، نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده دارند. به بیان دیگر در این اصل به اعضا اشاره شده است، نه اینکه لزوماً اعضای آن نظامی باشند. بنابراین اعضای سازمان‌های تابعه نیروهای مسلح (مندرج در بند (چ) این ماده) نیز از جمله اعضای آن سازمان محسوب می‌شوند و لذا رسیدگی

به جرائم آنها در صلاحیت محاکم نظامی خواهد بود. بر این اساس، بند (ج) ماده‌ی مزبور که به تبع بند (الف) ماده (۲۸)، رسیدگی به جرائم کارکنان سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیست.

**ج)** منظور بند (د) این ماده از «کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند»، با توجه به عبارت «طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند» افرادی است که به استخدام نیروهای مسلح در آمده باشند. به عنوان مثال می‌توان به افرادی اشاره کرد که به مدت یک‌سال به طور پیمانی به استخدام این نیروها در می‌آیند تا در ادامه در صورت احراز شرایط لازم، تبدیل وضعیت شوند. بر این اساس، این بند، هرگونه به‌کارگیری نیرو در نیروهای مسلح را مدّ نظر ندارد و افرادی همچون کارگرا و مهندسان ساختمانی که در مدتی کوتاه، اقدام به انجام برخی امور این نیروها می‌کنند را نمی‌توان منظور این ماده دانست. این افراد در واقع افرادی هستند که به طور پروژه‌ای با نیروهای مسلح همکاری می‌کنند و طبق قوانین استخدامی به عضویت این نیروها در نیامده‌اند. بر این اساس، بند (د) این ماده را نمی‌توان شامل این افراد دانست و به تبع، رسیدگی به جرائم آنها را نیز نمی‌توان در سازمان قضایی نیروهای مسلح دانست. بر این اساس، بند (د) را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست.

**د)** بند (ج) ماده (۳۱) که کارکنان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح را از جمله‌ی نیروهای مسلح دانسته و صلاحیت رسیدگی به جرائم آنها را طبق ماده (۲۸) در صلاحیت سازمان قضایی دانسته است، در مقام نفی صلاحیت از دادگاه ویژه روحانیت نیست، بلکه تشخیص مرجع صالح رسیدگی به جرائم این افراد در مقام عمل بر اساس قواعد تعارض مراجع صالح صورت می‌پذیرد که اگر دادگاه ویژه روحانیت صالح به این امر باشد، رسیدگی به جرائم آنها در این دادگاه محقق خواهد شد. همچنان‌که ممکن است در سایر جایگاه‌های نیروهای مسلح، افراد روحانی دارای سِمَت باشند که اشاره سایر بندهای این ماده به رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح در سازمان قضایی به این معنا نخواهد بود که تحت هر شرایطی رسیدگی به جرائم تمامی اعضای آن - حتی اشخاص روحانی - در این سازمان انجام می‌شود. لذا بند (ج) این ماده که رسیدگی به جرائم کارکنان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح را در صلاحیت سازمان قضایی دانسته است نمی‌توان از حیث نفی صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت، مغایر با حکم حکومتی مقام رهبری<sup>(۹)</sup> و ولایت مطلقه فقیه مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

اطلاق بند (ج) ماده (۳۱)، چون اشخاصی غیر از اعضای دستگاه‌های مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی را نیز شامل می‌شود، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد. همچنین در تبصره (۲) این ماده، اطلاق این جرم نسبت به غیر موارد مشمول اصل (۱۷۲) قانون اساسی اشکال دارد.

---

ماده ۳۳- هرگاه رسیدگی به اتهام فردی در صلاحیت دادگاه نظامی باشد لکن با توجه به اوضاع و احوال و کیفیت ارتکاب، در عمل با رسیدگی به جرم دیگر همان متهم که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ملازمه داشته باشد، به آن جرم نیز در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

---

۹. این دادگاه در سال ۱۳۶۶ با صدور حکم انتصاب حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و دادستان آن توسط امام خمینی (ره)، به‌طور رسمی تأسیس شد و مقام معظم رهبری نیز در سال ۱۳۶۸ با صدور حکم انتصاب دادستان این دادگاه، وجود آن را لازم دانسته و همچنین آیین‌نامه آن در سال ۱۳۶۹ به تصویب ایشان رسیده که در سال ۱۳۸۴ نیز اصلاحاتی بر آن اعمال شده است. جهت مشاهده اطلاعات بیشتر ر.ک: درباباری، سید محمد زمان، (۱۳۸۳)، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در محاکم عمومی دادگستری رسیدگی شود. از آنجا که ماده (۳۳) صراحتاً سایر جرائم اعضای نیروهای مسلح را نیز در صلاحیت این سازمان قرار داده است، این ماده از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۳۴- در جرائمی از قبیل رشاء و ارتشاء که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام کلیه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در دادگستری رسیدگی شود. از آنجا که ماده (۳۴) رسیدگی به جرائم افراد غیر نظامی که در جرم رشاء و ارتشاء شرکت داشته‌اند را نیز در صلاحیت سازمان قضایی داخل کرده است، این ماده از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. به علاوه، در اغلب موارد، وقوع جرائم رشاء و ارتشاء توسط نظامیان، مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح نیست تا در محاکم نظامی قابل رسیدگی باشد، بلکه به این جرایم نیز ولو از سوی نظامیان ارتکاب یافته باشد، باید در محاکم عمومی رسیدگی شود. از این لحاظ نیز این ماده، مغایر با اصول مزبور خواهد بود.

### نظر شورای نگهبان

مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۳۵- در مورد جرائم گروه مجرمانه سازمان یافته، در صورتی که رسیدگی به جرائم تشکیل دهنده جمعیت، اداره کننده یا طراح یا سازماندهی کننده آن در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام همه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در محاکم عمومی دادگستری

رسیدگی شود. از آنجا که ماده (۳۵) رسیدگی به جرائم افراد غیر نظامی که مرتکب جرائم سازمان یافته می‌شوند را در صلاحیت سازمان قضایی دانسته است، این ماده از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تزییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. به علاوه، باید توجه داشت که بسیاری از جرائم سازمان یافته توسط نظامیان را نیز نمی‌توان مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح دانست و لذا در این موارد نیز نمی‌توان دادگاه‌های نظامی را صالح به رسیدگی به این جرایم قلمداد کرد. از این لحاظ نیز اطلاق این ماده از جهت تسری به کلیه جرایم سازمان یافته‌ی نظامیان، مغایر با اصول مزبور خواهد بود.

### نظر شورای نگهبان

مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۳۹- مأموران زیر پس از کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط ضابط نظامی می‌باشند:

الف- مأموران دژبان نیروهای مسلح

ب- مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی

پ- مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح

ت- فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی

ث- افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی

ج- مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات و وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست.

تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به عهده ضابطان نظامی مربوط است.

### دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد. از آنجا که کارکنان وزارت اطلاعات جزء نیروهای مسلح محسوب نمی‌شوند و در اصل (۱۷۲) قانون اساسی به این افراد اشاره‌ای نشده است، رسیدگی به جرائم این افراد در محاکم نظامی مغایر با اصل مذکور است. بر این اساس، تبصره (۱) ماده (۳۹) که رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت مزبور را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

ب) مطابق اصل (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. طبق اصل (۵۷) نیز قوه قضائیه، قوه‌ای مستقل از سایر قوا است. با این وصف، تبصره (۳) ماده (۳۹) این مصوبه که اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی را به عهده

ی ضابطان نظامی مربوط دانسته است، از حیث محدود کردن اختیارات دادگستری، بر خلاف استقلال قوهی قضائیه و مغایر با اصول مزبور است؛ زیرا این تبصره مراجع دادگستری را ملزم به تعیین ضابط نظامی کرده است و به نوعی از قضات دادگستری سلب اختیار کرده است.

ج) صدر ماده (۳۹)، صرفاً کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط را برای ضابطان نظامی کافی دانسته است، در حالی که یکی از شرایط شرعی برای ضابطان، شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن آنها است. بنابراین این ماده از حیث فقدان این شرایط، مغایر با موازین شرع است.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) اینکه شخصی به عنوان ضابط نظامی انجام وظیفه کند بدین معنا نیست که آن شخص الزاماً جزء نیروهای مسلح باشد، بلکه قانون عادی است که می‌تواند مشخص کند چه کسانی به عنوان ضابط نظامی می‌توانند فعالیت کنند. از این رو، تبصره (۱) ماده که مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات را جزء ضابطان نظامی قرار داده است، نمی‌توان از این حیث که کارکنان وزارت اطلاعات از جملهی نیروهای مسلح مذکور در اصل (۱۷۲) نیستند، مغایر با این اصل دانست. به علاوه، در این تبصره تصریح شده است که این مأموران نسبت به جرائمی از کارکنان وزارت اطلاعات، ضابط محسوب می‌شوند که آن جرائم در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی باشد. بنابراین این تبصره، جرائم کارکنان این وزارت را در صلاحیت سازمان قضایی قرار نداده است تا از حیث توسعه صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی باشد، بلکه صرفاً در موارد صلاحیت سازمان قضایی، این نیروها را ضابط محسوب کرده است. ممکن است طبق حکم مقام رهبری، رسیدگی به جرائم کارکنان این وزارت در صلاحیت سازمان قضایی قرار گیرد که در این فرض، این ماده، مأموران حفاظت اطلاعات این وزارت را در این خصوص ضابط دانسته است. بنابراین این تبصره را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست.

ب) هر چند مطابق قانون اساسی قوهی قضائیه، قوهی مستقل است ولی این بدین معنا نیست که نتوان برای فعالیت آن، قانون گذاری کرد. به بیان دیگر، مجلس شورای اسلامی که طبق اصل (۷۱) می‌تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند، می‌تواند تا جایی که صلاحیت‌های قوهی قضائیه را سلب نکند، شیوهی اعمال صلاحیت قوهی قضائیه را بر اساس قانون مشخص کند. تعیین ضابط دادگستری که تحت نظر قوهی قضائیه و مراجع قضایی فعالیت می‌کند نیز طبق قانون مشخص می‌شود و همچنان که قانون‌گذار نیروی انتظامی را به عنوان ضابط عام و برخی نیروها از جمله بسیج و وزارت اطلاعات را به عنوان ضابط خاص معرفی کرده است، در تبصره (۳) این ماده نیز ضابطین نظامی را در جرائم مربوط به یگان‌های نظامی و انتظامی، به عنوان ضابط خاص دادگستری معرفی کرده است. بنابراین تبصره (۳) این ماده را نمی‌توان در مقام نقض استقلال قوهی قضائیه دانست و از این جهت آن را مغایر با اصول (۵۷) و (۱۵۶) قانون اساسی قلمداد کرد.

ج) با توجه به اینکه این مصوبه بخشی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ خواهد شد و با عنایت به اینکه در ماده (۳۰) این قانون، وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابطان، شرط دانسته شده است، ضوابط ماده (۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص ضابطان نظامی نیز جاری خواهد بود. بنابراین نمی‌توان ماده (۳۹) این مصوبه را از حیث عدم اشاره به شرایط مزبور، مغایر با موازین شرع دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۳۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



جرم یا انجام کارشناسی به ضابطان یا کارشناسان خارج از یگان محول می‌شود، فرمانده یگان محل وقوع جرم، مکلف به همکاری با آنان است. همچنین وی می‌تواند به منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی، یک نفر نماینده برای همراهی با مأموران یا کارشناسان معرفی نماید.

### دیدگاه مغایرت

ذیل ماده (۴۲) که اختیار تعیین نماینده را برای فرماندهی یگان به منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی قرار داده است، از این حیث که ممکن است این اختیار موجب اخلاف در امر تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری دلایل و در نهایت موجب ایجاد خدشه در امر قضا شود، مغایر با موازین شرع است؛ چه آنکه ممکن است نماینده‌ی اعزامی، انجام تحقیقات را مغایر با اسرار نظامی بداند و مانع تحقیقات قضایی شود. همچنین باید به اینکه نیز توجه داشت که در این ماده به طور کلی به این اختیار فرماندهی یگان محل وقوع جرم اشاره شده است و بنابراین نمی‌توان پذیرفت که در صورت اختلاف نظر میان نماینده‌ی اعزامی فرمانده و کارشناسان در خصوص تنافی تحقیقات با اسرار نظامی، حل اختلاف با قاضی پرونده باشد.

### دیدگاه عدم مغایرت

ذیل ماده (۴۲) که به معرفی نماینده جهت رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی اشاره کرده است، به نقش «همراهی» او نیز تصریح کرده است. بنابراین این نماینده نمی‌تواند مانع انجام تحقیقات شود و صرفاً در راستای حفظ اسرار نظامی نکاتی را خاطرنشان می‌سازد. همچنین با توجه به اینکه در این ماده به تکلیف فرماندهی یگان به همکاری با کارشناسان یا ضابطان خارج از یگان، تصریح شده است، یقیناً نماینده‌ی او نمی‌تواند در انجام این تکلیف کوتاهی کند؛ ضمن آنکه طبق ماده (۷) این مصوبه نیز «تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال یا محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه می‌شود.» همچنین باید توجه داشت که در مواردی که انجام تحقیقات با حفظ اسرار نظامی در تنافی باشد، این امر باید به اطلاع قاضی پرونده برسد و قاضی پرونده است که در نهایت در این خصوص تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند. بر این اساس، ذیل ماده‌ی مزبور که به ارسال نماینده جهت حفظ اسرار نظامی اشاره کرده است، نمی‌تواند به معنای ایجاد اختلال در روند تحقیقات قضایی تلقی شود تا ایراد مغایر با موازین شرع در خصوص آن صادق باشد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۴۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۴۴- فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسئولیت خود، مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش کنند. متخلف از مقررات این ماده به مجازات جرم کتمان حقیقت مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح محکوم می‌شود.

تبصره- تعرفه خدمتی متهمان مشتمل بر اطلاعاتی از قبیل تاریخ استخدام یا اعزام، آموزش‌های طی شده، تاریخ ترفیعات، وضعیت تأهل، تنبیهات، تشویقات، محل‌های خدمت، مشاغل خدمتی، سوابق کیفری، سوابق پزشکی، وضع خاص اجتماعی و نظریه فرماندهی، توسط مقامات فوق به مراجع قضایی ارسال می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۲۲) قانون اساسی، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که

قانون تجویز کند. بر این اساس، حکم مقرر در تبصره‌ی ماده (۴۴) مبنی بر ارسال تعرفه‌ی خدمتی متهمان با توجه به ذکر عبارت «از قبیل» در آن، هرگونه اطلاعاتی را شامل می‌شود که ممکن است ارتباطی با پرونده‌ی قضایی متهم نداشته باشد. بنابراین این ماده از حیث افشای اطلاعات غیر ضرور متهم، به نوعی تعرض به حقوق او محسوب می‌شود و از این جهت، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی است. با عنایت به امکان سوء استفاده از این اطلاق، باید در آن تصریح شود که ارسال اطلاعات مزبور، مقید به موارد مرتبط با پرونده است و هر اطلاعاتی را شامل نمی‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** در تبصره‌ی این ماده صرفاً به ارسال اطلاعاتی از متهم اشاره شده است که ممکن است در بررسی پرونده مؤثر باشد و مشخص است که ارسال این‌گونه اطلاعات، هیچ‌گونه تعرضی به حقوق متهم محسوب نمی‌شود. بنابراین تبصره‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث تعرض به حقوق متهم، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی دانست که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از تعرض مصون می‌داند.

**ب)** مواردی که در تبصره‌ی این ماده به عنوان تعرفه‌ی خدمتی متهمان مشخص شده و حکم به ارسال آن برای مقامات قضایی شده است، منصرف به مواردی است که احتمالاً در بررسی پرونده تأثیرگذار است و اطلاعات غیرمرتبط را شامل نمی‌شود. بنابراین مفاد این تبصره را از حیث شمول آن بر اطلاعات غیر مرتبط با پرونده، نمی‌توان دارای ایراد دانست.

### نظر شورای نگهبان

اطلاق تبصره ماده (۴۴)، چون شامل اموری می‌شود که تحقیق و رسیدگی منوط به آن موارد نمی‌باشد، اشکال دارد و باید به مواردی که احتمالاً در تصمیم‌گیری قاضی مؤثر باشند، مقید گردد.

---

ماده ۴۵- ریاست و نظارت بر ضابطان نظامی از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند، با دادستان نظامی است. سایر قضات دادسرا و دادگاه نظامی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارند. تبصره- ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

### دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه‌ی قضائیه قوه‌ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. طبق اصل (۵۷) نیز قوه‌ی قضائیه، قوه‌ای مستقل از سایر قوا معرفی شده است. بر این اساس، حکم مقرر در تبصره‌ی ماده (۴۵) که ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند را موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌داند، بدین معنا است که قضات صرفاً می‌توانند به ضابطان نظامی ارجاع دهند و ارجاع به ضابطان غیر نظامی، موجب محکومیت آنان است. لذا این تبصره از حیث محدود کردن اختیارات قضات، بر خلاف استقلال قوه‌ی قضائیه و مغایر با اصول مزبور است.

### دیدگاه عدم مغایرت

همان‌طور که ذیل ماده (۳۹) این مصوبه بیان شد، هر چند قوه‌ی قضائیه، قوه‌ای مستقل است ولی این بدین معنا نیست که نتوان برای شیوه‌ی فعالیت آن، قانون‌گذاری کرد. تعیین ضابطین نیز بر اساس قانون صورت می‌پذیرد و قانون‌گذار می‌تواند در برخی موارد، ضابط خاص تعیین کند. در تبصره‌ی این ماده نیز تأکید شده است که قضات صرفاً باید به کسانی ارجاع دهند که قانوناً ضابط

محسوب می‌شوند و اجازه‌ی ارجاع امور به هر شخصی را دارا نیستند. بنابراین تبصره‌ی این ماده را نمی‌توان در مقام نقض استقلال قوه‌ی قضائیه دانست و آن را مغایر با اصول (۵۷) و (۱۵۶) قانون اساسی تلقی کرد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۴۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۴۹- قضات سازمان قضایی می‌توانند در یگان‌های نظامی و انتظامی با اطلاع فرمانده یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوط، تحقیقات و اقدامات لازم را درباره جرائمی که در صلاحیت آنان است خود یا از طریق ضابطان نظامی انجام دهند. مسئولان و فرماندهان نظامی و انتظامی در این رابطه مکلف به همکاری می‌باشند.

### دیدگاه مغایرت

اطلاق لزوم اطلاع دادن به فرماندهی یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوطه در این ماده از جهت شمول آن نسبت به مواردی که فرمانده یا رئیس یا مسئول مربوطه، خود شخصاً در پرونده دخیل بوده و یا اطلاع دادن موجب لوث شدن قضیه شود، خلاف مسائل امنیتی است و لذا این ماده از این جهت، خلاف موازین شرع است.

### دیدگاه عدم مغایرت

موضوع حکم ماده (۴۹) شامل فرماندهی یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوطه که خود در پرونده دخیل هستند نیست و منصرف از این افراد است. به عبارت دیگر، فرض این است که کسانی از جرم واقع شده اطلاع می‌یابند که متهم نیستند و لذا ماده‌ی مذکور را نمی‌توان از حیث مغایرت با مسائل امنیتی، مغایر با موازین شرعی دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۴۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۵۰- در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیئت کارشناسی کسب نظر می‌نماید.

تبصره ۱- در مواردی که موضوع کارشناسی از امور نظامی باشد یا به تشخیص مرجع قضایی، اظهار نظر کارشناسان نیروهای مسلح ضروری باشد، نیروهای مسلح مکلفند نسبت به تأمین کارشناسان مورد نیاز و پرداخت هزینه کارشناسی اقدام نمایند.

تبصره ۲- نحوه تعیین کارشناس، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی، پرداخت هزینه و سایر مقررات مربوط، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

### دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی، صلاحیت قانون‌گذاری به مجلس اعطا شده است و مجلس نمی‌تواند این صلاحیت خویش را به شخص یا هیئتی واگذار کند. با این وصف، تبصره (۲) ماده (۵۰) که تعیین «سایر مقررات مربوط» را به صورت مطلق به آیین‌نامه محول کرده است، مغایر با اصل (۸۵) است؛ زیرا بسیاری از ضوابط مربوط به مفاد این تبصره، نظیر نحوه تجدید نظر

نسبت به آرای کارشناسان، نحوه‌ی اخذ تصمیم و... اموری دارای ماهیت تقنینی هستند که طبق اصل (۸۵) باید توسط مجلس تعیین شوند و مجلس نمی‌تواند صلاحیت تعیین آنها را در قالب تصویب آیین‌نامه به غیر واگذار کند.

ب) مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول مقرر در قانون اساسی اعمال می‌گردند. بر این اساس، با توجه به اینکه حکم مقرر در ذیل تبصره (۲) ماده (۵۰) مبنی بر تصویب آیین‌نامه توسط فرماندهی کل قوا، به معنای الزام مقام مافوق (مقام رهبری) به تصویب آیین‌نامه است، این مصوبه مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ج) در صدر ماده (۵۰) رسیدگی به اموری که از نظر علمی، فنی، مالی و نظامی نیاز به کارشناس دارد بر عهده‌ی هیئت کارشناسی قرار گرفته است. در تبصره (۲) این ماده، نحوه‌ی تعیین کارشناس، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی و... به تصویب آیین‌نامه‌ای محول شده است که توسط ستاد کل نیروهای مسلح تهیه خواهد شد. از آنجا که این ستاد تنها در امور نظامی صاحب صلاحیت است، مکلف کردن آن به وضع آیین‌نامه در سایر امور مذکور در صدر ماده (۵۰)، یعنی امور فنی و علمی واجد ایراد است.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) تبصره (۲) ماده (۵۰) الزامی برای مقام رهبری ایجاد نکرده است تا از حیث نقض سلسله مراتب مذکور در اصل (۵۷) مغایر با این اصل باشد. ذکر عبارت به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد در این ماده بدین معنا است که این آیین‌نامه مشروط به تصویب فرماندهی کل قوا لازم‌الاجرا می‌شود و در غیر این صورت، معتبر نخواهد بود، نه اینکه فرماندهی کل قوا را ملزم به تصویب آن کرده باشد.

ب) هر چند ستاد کل نیروهای مسلح در امور نظامی دارای صلاحیت است ولی با توجه به اینکه آیین‌نامه‌ی مذکور در تبصره (۲) این ماده، در نهایت امر به تصویب مقام رهبری می‌رسد و به بیان دیگر، در صورت تصویب ایشان لازم‌الاجرا خواهد بود، شمول مفاد آن بر امور غیر نظامی، با توجه به اختیارات حکومتی ولیّ فقیه مندرج در اصل (۵۷)، دارای ایراد نخواهد بود.

### دیدگاه ابهام

عبارت «سایر مقررات مربوط» در تبصره (۲) به دلیل اینکه مشخص نیست ناظر بر امور تقنینی نیز می‌شود یا صرفاً مقررات مربوط به آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون را مدّ نظر دارد، دارای ابهام است. از آنجا که اگر منظور از آن، تعیین ضوابط و امور تقنینی باشد، این ماده از حیث واگذاری وضع قانون به مرجعی غیر از مجلس، مغایر با اصل (۸۵) خواهد بود، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

در تبصره (۲) ماده (۵۰)، «سایر مقررات مربوط» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین شمول تبصره، نسبت به تعیین تکلیف در موارد غیر نظامی، اشکال دارد.

---

ماده ۵۱- احضار متهمان نظامی و متهمان وزارت اطلاعات از طریق فرمانده یا مسئول مافوق انجام می‌گیرد، اما در موارد ضروری یا در صورتی که به متهم در یگان مربوطه دسترسی نباشد، احضار از محل اقامت صورت می‌گیرد و مراتب به اطلاع فرمانده یا مسئول مافوق می‌رسد.

تبصره ۱- نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح بر اساس دستورالعملی است که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

تبصره ۲- ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ در محل اقامت، بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام

می شود.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** حکم تبصره (۱) ماده (۵۱) در خصوص تصویب دستورالعمل نحوه‌ی احضار و جلب فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح توسط فرماندهی کل قوا، چون به معنای الزام مقام رهبری به تصویب این دستورالعمل است، مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است که قوای سه‌گانه را زیر نظر ولایت مطلقه فقیه و امامت امت می‌داند.

**ب)** مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌شود. از آنجا که کارکنان وزارت اطلاعات جزء نیروهای مسلح محسوب نمی‌شوند و در اصل (۱۷۲) قانون اساسی به این افراد اشاره‌ای نشده است، رسیدگی به جرائم این افراد در محاکم نظامی مغایر با اصل مذکور است. با عنایت به اینکه ماده‌ی مزبور به احضار متهمان وزارت اطلاعات اشاره کرده است و طبق اصل (۱۷۲)، رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیست، این ماده از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی، مغایر با اصل مزبور است.

همچنین این استدلال را نمی‌توان پذیرفت که این ماده به صلاحیت سازمان قضایی اشاره‌ای نمی‌کند و صرفاً در خصوص بحث احضار متهمان وزارت اطلاعات است؛ زیرا ممکن است موارد خلاف اصل (۱۷۲) در ماده (۲۸) این مصوبه که در خصوص صلاحیت سازمان قضایی است، توسط مجلس شورای اسلامی حذف شود و ذکر عبارت متهمان وزارت اطلاعات در این ماده، به معنای صلاحیت سازمان قضایی برای رسیدگی به جرائم آنها برداشت شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** تبصره (۱) این ماده، در صدد الزام مقام رهبری به تصویب دستورالعمل مذکور در آن نیست، بلکه تصویب آن را از جمله‌ی اختیارات مقام رهبری می‌داند. دستورالعمل مزبور قبلاً توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است<sup>(۱۰)</sup> که در این قانون جهت تأکید و به منظور آشنایی افرادی که از آن مطلع نیستند، این تبصره تصویب شده است. بنابراین تبصره‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث نقض سلسله مراتب مربوط به مقام رهبری، مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی دانست.

**ب)** این ماده، در صدد اعطای صلاحیت رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات به سازمان قضایی نیروهای مسلح نیست، بلکه بیان می‌دارد در صورتی که رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در صلاحیت سازمان قضایی قرار گیرد، به صورت مقرر در این ماده عمل شود؛ به عنوان مثال، در صورتی که طبق حکم مقام رهبری، احضار متهمان آن باید با تشریفات خاصی صورت پذیرد. لذا این ماده در صدد توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیست. افزون بر آن در این ماده، اشاره‌ای به سازمان قضایی نیروهای مسلح نشده است و صرفاً به چگونگی احضار متهمان وزارت اطلاعات پرداخته است. لذا اگر رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی نیز باشد، باید طبق تشریفات این ماده، آنها را احضار کرد. بنابراین، این امر نیز حاکی از عدم مغایرت این ماده با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۵۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۵۲- هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و این امر به طریق دیگری هم مقدور

---

<sup>۱۰</sup> «دستورالعمل نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح» مصوب مورخ ۱۳۸۴/۹/۱ مقام معظم رهبری.

نباشد با موافقت رئیس سازمان قضایی استان یا معاون وی، متهم یک نوبت به وسیله یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا محلی و با درج مهلت یک ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. چنانچه متهم پس از انقضای مهلت مقرر حضور نیابد، رسیدگی طبق مقررات ادامه می‌یابد.

تبصره- در جرم فرار از خدمت، ابلاغ احضاریه به آخرین نشانی محل اقامت متهم که در پرونده کارگزینی وی موجود است، ابلاغ قانونی محسوب می‌شود و رسیدگی بر طبق مقررات و بدون رعایت تشریفات نشر آگهی ادامه می‌یابد.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** منوط کردن احضار متهم توسط نشر آگهی در ماده (۵۲) به موافقت رئیس سازمان قضایی استان یا معاون وی، موجب محدود کردن قاضی در رسیدگی به پرونده است و از این جهت، مغایر با موازین شرع است. به بیان دیگر، اگر قاضی تشخیص دهد که نشر آگهی در احقاق عدالت مؤثر است، نمی‌توان او را از این اقدام منع کرد. از این رو، محدود کردن قاضی توسط رئیس سازمان قضایی یا معاون وی دارای ایراد است.

**ب)** طبق ماده (۵۳) این مصوبه «در صورتی که به تشخیص قاضی پرونده به لحاظ مصالح نیروهای مسلح، حیثیت اجتماعی متهم، عفت و یا امنیت عمومی، ذکر درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور در احضارنامه و یا روزنامه به مصلحت نباشد، درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور ذکر نمی‌شود.» مفاد این ماده حاکی از آن است که اصل بر آن است که مشخصات، درجه و موضوع اتهام باید در آگهی درج شود، مگر در موارد خلاف مصلحت. با توجه به عدم اثبات جرائم این افراد و امکان تیرئه ی آنها، درج این موارد در آگهی با عنایت به ایراد خدشه به آبرو و حیثیت افراد، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی خواهد بود. طبق این اصل حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** با عنایت به اینکه احضار افراد از طریق آگهی ممکن است به حیثیت و آبروی افراد خدشه وارد سازد، در این ماده، تشخیص ضرورت این اقدام به موافقت رئیس سازمان قضایی یا معاون وی واگذار شده است. بنابراین، مفاد این ماده را از حیث منوط کردن نظر قاضی به این موافقت، نمی‌توان مغایر با موازین شرع دانست.

**ب)** طبق ماده‌ی مزبور احضار افراد از طریق آگهی محدود به مواردی است که ابلاغ احضاریه ممکن نباشد، نه اینکه در هر پرونده‌ای بتوان از این طریق اقدام کرد. ضمن آنکه طبق ماده (۵۳) این مصوبه، در موارد خلاف مصلحت، درجه و موضوع اتهام نیز درج نمی‌شود. بنابراین این شیوه‌ی احضار منوط به موارد ناچاری است و برای حفظ آبروی افراد نیز ضوابطی برای آن قرار داده شده است. با این اوصاف، این ماده را نمی‌توان به معنای تعرض به حیثیت و آبروی افراد و مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۵۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۵۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:

الف- جرائم موجب مجازات محارب یا مفسد فی الارض

ب- جرائم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر

پ- شورش مسلحانه

ت- لغو دستور حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان یا در ناحیه‌ای با شرایط جنگی و یا محدودیت‌های ضروری

اعلام شده

ث- ایراد ضرب و یا جرح عمدی با سلاح، نسبت به مافوق

ج- قتل عمدی

چ- فرار از جبهه

ح- فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، شرار و قاچاقچیان مسلح

خ- فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی

د- فرار به سوی دشمن

ذ- فرار با تبانی یا توطئه

ر- سرقت سلاح و مهمات و وسایل نظامی در هنگام اردو کشی یا مأموریت آماده باش یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی در صورت اختلال در مأموریت یگان و یا حمل سلاح ظاهر یا مخفی توسط یک یا چند نفر از مرتکبان در حین سرقت  
ز- تخریب، آتش زدن، از بین بردن و اتلاف عمدی تأسیسات، ساختمانها، استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و امثال آنها، انبارها، راهها، وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی، مراکز نگهداری اسناد طبقه بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح، وسایل دفاعی، تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، مهمات و مواد منفجره اعم از اینکه مرتکب شخصاً اقدام نماید یا دیگری را وادار به آن کند.

تبصره- در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس باشد، مدت بازداشت موقت نباید از حداقل مجازات قانونی آن جرم تجاوز کند.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد. از آنجا که اطلاق برخی از جرائم مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (ر) و (ز)، شامل جرائم غیر نظامی نیز می شود، ماده (۵۴) از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

### دیدگاه عدم مغایرت

این ماده در مقام تعیین صلاحیت برای سازمان قضایی نیروهای مسلح نیست، بلکه مواردی را ذکر کرده است که در صورتی که در صلاحیت سازمان قضایی باشد، ارتکاب آنها موجب الزامی بودن قرار بازداشت موقت است. به عنوان مثال قتل عمدی مذکور در بند (ج) صرفاً در صورتی که در صلاحیت این سازمان قرار داشته باشد، مثلاً به عنوان وظیفه‌ی خاص نظامی ارتکاب یافته باشد، مد نظر این ماده است. همچنین در خصوص مواردی که نمی توان آنها را مربوط به وظیفه‌ی خاص نظامی دانست، تعیین تکلیف آن باید در ماده (۲۸) که درباره‌ی صلاحیت است انجام شود که در صورت صالح بودن سازمان قضایی، در رسیدگی به آنها باید قرار بازداشت موقت را الزاماً صادر کرد. بنابراین ماده‌ی مزبور در مقام تعیین صلاحیت سازمان قضایی و توسعه‌ی آن نیست و لذا نمی توان آن را مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» باید به «اشرار» اصلاح گردد.

ماده ۶۲- وکلای دارای تابعیت خارجی نمی توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین

المللی به این موضوع تصریح شده باشد.

### دیدگاه ابهام

عبارت «تعهدات بین‌المللی» در این ماده دارای ابهام است. توضیح آنکه مشخص نیست این تعهدات صرفاً شامل معاهدات بین‌المللی است که جمهوری اسلامی ایران آنها را پذیرفته است یا شامل آن دسته از تعهدات بین‌المللی نیز می‌شود که به ادعای برخی مراجع بین‌المللی به دلیل عرفی شدن و یا قاعده‌ی آمره بودن، جزء تعهدات بین‌المللی همه کشورها هستند. چنانچه منظور این ماده، معاهدات اخیر نیز باشد، با توجه به اینکه ممکن است این معاهدات بر خلاف شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد، اطلاق عبارت «تعهدات بین‌المللی» مذکور در این ماده دارای ایراد خواهد بود. لذا ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### دیدگاه عدم مغایرت

منظور از تعهدات بین‌المللی در این ماده، تعهداتی است که توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است و به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسیده است، نه اینکه هرگونه تعهد بین‌المللی را مد نظر داشته باشد. به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران صرفاً تعهداتی را می‌پذیرد که صراحتاً آن را پذیرفته باشد. بر این اساس، تعهدات بین‌المللی در این ماده، مشتمل بر تعهداتی نمی‌شود که ممکن است مغایر با شرع یا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد و ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از این حیث دارای ایراد دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۶۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۶۶- در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است، رسیدگی غیابی صورت نمی‌گیرد.

### دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ماده (۶۶) مبنی بر عدم رسیدگی غیابی به جرم فرار از خدمت، ممکن است موجب تجرّی سایر نظامیان و فرار آنها نیز بشود. بر این اساس، از آنجا که این امر سبب ایجاد خدشه در نظم و امنیت کشور خواهد شد، اطلاق حکم این ماده که این فرض را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است. به بیان دیگر، ممکن است عدم رسیدگی به جرم فرار، موجب فراگیر شدن این امر میان نظامیان شود که با توجه به تضعیف نظام، این امر مغایر با موازین شرع خواهد بود.

### دیدگاه عدم مغایرت

فرار از خدمت جرم، خلاف شرع (به معنای تخطی از احکام اولیه اسلام) نیست، بلکه ممکن است در حکومت اسلامی در شرایطی با توجه به مقتضیات جامعه، مصلحت ایجاد کند که این عمل جرم‌انگاری شود. بنابراین قانون‌گذار که خود واضع این جرم‌انگاری است، خود نیز می‌تواند تشخیص دهد که رسیدگی غیابی به این جرم صورت نپذیرد. از این رو، چنین حکمی را نمی‌توان مغایر با موازین شرع دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۶۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---



ماده ۶۸- رسیدگی در دادگاه نظامی زمان جنگ، غیر علنی است مگر آنکه دادگاه، علنی بودن آن را ضروری تشخیص دهد.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۱۶۵) قانون اساسی، محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد در این دادگاهها بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. از آنجا که در ماده (۶۸)، بر خلاف این اصل قانون اساسی، اصل بر غیر علنی بودن محاکمات دادگاه نظامی گذاشته شده است، این ماده مغایر با نص صریح اصل (۱۶۵) قانون اساسی است. افزون بر آن، طبق این اصل، تشخیص غیر علنی بودن محاکمات بر عهده قاضی دادگاه است که به صورت موردی انجام می‌شود و قانون نمی‌تواند به طور کلی رسیدگی به موضوعی را غیر علنی بداند.

**ب)** اصل (۱۶۵) قانون اساسی که اصل را بر علنی بودن محاکمات دانسته است، اطلاق داشته و هرگونه محاکمه را شامل می‌شود. بنابراین این اطلاق، محاکمات نظامی را نیز شامل می‌شود و نمی‌توان محاکمات نظامی را منصرف از اصل (۱۶۵) قانون اساسی محسوب کرد.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** اصل (۱۶۵) قانون اساسی مطلق نیست و طبق ذیل آن، در برخی موارد می‌توان محاکمات را به طور غیر علنی برگزار کرد. از آنجا که مواردی که در دادگاه نظامی زمان جنگ رسیدگی می‌شود، غالباً امنیتی محسوب می‌شوند، ماده (۶۸)، اصل را در این دادگاهها بر غیر علنی بودن آنها گذاشته و البته علنی بودن را نیز ممکن دانسته است. لذا ماده‌ی مزبور را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۶۵) قانون اساسی دانست.

**ب)** اصل (۱۶۵) قانون اساسی منصرف از محاکمات نظامی است و لذا ماده (۶۸) این مصوبه را از این حیث که اصل را بر غیر علنی بودن محاکمات نظامی در زمان جنگ گذاشته است، نمی‌توان مغایر با اصل (۱۶۵) قانون اساسی دانست. از آنجا که یکی از دلایل تشکیل دادگاه‌های نظامی که به طور اختصاصی به برخی جرائم رسیدگی می‌کنند، رعایت موارد امنیتی و محرمانه در خصوص امور نظامی بوده است، در رسیدگی‌های آن نیز باید اصل را بر غیر علنی بودن محاکمات آن دانست و در مواردی که این محاکمات منافاتی با محرمانگی امور نظامی نداشته باشد، می‌توان اقدام به برگزاری علنی جلسات آن کرد.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۶۸)، از آنجا که بر اساس اصل (۱۶۵) قانون اساسی، اصل بر برگزاری محاکمات به صورت علنی است، مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد، لذا این ماده، مغایر اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۷۴- علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات مربوط، حق درخواست اعاده دادرسی دارند، رئیس سازمان قضایی نیز حق درخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را دارد.

### دیدگاه مغایرت

طبق موازین شرع، در قضاوت، اصل بر یک مرحله‌ای بودن آن است؛ یعنی زمانی که قاضی به پرونده‌ای رسیدگی و حکم خود را صادر می‌کند هیچ کس حق دخالت در رأی صادره از سوی وی را ندارد و اگر شخصی رأی قاضی را پس از صدور آن بدون جهت تغییر دهد، خلاف شرع رفتار کرده است. در حال حاضر که اکثر قضات مأذون هستند، چنانچه در شرایط استثنایی اجازه‌ی

درخواست اعاده‌ی دادرسی به اشخاصی داده شود باید به قدر متیقن آن موارد اکتفا کرد. به عنوان نمونه در قوانین به امکان درخواست اعاده‌ی دادرسی از طرف رئیس قوه‌ی قضائیه اشاره شده است که آن هم مقید به شرایطی همچون خلاف شرع بودن رأی دادگاه است، نه اینکه هر زمانی که رئیس قوه‌ی قضائیه اراده کرد بتواند اعاده‌ی دادرسی را درخواست کند.<sup>(۱۱)</sup> لذا از آنجا که در ماده (۷۴) حق درخواست اعاده‌ی دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح داده است، این ماده خلاف موازین شرع است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در حال حاضر اغلب قضات، قاضی واجد شرایط شرعی نیستند، بلکه قاضی مأذون هستند نسبت به رسیدگی آنها می‌توان مقرراتی را وضع کرد. اعاده‌ی دادرسی نیز از جمله‌ی این مقررات است که قانون‌گذار می‌تواند نسبت به رسیدگی‌های قضایی وضع کند. در اینجا نیز قانون‌گذار تشخیص داده است که رئیس سازمان قضایی می‌تواند درخواست اعاده‌ی دادرسی کند. لذا ماده‌ی مزبور از حیث قرار دادن این صلاحیت، مغایرتی با موازین شرع و نیز قانون اساسی ندارد. همچنین تصریح صدر ماده (۷۴) به عبارت «مطابق مقررات مربوط» بدین مفهوم است که رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز نمی‌تواند در هر زمانی که اراده کرد، درخواست اعاده دادرسی دهد، بلکه درخواست ایشان مقید به مواردی است که در دیگر قوانین ذکر شده است. به بیان دیگر، جهات دادرسی در قوانین مشخص است و رئیس سازمان قضایی صرفاً بر اساس آن جهات است که می‌تواند درخواست اعاده دادرسی کند.

### دیدگاه ابهام

از آنجا که در ماده (۷۴) مشخص نیست حق درخواست اعاده دادرسی رئیس سازمان قضایی، مقید به جهات قانونی اعاده‌ی دادرسی است یا اینکه در هر شرایطی حق اعاده‌ی دادرسی به ایشان اعطا شده است، این ماده دارای ابهام است. با توجه به اینکه چنانچه این حق مقید نباشد، این ماده از حیث نقض قطعیت آراء محاکم، مغایر با موازین شرع خواهد بود، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۷۴)، از این حیث که جهات اعاده دادرسی و اینکه این حق تا چه حدی است مشخص نمی‌باشد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

---

ماده ۷۵- در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم‌علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل‌اجراء نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدید نظر یا فرجام را دارد. در این صورت مرجع تجدید نظر یا فرجام جهت تعیین مجازات دیگر اقدام می‌کند.

### دیدگاه مغایرت

ذکر عبارت «مجازات دیگر» در ذیل ماده (۷۵) بدین معنا است که هرگونه مجازات دیگری را می‌توان در خصوص محکوم‌علیه

---

۱۱. ماده (۴۷۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس: «ماده ۴۷۷- در صورتی که رئیس قوه قضائیه، رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به‌عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.»

جاری دانست، در حالی که تعیین مجازات باید بر اساس مقررات قانونی صورت پذیرد و هر مجازات دیگری را نمی‌توان برای محکوم علیه تعیین کرد. بر این اساس، ذیل ماده‌ی مزبور از حیث مقید نبودن عبارت «مجازات دیگر» به «قانون»، مغایر با اصل (۳۶) قانون اساسی است. طبق این اصل، حکم به مجازات باید به موجب قانون باشد.

### دیدگاه عدم مغایرت

منظور از عبارت «مجازات دیگر» در ذیل این ماده، هر مجازاتی است که دادگاه بتواند بر اساس قانون برای محکوم علیه مشخص کند. به بیان دیگر، این عبارت هرگونه واکنش و تنبیهی را ملّ نظر نداشته است، بلکه منصرف به مجازات‌هایی است که در قانون مشخص شده است. لذا ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث عدم تصریح به عبارت «قانون»، مغایر با اصل (۳۶) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در سطر آخر ماده (۷۵)، پس از واژه «مجازات»، واژه «قانونی» اضافه شود.

---

ماده ۷۷- پس از قطعیت آراء دادگاه‌ها، قاضی اجرای احکام مکلف است خلاصه‌ای از رأی را به یگان مربوط ابلاغ نماید. تبصره- مفاد این ماده در مورد قرارهای نهایی دادرسی نیز توسط بازپرس لازم‌الاجراء است.

### دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ماده (۷۷) مبنی بر ارسال خلاصه‌ی رأی به یگان مربوط توسط قاضی اجرای احکام، در مواردی که پرونده مربوط به مسائل امنیتی است یا به هر دلیل دیگر برخلاف مصالح باشد، مغایر با موازین شرع است.

### دیدگاه عدم مغایرت

ارسال خلاصه‌ی رأی به یگان مربوطه تنها از این باب است که فرماندهی یگان و اشخاص صالح دیگر از سابقه‌ی فرد خاطی اطلاع داشته باشند تا در پُست‌هایی که این افراد مجدداً به خدمت گمارده می‌شوند، دقت نظر بیشتری وجود داشته باشد و از وقوع جرم‌های مشابه جلوگیری شود. لذا حکم این ماده، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۷۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۸۰- متهمان و محکومان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل نگهداری می‌شوند. اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح است. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بر اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی نظارت دارد. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام از جمله وظایف قوه‌ی قضائیه است. همچنین بر اساس بند (۵) اصل مذکور، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع

جرم و اصلاح مجرمین نیز بر عهدهی این نهاد گذارده شده است. بر اساس بندهای مزبور که اجرای حدود و اصلاح مجرمین را در صلاحیت قوهی قضائیه قرار داده است، ادارهی بازداشتگاهها و زندانها بر عهدهی قوهی قضائیه است و نهاد دیگری نمی‌تواند متولی این امر باشد. با این وصف، در ماده (۸۰) این مصوبه، ادارهی بازداشتگاهها و زندانهای نظامی بر عهدهی دژبان نیروهای مسلح قرار داده شده و مقرر شده که سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - که متولی ادارهی امور زندانیان در قوهی قضائیه است - صرفاً بر ادارهی آنها نظارت دارد. بر این اساس، از آنجا که در این مصوبه، ادارهی بازداشتگاهها و زندانهای نظامی به نهادی غیر از قوهی قضائیه واگذار شده است، این مصوبه با بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی در تضاد است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در ماده (۸۰) تصریح شده است که بازداشتگاهها و زندانهای نظامی «با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» فعالیت می‌کنند و این سازمان بر فعالیت آنها نظارت دارد، این ماده صلاحیت قوهی قضائیه در اجرای حدود و اصلاح مجرمین (مذکور در بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی) را نقض نکرده است و از این جهت، نمی‌توان آن را مغایر با قانون اساسی دانست. به بیان دیگر، قوهی قضائیه می‌تواند با وضع قواعد و نظارتی که بر ادارهی بازداشتگاهها دارد، متولی ادارهی آن را نیروهای مسلح قرار دهد و این امر، نافی صلاحیت قوهی قضائیه در این خصوص نیست.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاهها و زندانهای نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.

---

ماده ۸۱- اداره بازداشتگاهها و زندانهای نظامی در هر استان یا شهرستان با تشخیص ستاد کل نیروهای مسلح بر عهده یکی از دژبانهای نیروهای مسلح است.

### دیدگاه مغایرت

ماده (۸۱) با توجه به اینکه در راستای مفاد ماده (۸۰) تدوین شده است و بر اساس آن ادارهی بازداشتگاهها و زندانهای نظامی بر عهدهی دژبانهای نیروی مسلح قرار داده شده است، این ماده نیز از حیث نقض صلاحیت قوهی قضائیه در خصوص وظیفهی اجرای حدود و نیز اصلاح مجرمین، مغایر با بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاهها و زندانهای نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.

---

ماده ۸۴- شیوه اداره بازداشتگاهها و زندانهای موضوع این فصل بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است. نحوه نظارت این سازمان بر بازداشتگاهها و زندانهای مزبور و سایر مقررات اختصاصی مربوط به اداره این بازداشتگاهها و زندانها، برابر آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط

ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

### دیدگاه مغایرت

با توجه به مباحث مطرح ذیل ماده (۸۰) این مصوبه، ماده (۸۴) نیز صرفاً «نظارت» بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی را برعهده ی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌داند و نه اداره‌ی آنها را. بنابراین این ماده نیز از حیث نقض صلاحیت قوه‌ی قضائیه در خصوص وظیفه‌ی اجرای حدود و اصلاح مجرمین، مغایر با بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.

---

ماده ۸۷- به منظور سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت و تدوین آیین‌نامه‌های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها، «شورای راهبری دادرسی الکترونیکی» که در این بخش به اختصار شورا نامیده می‌شود به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می‌شود:

الف- رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه (دبیر شورا)

ب- معاون حقوقی قوه قضائیه

پ- رئیس دیوان عالی کشور

ت- دادستان کل کشور

ث- رئیس دیوان عدالت اداری

ج- رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

چ- رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

ح- رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

خ- رئیس سازمان بازرسی کل کشور

د- رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور

ذ- معاون آموزش و تحقیقات قوه قضائیه

ر- معاون راهبردی قوه قضائیه

ز- مسئول حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه

ژ- وزیر دادگستری

س- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

ش- فرمانده نیروی انتظامی کشور

ص- یک نفر نماینده مجلس به انتخاب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر

ض- سه نفر به انتخاب رئیس قوه قضائیه

تبصره ۱- ...

## دیدگاه مغایرت

**الف)** در مواردی که نمایندگان مجلس جهت انجام وظایف نظارتی این نهاد به عنوان عضو ناظر در شوراهایی تعیین می‌شوند، انتخاب آنها باید از سوی مجلس شورای اسلامی صورت پذیرد که متشکل از کلیه نمایندگان است، نه اینکه از سوی کمیسیون های مجلس این انتخاب محقق شود. به بیان دیگر، وظایف نظارتی مجلس که در اصول متعدد قانون اساسی بدان تصریح شده است، متعلق به کلیه نمایندگان مجلس است و نمی‌توان آن را محدود به یک کمیسیون دانست. لذا بند (ص) ماده (۸۷) که عضو ناظر مجلس در شورای راهبری دادرسی الکترونیکی را به انتخاب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس می‌داند، مغایر با اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی است.

**ب)** طبق اصل (۵۷) قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران از یکدیگر مستقل هستند. با توجه به اینکه طبق این ماده، برخی از اعضای شورای راهبری دادرسی الکترونیکی از وزرای قوه مجریه هستند و با عنایت به اینکه ریاست این شورا با رئیس قوه قضائیه است، پیش‌بینی عضویت وزرا در این شورا به معنای نقض استقلال قوه مجریه است و لذا این ماده از این حیث، مغایر با استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی است.

**ج)** مطابق بند اول اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل (۱۵۶) از وظایف رئیس قوه قضائیه است. در ماده (۸۷) این مصوبه، برخی از افرادی که به عنوان عضو در شورای راهبری دادرسی الکترونیکی ذکر شده‌اند (مانند بندهای «ب»، «د» و «ر»)، معاونین رئیس قوه قضائیه هستند. از آنجا که ممکن است رئیس قوه قضائیه خواستار ایجاد چنین معاونت‌هایی در ساختار قوه قضائیه نباشد یا حذف آنها را لازم بداند، ذکر این بندها به معنای الزام به وجود این معاونت‌ها از سوی مجلس در قوه قضائیه محسوب می‌شود. از این جهت، با توجه به اینکه صلاحیت ایجاد تشکیلات در قوه قضائیه در اختیار رئیس قوه قضائیه است و نه مجلس، این ماده مغایر با بند اول اصل (۱۵۸) خواهد بود.

## دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** همان‌طور که قانون، وظایف و اختیارات وزرای دولت را مشخص می‌کند، الزام آنها به عضویت در برخی شوراها را نیز می‌تواند معین کند و این امر لزوماً به معنای تداخل وظایف قوا محسوب نمی‌شود. این ماده نیز حضور وزرای راهبری دادرسی الکترونیکی لازم دانسته است که وظایفشان مرتبط با این شورا است. لذا این ماده را نمی‌توان به معنای نقض استقلال قوه مجریه و در تغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی در خصوص استقلال قوا دانست.

**ب)** ذکر برخی معاونین قوه قضائیه در این ماده به عنوان اعضای شورای راهبری دادرسی الکترونیکی بدین معنا نیست که رئیس قوه قضائیه ملزم به ایجاد چنین معاونت‌هایی در قوه قضائیه است، بلکه با توجه به اینکه در حال حاضر چنین معاونت‌هایی درون قوه قضائیه وجود دارد در این ماده به آنها اشاره شده است و در آینده نیز اگر رئیس قوه قضائیه مایل به تداوم آنها بود، معاونین مربوطه عضو این شورا خواهند بود. به بیان دیگر در صورتی که چنین معاونت‌هایی در ساختار وجود نداشته باشد، عضویت آنها در این شورا نیز سالبه‌ی به انتفای موضوع خواهد بود. بنابراین این ماده در مقام ایجاد تشکیلات برای قوه قضائیه نیست و از این جهت، مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۵۸) که ایجاد تشکیلات در قوه قضائیه را در صلاحیت رئیس این قوه می‌داند ندارد.

## نظر شورای نگهبان

در بند (ص) ماده (۸۷)، انتخاب نماینده به عنوان ناظر باید از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گیرد و آلا اشکال دارد.

---

ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- نحوه و میزان دسترسی مراجع ذیصلاح قضایی به اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب شورا و تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، کد پستی و کد ملی آنان جز در مواردی که آیین‌نامه فوق‌الذکر تجویز کند، ممنوع است.

## دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۲۲) قانون اساسی، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. از آنجا که طبق این ماده، اطلاعات خصوصی و شخصی افراد در اختیار کارمندان «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» قرار می‌گیرد، این افراد باید امانت‌دار و مورد وثوق باشند؛ زیرا در صورت عدم وثاقت این افراد، این اطلاعات که مربوط به حیثیت اشخاص است، ممکن است منتشر و باعث خدشه‌دار شدن آبروی افراد شود. لذا عدم ذکر شرط وثاقت برای کارکنان این مرکز مزبور به جهت پیش‌گفته، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی است. ضمناً باید توجه داشت که خدشه‌دار شدن حیثیت افراد، به منزله‌ی از بین رفتن امنیت قضایی آنان نیز خواهد بود که با توجه به تصریح بند (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی به «ایجاد امنیت قضایی عادلانه»، عدم ذکر شرط وثاقت در این ماده، مغایر با این اصل نیز خواهد بود.

**ب)** از آنجا که پرونده‌های قضایی، حاوی اطلاعات خصوصی افراد و همچنین برخی آمار و اطلاعات محرمانه هستند، در اختیار دیگران گذاشتن آنها منوط به رعایت موازین شرعی است. از آنجا که در تبصره (۲) این ماده، تعیین این ضوابط به آیین‌نامه واگذار شده است، باید در این ماده تصریح شود که این ضوابط باید بر اساس موازین شرعی تعیین شوند. در غیر این صورت، این ماده از حیث عدم ذکر این قید، مغایر با موازین شرع است. همچنین باید توجه داشت که هر چند در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه<sup>(۱۲)</sup> در خصوص انتشار برخط آرای قضایی به رعایت حفظ حریم خصوصی اشخاص اشاره شده است، ولی این قانون، با توجه به موقتی بودن آن شامل اطلاعات این ماده نمی‌شود و لذا ذکر قید «رعایت حریم خصوصی» در آن قانون را نمی‌توان موجب رفع مغایرت این ماده با موازین شرع دانست.

**ج)** با توجه به شخصی و محرمانه بودن بسیاری از اطلاعات قضایی، در اختیار دیگران گذاشتن آنها منوط به تعیین ضابطه‌هایی است که باید توسط قانون صورت پذیرد. به بیان دیگر، با توجه به اهمیت این اطلاعات، ضوابط آن باید توسط قانون معین شود و نمی‌توان آن را به آیین‌نامه محول کرد. بر این اساس، تبصره (۲) ماده‌ی مزبور که امری تقنینی را به آیین‌نامه محول کرده است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که صلاحیت قانون‌گذاری را برای مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند.

**د)** بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن

۱۲. جزء (۴) بند (د) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵؛ ماده ۲۱۱-...

الف- ...

د- به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی، اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه‌سازی فرهنگ قانون‌مداری و نیز در راستای پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش دعاوی حقوقی، اقدامات ذیل انجام می‌شود:

۱- ...

۴- قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم برنامه ترتیبی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص، آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین)، در معرض تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان قرار گیرد.

۵- ...

طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. به‌رغم اینکه تشکیل مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه، در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه<sup>(۱۳)</sup> ذکر شده است، ولی با توجه به اینکه این مرکز تاکنون تشکیل نشده است و بودجه‌ای نیز برای آن پیش‌بینی نشده است، تشکیل آن برای دولت ایجاد هزینه می‌کند و لذا از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این ماده نیز منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با این حال، طریق تأمین هزینه‌های اجرایی آن در این مصوبه مشخص نشده است،<sup>(۱۴)</sup> ماده (۸۸) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. در واقع، قوانین برنامه، یک قانون بالادستی محسوب می‌شوند که مقررات آن در صورتی که نیازمند بودجه باشد، باید منابع آن در قوانین بودجه‌ی سالیانه در نظر گرفته شود که این امر تاکنون برای این مرکز پیش‌بینی نشده است و لذا ایجاد آن برای دولت هزینه‌زا است.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** فرض بر آن است که کارمندان قوه‌ی قضائیه افرادی مورد وثوق هستند که کارکنان مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه نیز از جمله‌ی این افراد خواهند بود. لذا با توجه به این فرض مسلّم، نیازی به قید شرط «وثاقت» برای این افراد در این ماده وجود ندارد. بر این اساس، ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از این حیث که زمینه‌ساز ایجاد خدشه به حیثیت افراد می‌شود، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی دانست.

**ب)** با توجه به اینکه در جزء (۴) بند (د) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه، انتشار برخط آرای قضایی منوط به رعایت حفظ حریم خصوصی اشخاص شده است، در اختیار دیگران قرار گذاشتن اطلاعات قضایی مذکور در ماده (۸۸)، مقید به رعایت حفظ حریم خصوصی اشخاص است. بر این اساس، آیین‌نامه‌ی آن نیز با رعایت این قانون تصویب خواهد شد. بنابراین رعایت این شرط در تصویب آیین‌نامه‌ی مذکور در تبصره (۲) این ماده، مفروض است و نیازی به تصریح به رعایت ضوابط شرعی در آن نیست و از این جهت، این تبصره، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

**ج)** با عنایت به اینکه تشکیل مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه قبلاً در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه تصریح شده است، ذکر آن در ماده (۸۸) این مصوبه، موضوعی جدید نیست که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود. به بیان دیگر در این قانون صرفاً بر مفاد قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم تأکید شده است و لذا این ماده را نمی‌توان از حیث افزایش هزینه‌ی عمومی دولت و عدم تأمین محل برای آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

ذیل ماده (۸۸)، با توجه به مصون بودن حیثیت اشخاص باید قید گردد که این امر از سوی افراد موثق انجام پذیرد، و آلا مغایر

۱۳. جزء (۱) بند (ح) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۱-

الف- ...

ح- به‌منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

۱- سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.

۲- ...»

۱۴. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.



اصل (۲۲) قانون اساسی است.

همچنین در قسمت اخیر تبصره (۲) این ماده، ضابطه را باید قانون معین نماید و تعیین آن توسط آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.

... ماده (۸۸)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۸۹- کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

تبصره ۱- نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها، هیئت‌ها و کمیسیون‌های ذی‌ربط موظفند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

#### دیدگاه مغایرت

تبصره (۱) ماده (۸۹) که نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری را به موجب آیین‌نامه‌ای می‌داند که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد نیز همچون تبصره (۲) ماده (۸۸) مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ زیرا این آیین‌نامه نیز مشتمل بر ضوابطی خواهد بود که جنبه‌ی تقنینی دارد و طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، اقدام به آن در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر است. بر این اساس، تعیین این ضوابط نیز باید توسط «قانون» مصوب مجلس انجام شود.

#### دیدگاه عدم مغایرت

آیین‌نامه‌ی مذکور در تبصره (۱) ماده (۸۹)، آیین‌نامه‌ای است که ضوابط اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری در آن تعیین می‌شود و نه ضوابط قانونی آن. به عبارت دیگر، نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری، امری اجرایی است که رئیس قوه قضائیه آن را در چهارچوب قوانین مربوطه مشخص می‌کند. در این ماده نیز به جهت منضبط کردن این اختیار، اشاره شده است که آیین‌نامه‌ی آن باید تهیه و تصویب شود. بر این اساس، آیین‌نامه‌ی مذکور در این تبصره، جنبه‌ی تقنینی و ضابطه‌گذاری ندارد و لذا تصویب آن توسط رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی نیست.

#### نظر شورای نگهبان

در تبصره یک ماده (۸۹)، ظاهراً منظور از آیین‌نامه، آیین‌نامه اجرایی بوده که باید مطابق با قانون باشد. بنابراین تبصره مذکور باید با رعایت این امر اصلاح شود.

---

ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره ۱- دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند. مستنکف از مفاد این تبصره، مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵<sup>(۱۵)</sup> است.

تبصره ۲- بخش خصوصی موظف است اطلاعات فوق را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت در اختیار قوه قضائیه قرار دهد. حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

## دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران مستقل از یکدیگرند. با این وصف، حکم مقرر در تبصره (۱) ماده (۹۰) مبنی بر الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، به نوعی تداخل وظایف قوا محسوب می‌گردد که مغایر با استقلال قوای مذکور در اصل (۵۷) قانون اساسی است. به عبارت دیگر مقام صالح قضایی تنها در موارد خاص و به شکل موردی می‌تواند از اطلاعات اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است استفاده کند، نه اینکه قوه‌ی مجریه را ملزم به فراهم کردن سامانه‌های الکترونیکی کند. در این خصوص، مجلس خود می‌تواند در قالب قانون، این دستگاه‌ها را ملزم کند، نه اینکه این الزام را در صلاحیت مقام صالح قضایی قرار دهد.

**ب)** تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی در اخذ اطلاعات از بخش خصوصی، امری تقنینی است که باید طبق قانون مشخص شود. بر این اساس، تبصره (۲) این ماده که این امر را به موجب آیین‌نامه‌ی مصوب رئیس قوه‌ی قضائیه می‌داند، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند.

**ج)** بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. هر چند شبکه‌ی ملی عدالت پیش‌تر توسط رئیس قوه‌ی قضائیه افتتاح و راه‌اندازی شده است، اما با توجه به وسعتی که برای این شبکه در ماده (۹۰) در نظر گرفته شده است، توسعه‌ی این شبکه مستلزم منابع مالی است که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این ماده منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با این حال، طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص نشده است،<sup>(۱۶)</sup> ماده (۹۰) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

**د)** حکم تبصره (۱) ماده (۹۰) مبنی بر تکلیف دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم‌آوردن «سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی» با توجه به اینکه مستلزم هزینه برای این دستگاه‌ها است، منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی می‌شود و لذا تبصره‌ی این ماده نیز با توجه به عدم پیش‌بینی محلی برای تأمین این هزینه‌ها، مغایر

<sup>۱۵</sup>. ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲: «ماده ۵۷۶- چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

<sup>۱۶</sup>. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورتی قابل طرح در مجلس می‌داند که در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، محل تأمین منابع آن تعیین شده باشد.

ه) تشکیل شبکه‌ی ملی عدالت توسط قوه‌ی قضائیه بر اساس بودجه‌ی در اختیار این قوه انجام شده است و با توجه به عدم الزام قوه‌ی قضائیه به این امر، این قوه می‌تواند نسبت به ادامه‌ی کار منصرف شود و بودجه‌ای را که به آن اختصاص می‌داده است، برای امر دیگری مصرف کند. اما با تصویب این ماده، قوه‌ی قضائیه ملزم به حفظ، ارتقا و روزآمد نگه‌داشتن شبکه‌ی ملی عدالت می‌شود و لذا باید برای این کار، بودجه‌ی متناسب اختصاص یابد. اختصاص این بودجه نیز باید با ردیفی مشخص در قانون بودجه صورت پذیرد که این امر، یعنی تحمیل بار مالی برای دولت. بر این اساس، این ماده از حیث افزایش ایجاد بار مالی برای دولت و عدم پیش‌بینی محل برای تأمین آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین می‌داند.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) مطابق بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه‌ی قضائیه است. از آنجا که الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم کردن سامانه‌های الکترونیکی به نوعی باعث پیشگیری از وقوع جرم می‌شود، اقدام مقام قضایی طبق این ماده، بر اساس وظیفه‌ی ذاتی قوه‌ی قضائیه انجام می‌پذیرد و بنابراین تبصره (۱) این ماده که این موضوع را ذکر کرده است، مغایر با استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

ب) با عنایت به اینکه «شبکه ملی عدالت» قبلاً توسط رئیس قوه‌ی قضائیه افتتاح شده است و هم‌اکنون نیز فعالیت دارد، ذکر تشکیل آن در این ماده به معنای ایجاد هزینه‌ی جدید برای قوه‌ی قضائیه نیست و بر این اساس، موجب افزایش هزینه‌ی عمومی نمی‌شود تا بتوان آن را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست؛ چون طبق این اصل، طرح‌های قانونی در صورتی که افزایش هزینه‌های عمومی را موجب شوند، نیازمند تعیین محل تأمین هستند. شورای نگهبان نیز در رویه‌ی خود تا کنون، در خصوص مواردی که از قبل وجود داشته اند و در مصوبه‌ی جدید به تشکیل آنها اشاره شده است، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) اعلام نمی‌کرده است؛ زیرا این موارد در هر حال از بودجه‌ی کشور استفاده می‌کرده‌اند و تشکیل آنها در قانون، بار مالی جدیدی برای دولت ایجاد نمی‌کرده است.

### دیدگاه ابهام

در این ماده، مشخص نیست که آیا حکم به تشکیل «شبکه ملی عدالت»، دامنه‌ی فعالیت شبکه‌ی ملی عدالت فعلی را توسعه می‌دهد یا خیر؛ چه آنکه در صورتی که این حکم ناظر بر توسعه‌ی این شبکه باشد، با عنایت به اینکه این توسعه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود که محلی نیز در این مصوبه برای تأمین این هزینه‌ها تعیین نشده است، این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایرت پیدا خواهد کرد. از این رو، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

در تبصره یک ماده (۹۰)، الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.

در تبصره (۲) این ماده، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.

... ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

- 
- ماده ۹۱- قوه قضائیه موظف است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد.
- الف- اهداف، وظایف، سیاست‌ها، خط مشی‌ها و ساختار کلان مدیریتی و اجرایی قوه قضائیه به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان
- ب- نشانی، شماره تماس و پیوند به تارنمای (وبسایت) تمامی معاونت‌ها و دادگستری‌های استان‌ها، دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، وزارت دادگستری، کانون‌های وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری
- پ- کلیه قوانین لازم‌الاجراء، آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه
- ت- آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص
- ث- خدمات معاضدت قضایی به مقامات ذی‌صلاح سایر کشورها بر پایه اسناد و معاهده‌های همکاری حقوقی بین‌المللی و اطلاعات راجع به خدمات حقوقی و قضایی به اتباع سایر کشورها
- ج- آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان
- چ- اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی-قضایی

#### دیدگاه مغایرت

با عنایت به اینکه ممکن است انتشار برخی پرونده‌های قضایی خلاف عفت عمومی باشد یا اینکه پرونده‌ای جنبه امنیتی و محرمانگی داشته باشد، انتشار اطلاعات این پرونده‌ها خلاف موازین شرع خواهد بود. بر این اساس، اطلاق بند (ت) این ماده که این پرونده‌ها را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

#### دیدگاه عدم مغایرت

بند (ت) این ماده که به انتشار آرای قضایی اشاره کرده است منصرف از مواردی است که خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد. به بیان دیگر، این بند مواردی را منظور می‌دارد که امکان انتشار آنها وجود داشته باشد و البته باید با رعایت حریم خصوصی افراد صورت پذیرد. لذا این بند اطلاق نداشته و مغایر با موازین شرع نیست.

#### نظر شورای نگهبان

اطلاق بند (ت) ماده (۹۱)، نسبت به مواردی که ارائه اطلاعات مذکور در آراء، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد، اشکال دارد.

- 
- ماده ۹۲- قوه قضائیه موظف است برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، تارنمای (وبسایت) اختصاصی راه‌اندازی کند و مراجع مزبور موظفند اطلاعات ذیل را در آن ارائه کنند و آنها را روزآمد نگه دارند:
- الف- نمودار تشکیلاتی دادگاه‌ها به تفکیک تخصص و سلسله مراتب قضایی، به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان
- ب- نشانی و شماره تماس دادگاه‌ها، سایر دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و مراجع انتظامی در سطح استان
- پ- پیوند به تارنماهای سایر مراجع قضایی و دستگاه‌های ذی‌ربط
- ت- کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه هزینه دادرسی، مانند بهای منطقه‌ای املاک

ث- آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان  
ج- سمینارها یا نشست‌های الکترونیکی استانی قضایی زنده یا ضبط‌شده  
چ- اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی- قضایی

### دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. حکم ماده (۹۲) مبنی بر تکلیف به راه‌اندازی «تارنمای (وبسایت) اختصاصی برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه» توسط قوه قضائیه، به‌رغم اینکه این تارنماهای اختصاصی هم‌اکنون وجود دارند و بخشی از اطلاعات مذکور در این ماده را هم ارائه می‌کنند، لیکن با توجه به اینکه اجرای این حکم مستلزم برخی هزینه‌ها نظیر اجاره خطوط و طراحی شبکه‌های خاص است و محل تأمین اعتبار این هزینه‌ها نیز در این مصوبه مشخص نشده است،<sup>(۱۷)</sup> مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه در قوانین مربوط به دولت الکترونیک، راه‌اندازی تارنماهای اختصاصی از وظایف دستگاه‌های حکومتی برشمرده شده است و برای آن نیز بودجه اختصاص داده شده است و همچنین با توجه به اینکه دستگاه‌های مذکور در این ماده، این تارنماها را راه‌اندازی کرده‌اند، اشاره‌ی این ماده به راه‌اندازی این تارنماها، هزینه‌ی جدیدی برای دولت ایجاد نمی‌کند. بر این اساس، این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین می‌داند.

### نظر شورای نگهبان

... ماده (۹۲)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۹۳- در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجرائیه، اوراق رأی، امضاء، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن لازم باشد، صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است.

تبصره ۱- در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضائیه موظف است سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه ایجاد نماید.

---

۱۷. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

تبصره ۲- قوه قضائیه می‌تواند جهت طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان موضوع این قانون در فضای مجازی نسبت به ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و جهت هماهنگی فعالیت دفاتر، نسبت به ایجاد کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با استفاده از ظرفیت بخش خصوص اقدام نماید. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی می‌توانند از بین دفاتر اسناد رسمی و غیر آن انتخاب یا تأسیس شوند. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۳- مراجعان به قوه قضائیه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیک، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. طبق تبصره (۱) این ماده، قوه‌ی قضائیه موظف به ایجاد سامانه‌های امنیتی لازم شده است که این امر نیازمند اختصاص هزینه است. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این تبصره، منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با وجود این، طریق تأمین هزینه‌های این ماده در این مصوبه مشخص نشده است،<sup>(۱۸)</sup> این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. همچنین باید توجه داشت که این ماده، صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی موارد مذکور در آن را کافی و معتبر دانسته است، نه اینکه طبق آن، به طور کلی این امور از شکل فیزیکی به شکل الکترونیکی تغییر پیدا کنند. بنابراین نمی‌توان تصویب این ماده را به معنای حذف امور فیزیکی و کاهش هزینه‌های قوه‌ی قضائیه و به تبع آن، عدم مغایرت آن با اصل (۷۵) دانست.

**ب)** حکم ذیل تبصره (۳) ماده (۹۳) مبنی بر تکلیف به ایجاد امکانات لازم برای دسترسی شهروندان و متقاضیان به «پست الکترونیکی ملی قضایی» توسط «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه»، به دلیل ایجاد بار مالی و عدم تعیین منابع مالی آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل طرح‌های قانونی، در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین هزینه‌ها است.

### دیدگاه عدم مغایرت

افزون بر اینکه حکم مذکور در تبصره (۱) این ماده در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه وجود دارد و ذکر آن در این ماده، موضوع جدیدی نیست که نیازمند بار مالی جدید برای دولت باشد،<sup>(۱۹)</sup> بر اساس حکم مذکور در ماده (۹۳) اموری که قبلاً به شکل فیزیکی انجام می‌شده است، از این پس به شکل الکترونیکی انجام خواهد پذیرفت که این امر نه تنها برای قوه‌ی قضائیه بار مالی جدید ایجاد نمی‌کند، بلکه منجر به کاهش هزینه‌های این قوه نیز می‌شود. به عنوان نمونه، ابلاغ فیزیکی حکم یا اظهارنامه توسط مأمور ابلاغ، دارای هزینه است که با اجرای این ماده و تبدیل این فرآیند به شیوه‌ی الکترونیکی، فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قضایی

۱۸. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

۱۹. مطابق جزء (۱) بند (ح) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵، «اجرا و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات» از وظایف قوه‌ی قضائیه بر شمرده شده است. استدلال مربوطه که در خصوص جدید نبودن حکم این ماده است، در خصوص ماده (۸۸) این مصوبه نیز ارائه شد که در مقابل نیز استدلال‌هایی در رد آن مطرح شده است. جهت مشاهده‌ی این استدلال‌ها به ماده (۸۸) این نوشتار مراجعه شود.

با هزینه‌ی کمتری انجام خواهد شد. بنابراین تبصره (۱) ماده (۹۳) منجر به افزایش هزینه‌ای نمی‌شود تا عدم تعیین محل برای تأمین هزینه‌ها در آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی باشد.

### نظر شورای نگهبان

... تبصره (۳) ماده (۹۳)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۹۴- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری اطلاعات مبادله‌شده میان شهروندان و محاکم قضایی، قوه قضائیه موظف است تمهیدات امنیتی مطمئن برای امضای الکترونیکی، احراز هویت و احراز اصالت را فراهم آورد. تبصره- قوه قضائیه موظف است مرکز صدور گواهی ریشه برای امضای الکترونیکی را جهت ایجاد ارتباطات و مبادله اطلاعات امن راه‌اندازی نماید.

### دیدگاه مغایرت

هر چند مرکزی برای صدور گواهی ریشه در وزارت صنعت، معدن و تجارت وجود دارد، ولی این مرکز مربوط به امور تجاری است و در تبصره‌ی این ماده نیز تصریح شده است که مرکز صدور گواهی ریشه در قوه‌ی قضائیه «راه‌اندازی» شود که حاکی از جدید بودن این مرکز است. ایجاد «مرکز صدور گواهی ریشه» در تبصره‌ی این ماده نیاز به هزینه دارد که بار مالی برای دولت را موجب می‌شود. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و با وجود این، طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص نشده است،<sup>(۲۰)</sup> این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

... تبصره ماده (۹۴) که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۹۵- مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه موظف است به منظور اجراء و توسعه خدمات پرداخت الکترونیکی هزینه‌های دادرسی و سایر پرداخت‌های مربوط به دادرسی و اجرای حکم توسط شهروندان، اقدام و راهنمایی لازم را به عمل آورد. تبصره- در راستای ترغیب شهروندان به بهره‌برداری از دادرسی الکترونیکی، در مرحله بدوی هزینه دادرسی آنان پنج درصد (۵٪) و حداکثر تا سقف ده میلیون ریال کمتر خواهد بود.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می

---

۴۰. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. حکم تبصره‌ی ماده (۹۵) مبنی بر ایجاد تخفیف در هزینه‌ی دادرسی شهروندانی که از دادرسی الکترونیکی بهره‌برداری می‌کنند، باعث کاهش درآمدهای عمومی از این محل می‌شود. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و حکم این ماده منجر به کاهش درآمدهای عمومی می‌شود و با وجود این، طریق جبران این درآمدها مشخص نشده است،<sup>(۲۱)</sup> این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. همچنین نمی‌توان کاهش هزینه‌های سنتی دادرسی را عاملی برای کاهش هزینه‌های عمومی دانست و به تبع آن قائل به عدم کاهش درآمدهای عمومی توسط این تبصره شد؛ زیرا کاهش درآمد طبق این تبصره با توجه به تخفیف‌هایی که داده می‌شود، قطعی است، حال آنکه جبران آن توسط کاهش هزینه‌های سنتی دادرسی مشکوک است و از این رو، نمی‌توان با تمسک به این امر مشکوک، این تبصره را از حیث کاهش درآمد عمومی، مغایر با اصل (۷۵) ندانست.

### دیدگاه عدم مغایرت

به‌رغم کاهش درآمدهای ناشی از ارائه‌ی تخفیف در هزینه‌ی دادرسی طبق تبصره‌ی ماده (۹۵)، با توجه به اینکه استفاده از دادرسی الکترونیکی منجر به کاهش هزینه‌های مختلفی از دولت می‌شود، این ماده در راستای توسعه‌ی دولت الکترونیک، استفاده از این نوع دادرسی را مشمول تخفیف دانسته است. لذا با توجه به صرفه‌جویی‌های ناشی از حذف دادرسی سنتی، این تبصره در مجموع منجر به کاهش درآمد عمومی نمی‌شود و بر این اساس نمی‌توان آن را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست که طرح‌های قانونی را در صورت کاهش درآمدهای عمومی، نیازمند تعیین نحوه‌ی جبران می‌داند.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۹۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۰۳- چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادرسی محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود، دادرسی پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند.

### دیدگاه ابهام

در ذیل ماده (۱۰۳) مشخص نیست که آیا پس از صدور قرار مجرمیت، دادگاه مستقیماً اقدام به رسیدگی و صدور رأی می‌کند یا اینکه همچون سایر جرایم، پس از صدور قرار مجرمیت، ابتدا باید کیفرخواست تهیه شود و سپس دادگاه مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند. بنابراین مناسب است پس از صدور قرار ذکر شود که پس از طی فرایند معین در آیین دادرسی، دادگاه مربوطه نیز اقدام به رسیدگی می‌کند.

### دیدگاه عدم ابهام

این ماده در مقام مشخص کردن دادرسی و دادگاه صالح در خصوص مواردی است که محل وقوع جرم رایانه‌ای مشخص نباشد

---

۲۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.



و بر این اساس، در ذیل آن ذکر شده است که دادگاه مربوط به دادسرای محل کشف، صالح به رسیدگی است. به بیان دیگر، این ماده در مقام بیان فرایند صدور قرار و کیفرخواست و سایر موارد معین در آیین دادرسی نیست و لذا عدم اشاره آن به این فرایندها واجد ایراد و ابهام نیست.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۱۰۳) با توجه به اینکه تصمیمات مربوط به مراحل بعد از صدور قرار تا رسیدگی دادگاه مشخص نمی‌باشد، باید روشن شود.

---

ماده ۱۰۵- ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد حفظ نمایند و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱- داده ترافیک، هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود.

تبصره ۲- اطلاعات کاربر، هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی را شامل می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا که تبصره‌ی (۲) این ماده، از واژه «IP» استفاده شده است و معادل فارسی آن قید نشده است، این تبصره مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الّا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

---

ماده ۱۰۹- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد.

### دیدگاه مغایرت

با توجه به وجود حفظ امنیت کشور، در جرائم امنیتی در مواردی که احتمال عقلایی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد، قاضی می‌تواند دستور تحقیق و پیگیری دهد. با این حال، در این ماده، صدور دستور تفتیش و توقیف داده‌ها منحصر به مواردی شده است که «ظن قوی» در خصوص موضوع وجود داشته باشد. لذا این ماده از حیث عدم شمول آن بر مواردی که در جرائم امنیتی، احتمال عقلایی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد، مغایر با موازین شرع است.

### دیدگاه عدم مغایرت

منظور از ظنّ قوی در این ماده، هر احتمال قوی است که در خصوص کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد. بر این اساس، در هر پرونده‌ای اگر قاضی با توجه به جمیع جهات آن، از جمله امنیتی بودن جرم ارتكابی، احتمال قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم دهد، می‌تواند دستور پیگیری و تحقیق در خصوص موضوع را بدهد. بنابراین ماده‌ی مزبور که تفتیش و توقیف داده‌ها را منوط به وجود ظنّ قوی کرده است، موارد احتمال قوی را نیز شامل می‌شود و نمی‌توان آن را مغایر با موازین شرع دانست. همچنین روشن است که به صرف احتمال ولو احتمال ضعیف، نمی‌توان حریم خصوصی اشخاص را مورد تعرض قرار داد. در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی نیز مفاد این ماده، عیناً وجود دارد که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است.<sup>(۲۲)</sup>

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۱۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.

### دیدگاه ابهام

در این ماده عبارت «در غیر این صورت» مبهم است و به جایی از ماده بر نمی‌گردد؛ زیرا مشخص نیست در چه مواردی قاضی بدون حضور اشخاص مذکور می‌تواند دستور تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را صادر کند. آیا منظور از آن، موارد خلاف مصلحت است که قاضی بدون حضور این اشخاص دستور تفتیش یا توقیف را صادر می‌کند یا در مواردی که این اشخاص به دلایلی از جمله بیماری، امکان حضور ندارند، قاضی می‌تواند این دستور را صادر کند. بنابراین ابتدا باید این ابهام ماده برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۱۰)، عبارت «در غیر این صورت...» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

---

ماده ۱۱۳- در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتكاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، کپی‌برداری یا تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیر قابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا که در این ماده از واژه «کپی‌برداری» استفاده شده و معادل فارسی آن قید نشده است، این ماده، مغایر با اصل مزبور است.

---

۲۲. ماده (۳۶) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۶- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به عمل می‌آید که ظنّ قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد.»

## نظر شورای نگهبان

در این طرح، برخی واژه‌های بیگانه نظیر ... «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳)، ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الّا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

- 
- ماده ۱۱۴- در شرایط زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شوند:
- الف- داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نباشد یا حجم زیادی داشته باشد.
  - ب- تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.
  - پ- متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.
  - ت- کپی‌برداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.
  - ث- تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.
  - ج- سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.

## دیدگاه مغایرت

**الف)** شرایط توقیف سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، امری تقنینی و واجد ماهیت قانون‌گذاری است که مجلس شورای اسلامی باید ضوابط آن را معین کند و قاضی را نمی‌توان در این خصوص دارای صلاحیت دانست. بر این اساس، از آنجا که اصل (۸۵) قانون اساسی، قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار داده است و آن را غیر قابل تفویض به غیر می‌داند، بند (ج) این ماده که یکی از شرایط توقیف سامانه‌های رایانه‌ای را تشخیص قاضی دانسته است، مغایر با اصل مزبور است. در فرایند تأیید قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی نیز این بند در مصوبه‌ی نخست مجلس وجود داشت که با توجه به ایراد شورای نگهبان نسبت به آن، در اصلاحیه‌ی مجلس، این بند حذف شد.<sup>(۳۳)</sup>

**ب)** با عنایت به اینکه اقدامی که قاضی طبق این ماده انجام می‌دهد یعنی توقیف سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، دخل و تصرف در اموال دیگران است، اقدام او به منزله‌ی مجازات اشخاص است و بنابراین طبق اصل (۳۶) قانون اساسی که حکم به مجازات را به موجب قانون می‌داند، ضوابط این مجازات نیز باید توسط قانون مشخص شود. بر این اساس، بند (ج) این ماده که تشخیص این شرایط را بر عهده‌ی قاضی گذاشته است، از حیث عدم تعیین این ضوابط توسط قانون، مغایر با اصل مزبور است.

## دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** با عنایت به اینکه کلیه‌ی شرایطی که برای توقیف سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی لازم است، قابل احصا و پیش‌بینی نیست، شخص قاضی که بر اساس وجود شایستگی، این منصب را عهده‌دار شده است، می‌تواند تشخیص دهد که این سامانه‌ها باید

---

۲۳. ماده (۴۱) لایحه جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۱- در هر یک از موارد زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف خواهد شد:

الف) داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نبوده یا حجم زیادی داشته باشد.

ب) تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.

ج) متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.

د) تصویربرداری (کپی‌برداری) از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.

ه) تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.

و) سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.»

بند (۹) نظر شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه فوق: «۹- اطلاق بند (و) ماده (۴۱) در مواردی که قانون وجود ندارد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

توقیف شوند. بر این اساس بند (ج) که تشخیص قاضی را در این خصوص به عنوان یکی از بندهای قانونی ذکر کرده است، خود یکی از شرایط قانونی است و لذا این بند را نمی‌توان از این حیث که مفاد آن تقنینی است و باید توسط مجلس پیش‌بینی شود، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی دانست.

ب) توقیف سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که در این اصل بدان اشاره شده است، مجازات نیست، بلکه اقدامی تأمینی برای انجام تحقیقات قضایی است. به بیان دیگر، این ماده حکم به ضبط این سامانه‌ها به عنوان مجازات نکرده است، بلکه صرفاً شرایط توقیف آنها را ذکر کرده است. بنابراین، این ماده را نمی‌توان به منزله‌ی مجازات اشخاص دانست تا لازم باشد ضوابط آن توسط قانون معین شود. از این جهت، بند (ج) مغایرتی با اصل (۳۶) قانون اساسی که حکم به مجازات را به موجب قانون می‌داند ندارد.

### نظر شورای نگهبان

بند (ج) ماده (۱۱۴)، از این حیث که این شرایط باید به موجب قانون مشخص گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۱۱۷- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود، ممنوع است.

### دیدگاه مغایرت

الف) با عنایت به اینکه ممکن است مصالح اهمی وجود داشته باشد که در عین ورود خسارت شدید به اشخاص، رعایت آنها نسبت به این خسارت‌ها، لزوم بیشتری داشته باشد، (به عنوان مثال، امنیت کشور مستلزم عدم ارائه‌ی خدمات اینترنتی باشد)، اطلاق ممنوعیت توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای طبق این ماده که این موارد اهم را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

ب) بر اساس اصل (۴۰) قانون اساسی، هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. بر این اساس، اطلاق ممنوعیت توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی در این ماده، از جهت اینکه ممکن است در مواردی مصلحت یا منفعت عمومی قوی‌تری وجود داشته باشد و این ممنوعیت موجب خدشه به آن منافع و مصالح عمومی شود، مغایر با اصل مزبور است.

### دیدگاه عدم مغایرت

ممنوعیت توقیف داده‌ها یا سامانه‌ها در این ماده، اعمال حق اشخاص نیست که موجب اضرار به غیر شود؛ بنابراین این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۴۰) قانون اساسی دانست که اعمال حقی که موجب اضرار به غیر می‌شود را ممنوع دانسته است. در نقطه‌ی مقابل، این ماده در راستای اصل (۴۰) قانون اساسی است؛ زیرا آنچه را که موجب ایراد لطمه‌ی جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه‌ی خدمات عمومی می‌شود ممنوع دانسته است.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۱۷)، اطلاق ممنوعیت نسبت به مواردی که امر اهمی نظیر امنیت کشور در میان باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

---

ماده ۱۲۱- کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به

کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است.  
تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک، در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

### دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا در این ماده از واژه‌ی «پست الکترونیکی» استفاده شده و معادل فارسی آن قید نشده است، این ماده مغایر با اصل مزبور است.

### نظر شورای نگهبان

در این طرح، برخی واژه‌های بیگانه نظیر .... «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱) ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

---

ماده ۱۲۲- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده، لازم است از آنها مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (۱۲۷) این قانون نگهداری و مراقبت به عمل آید.

### دیدگاه مغایرت

در این ماده، نگهداری و مراقبت از ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده مطابق با آیین‌نامه‌ی موضوع ماده (۱۲۷) مقرر شده است. با عنایت به اینکه در ماده (۱۲۷) تعیین شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی، اموری تقنینی هستند که باید توسط قانون مشخص شوند، نه به وسیله‌ی آیین‌نامه و لذا ماده (۱۲۷) از حیث واگذاری این امر به آیین‌نامه مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند، ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر آن ماده، دارای ایراد خواهد بود.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۲۷)، واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد و ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد.

---

ماده ۱۲۴- کلیه مقررات مندرج در این بخش، علاوه بر جرائم رایانه‌ای شامل سایر جرائمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار می‌گیرند نیز می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا در این ماده از واژه‌ی بیگانه‌ی «الکترونیکی» استفاده شده و معادل فارسی آن قید نشده است، این ماده مغایر با اصل مزبور است.

### نظر شورای نگهبان

در این طرح، برخی واژه‌های بیگانه نظیر .... «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

---

ماده ۱۲۵- به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۱۶۰) قانون اساسی، وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه و نیز با وجود شرایط مذکور در این اصل، اختیارات مالی، اداری و استخدامی غیرقضات را بر عهده دارد. از آنجا که وظایف وزیر دادگستری در این اصل، به طور حصری مشخص شده است، امکان واگذاری صلاحیت‌های دیگر به وی وجود ندارد. لذا واگذاری مسئولیت‌های مذکور در این ماده به وزیر دادگستری که فراتر از مسئولیت‌های مقرر در اصل (۱۶۰) قانون اساسی است، با قانون اساسی مغایرت دارد. این اقدامات را قوه قضائیه یا دولت خود می‌تواند با توجه به صلاحیت‌های خود عهده‌دار شوند.

**ب)** مطابق بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی از جمله وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است. از این رو، با توجه به اینکه لوایح مربوط به جرائم رایانه‌ای، لوایح قضایی محسوب می‌شوند، این لوایح باید توسط قوه قضائیه تهیه شوند و لذا واگذاری مسئولیت تهیه آنها به وزارت دادگستری و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در این ماده، مغایر با اصل مزبور است.

### دیدگاه عدم مغایرت

لوايح مذکور در این ماده، لزوماً لوایح قضایی نیستند و بنابراین نمی‌توان تهیه آنها را صرفاً در اختیار رئیس قوه قضائیه دانست. تهیه لوایح و اقدامات دیگر مذکور در این ماده، همچون پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی، اقداماتی هستند که دولت نیز می‌تواند در خصوص آنها اقدام کند. بنابراین این ماده را نمی‌توان مغایر با بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست که تهیه لوایح قضایی را در صلاحیت رئیس قوه قضائیه می‌داند.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۲۵)، از آنجا که وظایف وزیر دادگستری در قانون اساسی به نحو حصر تصریح گردیده است، انجام اقدامات مذکور در این ماده از سوی وزیر دادگستری، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد.

---

ماده ۱۲۷- شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند. شرایط و چگونگی

جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی که تعیین آنها در ماده (۱۲۷) به آیین‌نامه واگذار شده است، اموری هستند که به خصوص با توجه به لزوم رعایت موازین شرعی در آن، باید در قالب «قانون» مشخص شوند. به بیان دیگر با توجه به اینکه تعیین این ضوابط جنبه‌ی تقنینی دارد، نمی‌توان آنها را در قالب آیین‌نامه که مربوط به ساماندهی امور اجرایی است، مشخص کرد. بنابراین این ماده، از این جهت که شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی را به آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران واگذار کرده است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند.

ب) اطلاق تصویب آیین‌نامه‌ی مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران، در مواردی که مفاد این آیین‌نامه، جنبه‌ی قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

### دیدگاه عدم مغایرت

آیین‌نامه‌ی مذکور در این ماده، آیین‌نامه‌ی اجرایی است که افزون بر موارد قضایی، موارد فنی مربوط به شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی را نیز در بر دارد. بر این اساس، در این ماده، به تهیه‌ی آن با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اشاره شده است و علاوه بر تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه، نیازمند تصویب هیئت وزیران نیز دانسته شده است. لذا آیین‌نامه‌ی مذکور را نمی‌توان صرفاً آیین‌نامه‌ی قضایی دانست که تهیه و تصویب آن در صلاحیت انحصاری رئیس قوه‌ی قضائیه باشد.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۲۷)، واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد و ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد. به‌علاوه اطلاق تصویب آیین‌نامه مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران در مواردی که آیین‌نامه مربوط جنبه قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۱۳۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت علاوه بر بطلان عملیات حقوقی، موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

### دیدگاه مغایرت

در بند (ب) ماده (۱۳۰)، تخلف از قرار ممنوعیت تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی را موجب بطلان عملیات حقوقی معرفی کرده است. با توجه به اینکه این قرار قاضی نمی‌تواند در صحت عملیات حقوقی، مؤثر باشد، حکم به بطلان عملیات حقوقی در این ماده، مغایر با موازین شرع است. توضیح آنکه در صورتی که فردی اهلیت قانونی برای انجام عملیات حقوقی داشته باشد و آن عملیات حقوقی نیز بدون اشکال منعقد شده باشد، این عملیات صحیح است و صرف نهی قاضی نمی‌تواند موجب بطلان آن عملیات شود. به عنوان مثال، چنانچه بیعی به طور صحیح واقع شود، حتی اگر یکی از طرفین از انجام این عقد منع شده باشد، این منع تکلیفی، تأثیری در صحت عقد ندارد. به بیان دیگر، هر چند قانون‌گذار می‌تواند فرد را از انجام معامله بازدارد ولی نمی‌تواند معامله‌ای که به صورت صحیح واقع شده است را باطل قلمداد کند.

## دیدگاه عدم مغایرت

همان‌طور که قانون‌گذار می‌تواند با توجه به وجود برخی دلایل، اشخاص حقیقی را ممنوع‌المعامله یا ممنوع‌الخروج کند، اشخاص حقوقی را نیز می‌تواند از انجام عملیات حقوقی منع کند. یکی از مواردی که قانون‌گذار اشخاص حقوقی را از انجام عملیات حقوقی منع کرده است، وجود قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی است که از سوی قاضی صادر شده باشد. همچنین در این ماده تصریح قانون‌گذار به بطلان عملیات حقوقی در صورت تخلف از این قرار، حاکی از آن است که یکی از شرایط صحت معامله را فقدان این قرار دانسته است. بنابراین در صورت انجام معامله با توجه به فقدان شرط قانون‌گذار، معامله‌ی انجام‌شده از ابتدا صحیح منعقد نشده است. لذا ماده‌ی مزبور از حیث اشاره به بطلان عملیات حقوقی با ایرادی مواجه نیست.

## نظر شورای نگهبان

در بند (ب) ماده (۱۳۰)، اطلاق «بطلان عملیات حقوقی» نسبت به مواردی که عامل، اختیار قانونی برای اعمال این امر را دارد، تحقق آن با صرف نهی قاضی، خلاف موازین شرع است.

---

ماده ۱۳۵- اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست.

## دیدگاه مغایرت

نماینده‌ی قانونی مذکور در این ماده، افراد تصمیم‌گیر شخص حقوقی همچون مدیرعامل و متولی شخص حقوقی را نیز شامل می‌شود. هر چند ممکن است اظهارات برخی از نمایندگان شخص حقوقی که صرفاً در محدوده‌ی مشخص برای دفاع از شخص حقوقی اقدام می‌کنند را نتوان اقرار علیه شخص حقوقی محسوب کرد ولی اظهارات این افراد تصمیم‌گیر با توجه به نقشی که در اداره‌ی شخص حقوقی دارند، اقرار علیه شخص حقوقی محسوب می‌شود. بنابراین اطلاق این ماده که این افراد اصلی و تصمیم‌گیر در خصوص شخص حقوقی را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

## دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** منظور از نماینده‌ی قانونی در این ماده، صرفاً افرادی هستند که از طرف شخص حقوقی به عنوان نماینده برای دفاع از شخص حقوقی معرفی می‌شوند. با توجه به اینکه این افراد صرفاً برای دفاع از شرکت معرفی می‌شوند و از متولیان شرکت محسوب نمی‌شوند، اظهارات آنها علیه شرکت را نمی‌توان اقرار محسوب کرد. اظهارات این افراد در واقع می‌تواند با توجه به نوع ابراز در زمره‌ی دلایل دیگر محسوب شود ولی نمی‌توان آن را اقرار محسوب کرد. بر این اساس، این ماده که اظهارات نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی را به معنای اقرار علیه شخص حقوقی نمی‌داند، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

**ب)** با توجه به اینکه یک شخص حقوقی ممکن است از افراد مختلف تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر تشکیل شده باشد، اظهارات هر یک از آنان را نمی‌توان به معنای اقرار علیه کلیت شخص حقوقی دانست. به عنوان مثال حتی اگر مدیرعامل یک شرکت، اظهاراتی علیه شرکت داشته باشد، به دلیل اینکه آن شرکت، هیئت مدیره نیز دارد، اظهارات او را نمی‌توان از جانب تمامی اعضای اصلی شرکت دانست و به این دلیل نمی‌توان آن را اقرار محسوب کرد. در این فرض، مدیرعامل صرفاً می‌تواند در خصوص رفتار خود اقرار کند و اظهارات او را نمی‌توان به معنای اقرار علیه شرکت دانست. بنابراین در این ماده به درستی اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی، اقرار علیه شخص حقوقی محسوب نشده است و لذا این ماده را نمی‌توان دارای ایراد دانست.

## نظر شورای نگهبان



ماده (۱۳۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۳۶- سایر مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاص حقوقی مطابق مقررات این قانون است.

### دیدگاه ابهام

در این ماده مشخص نیست منظور از سایر مقررات آیین دادرسی در مورد اشخاص حقوقی، چه مقرراتی است و به چه شیوه‌ای باید مطابق مقررات این قانون باشد. به نظر می‌رسد که این ماده دارای اشکال عبارتی است و در راستای شفافیت و وضوح باید اصلاح شود.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳۶)، اشکال عبارتی دارد و باید اصلاح گردد.

---

ماده ۱۳۷- بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تأمین خواهد شد.

### دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و برخی مواد آن (همچون مواد مربوط به ایجاد تشکیلات جدید در سازمان قضایی نیروهای مسلح، ایجاد مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه، ایجاد شبکه‌ی ملی عدالت، ایجاد سامانه‌های الکترونیکی و ...)، منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود، باید محل تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص شود. ماده (۱۳۷) که خود به داشتن بار مالی این قانون معترف است، محل هزینه‌های دادرسی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین هزینه‌های این مصوبه معرفی کرده است. از آنجا که محل این هزینه‌ها از قبل نیز وجود داشته است و درآمد ناشی از آن به خزانه واریز می‌شده و محل مصرف آن نیز مشخص بوده است، این محل، منبع جدیدی نیست تا بتواند هزینه‌های اجرایی این مصوبه را پوشش دهد. بر این اساس، مواد مختلف این مصوبه که افزایش هزینه‌های عمومی را در پی دارد،<sup>(۲۴)</sup> با توجه به عدم ذکر محل مناسب و مکفی برای تأمین این هزینه‌ها، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهند بود. به این نکته نیز باید توجه داشت که ذکر عبارت «از محل هزینه‌های دادرسی» در این ماده را نمی‌توان به معنای مشخص کردن محل تأمین هزینه‌های این طرح دانست؛ زیرا همان‌گونه که شورای نگهبان در یکی از نظریه‌های تفسیری خود در خصوص اصل (۷۵) بیان داشته است،<sup>(۲۵)</sup> صرف اشاره‌ی کلی به برخی عبارات مانند «محل صرفه‌جویی» نمی‌تواند طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید باشد و باید به طور واضح و مشخص، ردیف بودجه‌ای که به این امر اختصاص می‌یابد، مشخص شود تا مقصود قانون‌گذار اساسی از اصل (۷۵) محقق شود.

---

۲۴. تبصره‌ی ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره (۱) آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره‌ی ماده (۹۴).

۲۵. نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «درج عبارت از «محل صرفه‌جویی»، به‌نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه» اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

ب) هر چند قانون آیین دادرسی مذکور در این ماده مصوب اسفند ۱۳۹۲ است و برای درآمدهای ناشی از هزینه‌های دادرسی آن در قانون بودجه ۱۳۹۳، ردیف‌هایی مشخص نشده است، ولی هزینه‌های دادرسی طبق قوانین قبلی نیز وجود داشته که محل مصرف آنها در بودجه مشخص بوده است. بنابراین این محل را در واقع نمی‌توان محل جدیدی دانست که هزینه‌های این مصوبه‌ی مجلس را تحت پوشش قرار دهد. حتی چنانچه این محل، درآمدهای جدیدی نیز به همراه داشته باشد، مشخص نیست که بتواند هزینه‌های این مصوبه مجلس را جبران کند. بنابراین مواد مختلف این مصوبه که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی می‌شود، از این حیث که محل تأمین منابع مالی آن در این مصوبه مشخص نشده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین هزینه می‌داند.

ج) بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی، شورای نگهبان موظف است کلیه‌ی مصوبات مجلس شورای اسلامی را از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد. از آنجا که وظیفه‌ی تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی بر عهده‌ی شورای نگهبان است، احراز اینکه طبق اصل (۷۵)، مصوبه‌ی ارائه‌شده در قالب «طرح»، منجر به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌ی عمومی می‌شود و نیز اینکه طریق تأمین آن معلوم باشد، با شورای نگهبان خواهد بود. چنانچه احراز این امر، مربوط به مجلس باشد، مجلس می‌تواند در طرح‌های خود، صرفاً به محلی ولو صوری اشاره کند و شورای نگهبان نیز دیگر نمی‌تواند هیچ مصوبه‌ای را مغایر با اصل (۷۵) اعلام دارد. شورای نگهبان بر اساس این وظیفه باید با بررسی و فحص دقیقی که نسبت به این امر می‌کند، احراز کند که آیا هزینه‌های جدید (یا کاهش درآمدهای) ناشی از مصوبه‌ی مجلس، دارای محل مشخص برای تأمین این هزینه‌ها (یا جبران کاهش درآمدها) هست یا خیر. به بیان دیگر شورای نگهبان نمی‌تواند در صورت اشاره‌ی کلی مجلس به یک محل، بدون آنکه به صحیح بودن محل تعیین‌شده و کافی بودن منابع آن محل برای تأمین هزینه‌ها علم پیدا کند، اصل را بر کفایت محل تعیین‌شده در مصوبه‌ی مجلس بگذارد و صرفاً در مواردی که عدم کفایت اثبات شود، مصوبه را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی اعلام کند. با توجه به این موضوع، از آنجا که محل تعیین‌شده برای تأمین بار مالی این مصوبه برای شورای نگهبان معلوم نیست، مجلس باید ولو به طور اجمال، میزان درآمدهای ناشی از هزینه‌ی دادرسی و نیز هزینه‌های این مصوبه را اعلام دارد تا کافی و متناسب بودن این دو امر برای شورای نگهبان احراز شود. در غیر این صورت با توجه به اینکه محل هزینه‌های دادرسی مذکور در این ماده، منبع مالی جدیدی نیست و نمی‌تواند در مقام تأمین هزینه‌های این مصوبه، واقعی و کافی تلقی شود، مواد مختلف این مصوبه که منجر به افزایش هزینه عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود.

همچنین باید توجه داشت که عبارت «معلوم شده باشد» در اصل (۷۵) قانون اساسی، با توجه به نوع بیان آن که مجهول است، مفید این معنا است که محل تأمین هزینه‌ها چه برای نمایندگان مجلس و چه برای شورای نگهبان که وظیفه‌ی مطابقت مصوبات با قانون اساسی را دارد باید امری معلوم باشد، نه اینکه این امر صرفاً برای نمایندگان معلوم باشد. به بیان دیگر، شورای نگهبان نیز باید در طول مجلس، این امر را احراز کند. لذا احراز مشخص بودن محل جبران را صرفاً نمی‌توان با نمایندگان مجلس دانست.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) منبع مالی مشخص شده در این ماده (= هزینه‌های دادرسی مذکور در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲)، منبع مالی جدیدی است که قبلاً در قوانین برای آن مصارفی مشخص نشده است؛ زیرا در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، هزینه‌های جدیدی برای دادرسی منظور شده است که در قانون سابق وجود نداشته است. به بیان دیگر، هزینه‌های دادرسی مذکور در این قانون، نسبت به هزینه‌های قانون سابق، میزان بیشتری دارد که در نتیجه، درآمدهای ناشی از آن نیز بیشتر از درآمدهای حاصل از قانون قبلی است. افزون بر آن، با توجه به اینکه در قانون بودجه سال ۱۳۹۳ برای درآمد حاصل از این هزینه‌ها، محل مصرف مشخص تعیین نشده است، محل مذکور در این ماده، بلامصرف بوده و در نتیجه، محل جدیدی برای تأمین هزینه‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، این ماده که تأمین بار مالی هزینه‌های اجرایی این مصوبه را از محل وجوه حاصل از هزینه‌های دادرسی می‌داند، نمی‌توان از حیث نامعلوم بودن محل تأمین این هزینه‌ها، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

ب) در مواردی که مجلس شورای اسلامی محلی را برای جبران بار مالی مصوبه‌ای که در قالب «طرح» ارائه شده است، معین می‌کند، اصل بر آن است که آن منبع، معلوم است و کفاف هزینه‌های اجرایی آن طرح را نیز می‌دهد و لذا نامعلوم بودن منبع و ناکافی بودن آن برای تأمین بار مالی آن طرح مصوب، نیازمند دلیل است. در این حالت شورای نگهبان در صورتی می‌تواند این مصوبه را از حیث مشخص نبودن محل تأمین هزینه‌ها، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی اعلام کند که عدم کفایت آن منبع را احراز کند. بر این اساس، در مواردی که محل تأمین هزینه‌های یک طرح، از سوی مجلس مشخص شده باشد، احراز مجلس برای شورای نگهبان حجت است، مگر اینکه شورای نگهبان بر خلاف آن، واقعی نبودن آن محل یا ناکافی بودن آن برای تأمین هزینه‌های طرح را احراز کند. در ماده (۱۳۷) این مصوبه نیز مجلس ضمن اذعان به هزینه‌دار بودن اجرای این مصوبه، اقدام به تعیین محل برای تأمین بار مالی آن کرده است. بر این اساس، به صرف شک در خصوص واقعی بودن محل تعیین شده برای تأمین هزینه‌ها یا کافی بودن آن، نمی‌توان این ماده را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

همچنین باید توجه داشت که نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل (۷۵) که اشاره‌ی کلی به برخی موارد مانند «محل صرفه‌جویی» را به معنای طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید نمی‌داند، مربوط به جایی است که برای شورای نگهبان احراز شود که این محل، کفایت هزینه‌ها را نمی‌کند و در موارد مشکوک، صرف تعیین محل برای تأمین هزینه‌ها توسط مجلس، کافی به مقصود خواهد بود.

ج) با عنایت به اینکه در اصل (۷۵) قانون اساسی در خصوص طرح‌های قانونی که به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌ی عمومی می‌انجامد، تصریح شده است که این طرح‌ها در صورتی «قابل طرح» در مجلس است که طریق جبران آن «معلوم شده باشد»، در صورتی که این محل تأمین توسط مجلس مشخص شده باشد، شورای نگهبان نمی‌تواند آن را مغایر با اصل (۷۵) اعلام کند. دقت در عبارات «در صورتی قابل طرح در مجلس است» و «معلوم شده باشد» در این اصل نشان می‌دهد که منظور این اصل، معلوم شدن محل تأمین برای نمایندگان مجلس است و نه شورای نگهبان؛ زیرا مطرح شدن این طرح‌های قانونی در مجلس نیازمند موافقت ابتدایی شورای نگهبان نیست. بر این اساس، ماده‌ی مزبور نیز که به محل تأمین بار مالی این مصوبه اشاره کرده است، نشان می‌دهد که محل تأمین بار مالی طرح برای مجلس معلوم بوده است و لذا این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

### دیدگاه ابهام

از آنجا که مشخص نیست بار مالی این مصوبه از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تأمین خواهد شد یا خیر، این ماده ابهام دارد. با عنایت به اینکه در صورت عدم تأمین بار مالی این مصوبه از محل مزبور، مواد مختلفی از این مصوبه که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهند بود، این ابهام باید از طرف مجلس شورای اسلامی در قالب شفاف کردن هزینه‌ها و درآمدها برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

تبصره ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره ماده (۹۴) که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

---

ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۹۱/۵/۳۰، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به‌جز مواد (۴)، (۸) و (۹) این قانون، قانون تعیین حدود صلاحیت

دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تفسیر ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶» مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، ماده (۱) از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰، و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و سایر قوانین در موارد مغایر، ملغی است.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، حل معضلات نظام که از طرُق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر عهده‌ی مقام رهبری است. از آنجا که «قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام»، به عنوان معضل در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مطرح شده و مقررات آن به تصویب رسیده است (نه به عنوان رفع اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی)، نسخ قوانین مذکور با توجه به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۱۱۲) که این امر را نیازمند استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له می‌داند،<sup>(۲۶)</sup> مغایر با بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۳۸)، نسخ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، با توجه به اینکه موارد مزبور به عنوان معضل، مطرح و مقررات آن به تصویب رسیده است، مغایر بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.

\*\*\*\*\*

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۵/۱۹ (مرحله دوم)<sup>(۲۷)</sup>

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۶/۱۹

ماده ۳- رئیس سازمان قضایی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضایی استان‌ها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را نیز بر عهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم‌مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد. تبصره- ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان و همچنین تغییر سمت یا محل خدمت آنان با رعایت اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه است. رئیس سازمان قضایی می‌تواند پیشنهادهای خود را در موارد مزبور به رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «با رعایت اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی» به تبصره‌ی این ماده، ابهام شورای

<sup>۲۶</sup> نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدبّه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

<sup>۲۷</sup> همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، با تصویب مجلس شورای اسلامی، طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی به صورت آزمایشی به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده است.

نگهبان در خصوص مغایرت احتمالی مفاد این تبصره (= تغییر سِمَت قضات یا محل خدمت آنها) با اصل (۱۶۴) برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز دارای ایراد نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۷- تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یکسال می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف محکومیت «محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه» از این ماده، ابهام شورای نگهبان در خصوص ماهیت «محرومیت از خدمات دولتی» و محدوده‌ی این محرومیت برطرف شده و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده (۱۵) و تبصره آن حذف می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

ایرادهای پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۱۵)، با توجه به حذف این ماده در مصوبه‌ی اصلاحی، سالبه به انتفای موضوع است.

### نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۱۵)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

---

ماده ۱۷- با انتخاب رئیس سازمان قضایی استان عضویت مستشاران دادگاه تجدید نظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان بلامانع است.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری»، بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است. بر این اساس، حکم مقرر در ماده (۱۷) اصلاحی مبنی بر اعطای اختیار عضویت مستشاران دادگاه تجدید نظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان به رئیس سازمان قضایی، به نوعی واگذاری اعطای سِمَت قضایی و تغییر سِمَت قضات به رئیس سازمان قضایی است و حال آنکه این امر طبق قانون اساسی، در صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه است. بنابراین ماده‌ی مزبور از حیث سلب این صلاحیت از رئیس قوه‌ی قضائیه،

مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اصلاح کلی که در ماده (۱۷) انجام شده است و نیز با عنایت به حذف تبصره‌ی آن، ایرادهای پیشین شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصول (۱۵۸) و (۱۶۴) قانون اساسی برطرف شده است و این ماده، با ایرادی مواجه نیست. ب) در دادگاه‌های عمومی، صدور حکم مستشاری قضات دادگاه تجدید نظر توسط رئیس قوه‌ی قضائیه صورت می‌پذیرد، ولی تعیین شعبه‌ی محل خدمت این قضات بر عهده‌ی رئیس دادگستری استان‌ها است. در خصوص سازمان قضایی نیز به همین شیوه، رئیس سازمان قضایی می‌تواند شعبه‌ی محل خدمت مستشاران تجدید نظر را مشخص کند. با توجه به هم‌ترازی دادگاه تجدید نظر نظامی با دادگاه کیفری یک نظامی، عضویت مستشاران تجدید نظر در دادگاه کیفری یک، اعطای سِمَت و تغییر محل خدمت آنها محسوب نمی‌شود تا این ماده از حیث سلب این اختیار از رئیس قوه‌ی قضائیه و واگذاری آن به رئیس سازمان قضایی، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی باشد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۰- در صورت ضرورت، برای رسیدگی به جرائم ارتكابی نظامیان که در صلاحیت سازمان قضایی است، با تصویب رئیس قوه قضائیه، شعبه یا شعبی از دادسرای نظامی در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده هم‌تراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین تشکیل می‌شود. تأمین محل مناسب و امکانات مورد نیاز به عهده یگان مربوطه است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در سطر دوم ماده (۲۰) اصلاحی، عبارت «با تصویب رئیس قوه قضائیه» جایگزین عبارت «بنا به پیشنهاد فرمانده کل ارتش یا سپاه یا فرمانده نیروی انتظامی و موافقت رئیس سازمان قضایی» شده است، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت ماده (۲۰) با بند (۱) اصل (۱۵۸) از حیث سلب صلاحیت از رئیس قوه‌ی قضائیه نسبت به ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۲۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۱- در زمان جنگ دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با تصویب رئیس قوه قضائیه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ با رعایت ماده (۲۲) این قانون در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود.

...

تبصره ۲- حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۴- ...

## دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی» از صدر ماده (۲۱) اصلاحی و همچنین از تبصره (۲) آن، ایراد شورای نگهبان در خصوص محدود کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه در اتخاذ تصمیم نسبت به تشکیلات لازم در دادگستری، مذکور در بند (۱) اصل (۱۵۸)، از این ماده برطرف شده است. همچنین با حذف تبصره‌های (۱) و (۳) از این ماده، ایرادهای شورای نگهبان نسبت به این تبصره‌ها نیز سالبه به انتفای موضوع است.

## نظر شورای نگهبان

ماده (۲۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۲- جرائم مربوط به جنگ که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد و در دادگاه زمان جنگ رسیدگی می‌شود، عبارتند از:

الف- کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی در حدود صلاحیت سازمان قضایی

ب- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در حدود صلاحیت سازمان قضایی

پ- جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد.

## دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «در حدود صلاحیت سازمان قضایی» در انتهای بندهای (الف) و (ب) این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این بندها با اصل (۱۷۲) قانون اساسی از جهت توسعه صلاحیت اعطایی در این اصل به محاکم نظامی در رسیدگی به جرایم، برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

## نظر شورای نگهبان

ماده (۲۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۶- پس از انحلال دادسرا و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، پرونده‌های مربوط حسب مورد در دادسرا و دادگاه‌های

نظامی صالح برابر مقررات دادرسی زمان صلح رسیدگی می‌شود.

تبصره- دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با تصویب رئیس قوه قضائیه منحل می‌شوند.

## دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی» از تبصره‌ی ماده (۲۶) در این مصوبه‌ی اصلاحی، ایراد شورای نگهبان در خصوص محدود کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه در اتخاذ تصمیم نسبت به تشکیلات لازم در دادگستری، مذکور در بند (۱) اصل (۱۵۸)، برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

## نظر شورای نگهبان

ماده (۲۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۸- به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و اعضای نیروهای مسلح به‌جز جرائم در مقام ضابط دادگستری

در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادرهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است.

تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به‌عهده آنان است مرتکب گردند.

تبصره ۳- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابط آن در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.

### دیدگاه عدم مغایرت

عمده‌ی ایرادهای شورای نگهبان نسبت به بندها و تبصره‌های این ماده، مربوط به مغایرت آن با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی از جهت توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح (دادگاه‌های نظامی) و تضییق صلاحیت دادگستری بود. با توجه به حذف عبارات مورد ایراد در مصوبه‌ی اصلاحی و اضافه شدن تبصره (۱) به این ماده مطابق نظر شورای نگهبان، ایرادهای شورای نگهبان نسبت به این مصوبه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در تبصره (۴) ماده (۲۸)، واژه «ضابط آن» به «ضابطان» اصلاح شود.

---

ماده (۳۰)، ماده (۳۱) و تبصره‌های آن، ماده (۳۳)، (۳۴) و (۳۵) حذف می‌شوند.

### دیدگاه عدم مغایرت

ایرادهای پیشین شورای نگهبان نسبت به مواد (۳۰)، (۳۱)، (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، با توجه به حذف این مواد، سالبه به انتفای موضوع است.

### نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف مواد (۳۰)، (۳۱)، (۳۳)، (۳۴) و (۳۵) در مصوبه‌ی اصلاحی، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

---

ماده ۴۴- فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسئولیت خود، مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش کنند. متخلف از مقررات این ماده به مجازات جرم کتمان حقیقت مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح محکوم می‌شود.

تبصره- تعرفه خدمتی متهمان مانند سوابق کیفری، انضباطی، تشویقات، آموزش‌های طی شده، سوابق پزشکی و سایر اموری که می‌تواند در تصمیم مقام قضایی مؤثر باشد به مراجع قضایی ارسال می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به مقید شدن تبصره‌ی ماده (۴۴) به عبارت «سایر اموری که می‌تواند در تصمیم مقام قضایی مؤثر باشد»، ایراد پیشین



شورای نگهبان در خصوص اطلاق حکم این تبصره و عدم تقیید به موارد مؤثر در تصمیم‌گیری قضایی، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این تبصره با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۴۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۵۰- در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیئت کارشناسی کسب نظر می‌نماید.

...

تبصره ۲- شرایط و نحوه تعیین کارشناس در موارد مربوط به امور نظامی، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی، نحوه رسیدگی به تخلفات و پرداخت هزینه آنان به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «سایر مقررات مربوط» از این ماده و جایگزینی عبارت «نحوه رسیدگی به تخلفات» در آن و همچنین با توجه به اضافه شدن عبارت «در موارد مربوط به امور نظامی»، ابهام پیشین شورای نگهبان در خصوص عبارت «سایر مقررات مربوط» و همچنین ایراد این شورا در خصوص شمول آن بر موارد غیر نظامی برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۵۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۵۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:

...

ح- فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، شرار و قاچاقچیان مسلح

...

### دیدگاه مغایرت

با توجه به تذکر پیشین شورای نگهبان در خصوص واژه «شرار» که باید به «اشرار» اصلاح شود و با عنایت به عدم اصلاح آن توسط مجلس، این تذکر مجدداً اعلام شود.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» به «اشرار» اصلاح گردد.

---

ماده (۶۸) حذف می‌شود.

## دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۶۸)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

## نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۶۸)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

---

ماده ۷۴- علاوه بر اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری، رئیس سازمان قضایی نیز نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی حق درخواست اعاده دادرسی را دارد.

## دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن عبارت «اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری» به جای عبارت «اشخاصی که مطابق مقررات مربوط، حق درخواست اعاده دادرسی دارند» در این ماده، ابهام شورای نگهبان در خصوص مشخص نبودن جهات اعاده دادرسی و حدود آن (مذکور در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری) برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

## نظر شورای نگهبان

ماده (۷۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۷۵- در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل اجراء نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدید نظر یا فرجام را دارد. در این صورت مرجع تجدید نظر یا فرجام جهت تعیین مجازات قانونی دیگر اقدام می‌کند.

## دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن واژه «قانونی» بعد از واژه «مجازات» در این ماده، تذکر شورای نگهبان که مربوط به لزوم اضافه شدن این واژه بود، اعمال شده است و این ماده از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

## نظر شورای نگهبان

ماده (۷۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۸۰- متهمان و محکومان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل از سایر متهمان و زندانیان نگهداری می‌شوند. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.

## دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف مفاد مربوط به اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های متهمان و محکومان دادگاه‌های نظامی توسط دژبان نیروهای

مسلح از این ماده و واگذاری اداره‌ی این بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها به سازمان زندان‌های قوه‌ی قضائیه، ایراد شورای نگهبان پیرامون نقض صلاحیت قوه‌ی قضائیه در این خصوص برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۸۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

### ماده (۸۱) حذف می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۸۱)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

### نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۸۱)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

---

ماده ۸۴- نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی با رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور برابر آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

### دیدگاه مغایرت

تصریح این ماده به لزوم رعایت آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در خصوص نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی، موجب محدود شدن صلاحیت‌های رئیس قوه‌ی قضائیه در این خصوص خواهد شد؛ زیرا ممکن است رئیس قوه‌ی قضائیه خواهان درج مقرراتی متفاوت در آیین‌نامه‌ی مربوطه باشد که این ماده، اختیار وی را در این خصوص محدود می‌کند. لذا ماده‌ی مزبور از حیث محدود کردن صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه در خصوص تصویب آیین‌نامه‌ی نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی، مغایر با اصل (۱۵۷) قانون اساسی است. طبق این اصل، رئیس قوه‌ی قضائیه توسط مقام رهبری برای انجام مسئولیت‌های قوه‌ی قضائیه در کلیه‌ی امور قضایی و اداری و اجرایی تعیین می‌شود و بر این اساس، در راستای انجام این مسئولیت، صلاحیت آیین‌نامه‌گذاری در حیطه‌ی امور مربوط به قوه‌ی قضائیه را دارد.

### دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** با توجه به اینکه این ماده مبنیاً بر اشکال ماده‌ی (۸۰) این مصوبه دارای ایراد دانسته شده بود و با عنایت به اصلاح ماده (۸۰) و عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی و نیز با توجه به حذف مفاد مربوط به تهیه‌ی آیین‌نامه توسط ستاد کل نیروهای مسلح از آن، این ماده نیز دارای ایراد نخواهد بود.

**ب)** ذکر عبارت «با رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» در این ماده، بدین معنا نیست که رئیس قوه‌ی قضائیه لزوماً باید مقررات این آیین‌نامه را در آیین‌نامه‌ی نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی لحاظ کند، بلکه بدین معنا است که در تهیه‌ی این آیین‌نامه، به آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها نیز توجه شود تا تبعیض ناروایی میان زندانیان نظامی و زندانیان غیر نظامی وجود نداشته باشد. بر این اساس، ذکر عبارت با رعایت آیین‌نامه در این ماده به معنای غیر قابل تغییر بودن مفاد آن توسط رئیس قوه‌ی قضائیه نیست و از این جهت نمی‌توان این ماده را در مقام تحدید اختیارات مدیریتی

رئیس قوه قضائیه دانست. بر این اساس، این ماده مغایرتی با مفاد اصل (۱۵۷) قانون اساسی در خصوص مسئولیت رئیس قوه قضائیه و مدیریت وی بر کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی این قوه ندارد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۸۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۸۷- به منظور سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت و تدوین آیین‌نامه‌های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها، «شورای راهبری دادرسی الکترونیکی» که در این بخش به اختصار شورا نامیده می‌شود به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می‌شود:

الف- ...

ص- یک نفر نماینده عضو کمیسیون قضایی و حقوقی به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر

ض- ...

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در بند (ص) این ماده، به جای عبارت «به انتخاب کمیسیون قضایی و حقوقی» عبارت «به انتخاب مجلس شورای اسلامی» ذکر شده است، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این بند با اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی برطرف شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۸۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه با استفاده از افراد موثق راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- نحوه و میزان دسترسی مراجع ذیصلاح قضایی به اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز با رعایت قوانین و مقررات به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب شورا و تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، کد پستی و کد ملی آنان جز در مواردی که قانون تجویز کند، ممنوع است.

### دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا که در تبصره (۲) این ماده از واژه‌های بیگانه‌ی «کد پستی» و «کد ملی»

استفاده شده است و معادل فارسی آنها قید نشده است، این ماده مغایر با اصل مزبور است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «با استفاده از افراد موثق» قبل از کلمه‌ی «راه‌اندازی» در سطر آخر ماده (۸۸) و همچنین عبارت «با رعایت قوانین و مقررات» بعد از عبارت «این مرکز» در سطر اول تبصره (۲) و جایگزین شدن واژه‌ی «قانون» به جای عبارت «آیین‌نامه فوق‌الذکر» در سطر آخر، ایرادهای شورای نگهبان در خصوص لزوم استفاده از افراد موثق و نیز تعیین ضوابط توسط قانون برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در تبصره (۲) ماده (۸۸)، واژه‌های «کد پستی» و «کد ملی»، با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح گردد.

ماده ۸۹- کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

تبصره ۱- آیین‌نامه اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه توسط آن قوه تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها، هیئت‌ها و کمیسیون‌های ذی‌ربط موظفند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

### دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در تبصره (۱) این ماده در خصوص تعیین نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی نیازمند «قانون» است و نمی‌توان به موجب آیین‌نامه، حد و مرز دسترسی به این اطلاعات را معین کرد. به بیان دیگر مقررات‌گذاری در این زمینه، مشتمل بر تعیین ضوابطی است که جنبه‌ی تقنینی دارد و بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر است. از این رو، تعیین این ضوابط باید توسط مجلس شورای اسلامی و با تصویب «قانون» صورت پذیرد. بر این اساس، به‌رغم جایگزینی «آیین‌نامه اجرایی» به جای «آیین‌نامه» در تبصره (۱) این ماده، با توجه به اینکه قانونی برای این آیین‌نامه تصویب نشده است، نمی‌توان مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی را برطرف‌شده دانست.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «آیین‌نامه اجرایی» در ابتدای تبصره (۱) این ماده و حذف عبارت «به‌موجب آیین‌نامه‌ای» از آن، ایراد شورای نگهبان در خصوص لزوم ذکر آیین‌نامه‌ی اجرایی که باید مطابق با قانون باشد، برطرف شده است. همچنین تصریح این تبصره به «آیین‌نامه اجرایی» حاکی از آن است که تهیه این آیین‌نامه بر اساس قوانین مربوط به آن صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، در تهیه‌ی این آیین‌نامه ضوابط قانونی مربوط به نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی رعایت خواهند شد. لذا این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۸۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره- مراجع قضایی می‌تواند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به‌عمل آورند. در این صورت دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیر دولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند.

مستکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی- کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف مفاد تبصره (۱) پیشین که طبق آن دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به فراهم کردن سامانه‌های الکترونیکی، الزام شده بودند و با عنایت به اصلاح متن تبصره کنونی که طی آن، این دستگاه‌ها صرفاً از طریق شبکه ملی عدالت باید پاسخ لازم را اعلام کنند، ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص تداخل وظایف قوا (مغایرت با اصل ۵۷) برطرف شده است. همچنین با توجه به حذف تبصره (۲) از این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص آن تبصره نیز سالبه به انتفای موضوع است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۹۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۹۱- قوه قضائیه موظف است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد.

الف- ...

ت- آراء صادره از سوی محاکم در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد

به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص

ث- ...

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به افزودن عبارت «در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد» در بند (ت) ماده (۹۱)، ایراد شورای نگهبان که همین موضوع را در بر می‌گرفت، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۹۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۰۳- چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادرسی محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود،

دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار و در صورت اقتضا صدور کیفرخواست می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به افزودن عبارت «در صورت اقتضاء صدور کیفرخواست» به این ماده، تذکر شورای نگهبان در این خصوص اعمال شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۰۵- ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد حفظ نمایند و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.  
تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اطلاعات کاربر، هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا قرارداد اینترنت (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی را شامل می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به افزودن عبارت «قرارداد اینترنت» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، ایراد شورای نگهبان در خصوص لزوم استفاده از زبان فارسی در اسناد رسمی (مطابق با اصل ۱۵ قانون اساسی) برطرف شده است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۱۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.

### دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم مقرر در ماده (۱۱۰) اصلاحی، در خصوص امکان تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی «در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور» متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی این سامانه را تحت کنترل قانونی خود دارند، مغایر با موازین شرع است؛ زیرا چنانچه تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، ضروری و فوری نباشد، عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد، نمی‌تواند مجوزی برای تفتیش و توقیف این موارد باشد؛ چه آنکه ممکن است متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را تحت کنترل دارند، اطلاعات شخصی و خصوصی در سامانه‌های رایانه‌ای داشته باشند و عدم حضور یا امتناع آنها نیز موجه باشد. بنابراین عبارت «در صورت عدم حضور یا امتناع این افراد از حضور» باید مقید به مواردی شود که فرد دارای عذر موجهی نبوده است یا اینکه تفتیش و توقیف این داده‌ها یا سامانه‌ها، ضروری

و فوری باشد.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۱۰)، اطلاق «عدم حضور یا امتناع از حضور»، در صورتی که تفتیش ضروری و فوری نباشد، اشکال شرعی دارد.

---

ماده ۱۱۳- در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیر قابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف واژه‌ی «کپی‌برداری» از متن ماده (۱۱۳)، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۱۴- در شرایط زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شوند:  
الف- داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نباشد یا حجم زیادی داشته باشد.  
ب- تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.  
پ- متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.  
ت- تصویربرداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.  
ث- تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه حذف بند (ج) از این ماده (= سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد)، ایراد شورای نگهبان نسبت به این بند، سالبه به انتفای موضوع است. همچنین با عنایت به جایگزین شدن عبارت «تصویربرداری» به جای عبارت «کپی‌برداری» در بند (ت)، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۱۷- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود ممنوع است، مگر اینکه توقیف برای اجرای موضوع اهم نظیر حفظ امنیت کشور ضرورت داشته باشد.



### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «مگر اینکه توقیف برای اجرای موضوع اهم نظیر حفظ امنیت کشور ضرورت داشته باشد» در انتهای این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص اطلاق حکم ممنوعیت مذکور در این ماده، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۲۱- کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است. تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره‌شده، نظیر پیام‌نگار (ایمیل) یا پیامک در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به جایگزین شدن واژه‌ی «پیام نگار (ایمیل)» به جای واژه‌ی «پست الکترونیکی» در تبصره‌ی این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۲۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

### ماده (۱۲۵) حذف می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۱۲۵)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

### نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۱۲۵)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

---

ماده ۱۲۷- آیین‌نامه اجرایی مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

### دیدگاه مغایرت

الف) یکی از ایرادهای پیشین شورای نگهبان در خصوص ماده (۱۲۷)، مغایرت آن با اصل (۸۵) قانون اساسی از جهت تقنینی

بودن امور مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی بود که بیان شد این امور نمی‌تواند در قالب آیین‌نامه ساماندهی شود. با توجه به اینکه مجلس در ماده (۱۲۷) اصلاحی، صرفاً با جایگزینی عبارت «آیین‌نامه اجرایی» به جای «آیین‌نامه» درصدد رفع این ایراد برآمده است، ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی همچنان باقی مانده است؛ زیرا تعیین امور مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی، نیازمند ضابطه‌گذاری و تقنین است که باید توسط خود مجلس به انجام رسد و سپس آیین‌نامه‌ی اجرایی در راستای آن مصوبه‌ی مجلس تهیه شود. بر این اساس، این ماده همچنان از حیث واگذاری قانون‌گذاری به رئیس قوه‌ی قضائیه، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. ماده (۱۲۲) این مصوبه نیز مبنیاً بر این ایراد، همچنان دارای ایراد خواهد بود.

ب) همان‌طور که در بخشی از ایراد شورای نگهبان نسبت به ماده (۱۲۷) بیان شد، «اطلاق تصویب آیین‌نامه مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران در مواردی که آیین‌نامه مربوط جنبه قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.» به بیان دیگر، بخشی از آیین‌نامه‌ی مصرح در این مصوبه، جنبه‌ی قضایی دارد که باید به تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه برسد و بخش‌های دیگر آن که مربوط به قوه‌ی مجریه است، باید به تصویب هیئت وزیران برسد. لذا ذیل این ماده‌ی اصلاحی، از این حیث که آیین‌نامه‌گذاری در موارد مربوط به قوه‌ی مجریه را به رئیس قوه‌ی قضائیه واگذار کرده است، تداخل در وظایف قوا است و مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی در خصوص استقلال قوا از یکدیگر است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «به تصویب هیئت وزیران برسد» از انتهای این ماده و اضافه شدن «تصویب» رئیس قوه‌ی قضائیه، ایراد شورای نگهبان در خصوص قضایی بودن این آیین‌نامه و لزوم تصویب آن توسط رئیس قوه‌ی قضائیه برطرف شده و این ماده با ایرادی مواجه نیست. ضمن اینکه باید توجه داشت که این آیین‌نامه مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی است و لذا مفاد آن، کاملاً قضایی است و بر این اساس، نمی‌توان صرفاً بخش‌هایی از آن را منوط به تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه دانست.

### نظر شورای نگهبان

قسمت اول اشکال بند (۲۸) قبلی این شورا در خصوص مغایرت ماده (۱۲۷) با اصل (۸۵) قانون اساسی کماکان به قوت خود باقی است.

---

ماده ۱۳۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است و اقدامات انجام‌شده برخلاف قرار مزبور فاقد اثر قانونی است.

### دیدگاه مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان به بند (ب) ماده (۱۳۰)، مغایرت اطلاق آن با موازین شرع از جهت باطل اعلام کردن عملیات حقوقی شرکت در هنگام صدور قرار منع تغییر ارادی شخص حقوقی بود. در این مصوبه‌ی اصلاحی، مجلس با تغییر عبارت «بطلان عملیات حقوقی» به عبارت «فاقد اثر قانونی»، درصدد رفع این ایراد برآمده است، حال آنکه چنین تغییری موجب تغییر مفاد آن نمی‌شود. به بیان

دیگر، یکی از مهمترین آثار قانونی معامله، صحت و نفوذ معامله است و بدین لحاظ در صورتی که معامله‌ای فاقد اثر قانونی دانسته شود، در واقع آن معامله باطل فرض شده است. بر این اساس، ایراد پیشین شورا در خصوص مغایرت شرعی اطلاق حکم مقرر در این بند، نسبت به مواردی که عامل، اختیار قانونی برای تغییر در وضعیت شخص حقوقی دارد، همچنان پابرجا است.

### نظر شورای نگهبان

در بند (ب) ماده (۱۳۰)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

---

ماده ۱۳۶- در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اشخاص حقوقی مقرر نشده است مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجراء است اقدام می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اصلاح کلی به عمل آمده در ماده (۱۳۶)، اشکال عبارتی که در مصوبه‌ی پیشین وجود داشت، در این مصوبه‌ی اصلاحی برطرف شده و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۳۷- دولت موظف است به تکالیف مقرر در اجرای احکام مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) با توجه به بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱)<sup>(۳۸)</sup> در مدت باقی‌مانده قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید. بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌گردد.

### دیدگاه مغایرت

الف) هر چند برخی مفاد مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه نیز مقرر شده است ولی الزام دولت به اقدام در خصوص بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنجم، نمی‌تواند مغایرت مواد این مصوبه

---

۲۸. بند (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۱- الف- ...

ح- به‌منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

۱- سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.

۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است به‌منظور ارتقاء ضریب امنیت در اسناد مالکیت، کاهش پرونده‌های مرتبط با اسناد در محاکم قضایی، رقومی نمودن اقلام اطلاعاتی سند و اجرایی نمودن ثبت نوین با استفاده از فناوری اطلاعات، نسبت به تعویض اسناد مالکیت اقدام کند.

...

ف- دولت در طول برنامه، اعتبارات لازم برای اجرای تکالیف مقرر در این ماده را در قالب بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌نماید.»

با اصل (۷۵) قانون اساسی را از حیث عدم تعیین محل تأمین هزینه‌های اجرایی آن، برطرف کند؛<sup>(۲۹)</sup> زیرا قوانین برنامه، قوانینی کلی هستند که تکالیفی کلی را مشخص می‌کند و تا وقتی که برای آنها بودجه‌ی مشخصی پیش‌بینی نشود، امکان اجرای عملی آنها وجود ندارد. بر همین اساس بوده است که شورای نگهبان تا کنون در لوایح برنامه، اصلاحات و پیشنهادهای نمایندگان را در صورت داشتن بار مالی، مغایر با اصل (۷۵) اعلام نمی‌کرده است. بر این اساس، تا وقتی که اعتباری برای این برنامه‌ها، در قوانین بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی نشود، نمی‌توان آن برنامه‌ها را لازم‌الاجراء دانست. در این ماده نیز علی‌رغم اشاره به قانون برنامه، تا زمانی که به طور مشخص در قانون بودجه برای این امور، بودجه‌ای اختصاص داده نشود، نمی‌توان آنها را قابل اجرا دانست و ایراد مغایرت با اصل (۷۵) طرح‌های قانونی را نیز نمی‌توان با این توجیه، برطرف‌شده تلقی کرد. با این توضیح، درج عبارتی همچون «از محل قانون برنامه» را نمی‌توان محل تأمین هزینه‌های اجرایی «طرح‌های مصوب» دانست و لذا مفاد ماده (۱۳۷) اصلاحی را نیز نمی‌توان به عنوان تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های اجرایی این مصوبه پذیرفت. از این رو، مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه، همچنان از حیث افزایش هزینه‌های عمومی و عدم پیش‌بینی محل تأمین این هزینه‌ها، با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایرت دارند.

ب) هر چند در متن ماده (۱۳۷) اصلاحی مقرر شده که «بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌گردد»، ولی افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری امری ثابت‌شده نیست؛ زیرا قبلاً نیز هزینه‌های دادرسی وجود داشته و درآمد ناشی از آن به خزانه واریز می‌شده و محل مصرف آن نیز مشخص بوده است و در حال حاضر نیز باید این هزینه‌ها به خزانه واریز شوند. بر این اساس، محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری را نمی‌توان منبع جدیدی دانست. ضمن اینکه بند (پ) ماده (۱۲) این مصوبه در خصوص ایجاد دادگاه تجدید نظر نظامی با توجه به افزایش هزینه‌های عمومی و عدم تعیین محل تأمین هزینه‌های آن، همچنان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین هزینه‌ها می‌داند.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به تصریح ماده (۱۳۷) اصلاحی به الزام دولت برای اقدام در خصوص بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنجم در مدت باقی‌مانده‌ی اجرای این قانون، که مربوط به مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه هستند و برخی از تکالیف آن در مواد این مصوبه تکرار شده‌اند، قانون برنامه از حالت کلی آن خارج شده و به طور مصداقی برای آن تکلیف معین شده است. بر این اساس، دولت موظف است در راستای اجرای این مقررات برنامه پنجم، در بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ خود، برای این امور بودجه اختصاص دهد. این قانون نیز عملاً از سال ۱۳۹۴ اجرایی می‌شود و لذا مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) که از حیث افزایش هزینه‌های عمومی و عدم پیش‌بینی محل تأمین هزینه‌های آن مغایر با اصل (۷۵) اعلام شده بود، در حال حاضر با ایرادی مواجه نیستند.

در خصوص ماده (۱۱) این مصوبه یعنی هم‌ترازی حقوق و مزایای قضات نظامی با قضات دادگستری نیز، چون در حال حاضر حقوق و مزایای این افراد از بودجه پرداخت می‌شود، اساساً حکم ماده (۱۱) متضمن امر جدیدی نیست تا هزینه‌ی جدیدی ایجاد کرده باشد و نیازمند تعیین محل تأمین هزینه باشد. لذا این ماده نیز مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست.

درباره بند (پ) ماده (۱۲) این مصوبه یعنی ایجاد دادگاه تجدید نظر نظامی نیز باید به چند نکته توجه کرد: نخست اینکه با توجه به وجود دادگاه‌های کیفری یک که برخی امور تجدید نظر را انجام می‌دهند، تشکیل دادگاه تجدید نظر نظامی باعث می‌شود تا بخشی از تشکیلات دادگاه‌های کیفری یک به این دادگاه انتقال یابد و لذا هزینه‌ی جدیدی از این جهت برای دولت ایجاد نخواهد شد. از سوی دیگر در ماده (۱۳۷) اصلاحی بیان شده است که بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌شود. بر این اساس، چنانچه ایجاد دادگاه‌های تجدید نظر نظامی مستلزم هزینه‌ی جدیدی برای دولت هم

۲۹. جهت مشاهده‌ی جزئیات بیشتر، به استدلال‌های مطرح در مرحله‌ی اول، ذیل مواد مربوطه مراجعه شود.

باشد، با مشخص شدن محل تأمین این هزینه‌ها در ماده (۱۳۷) اصلاحی، ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی برطرف شده است.

ب) در تصویب قوانین برنامه‌ی توسعه نیز باید بودجه‌ی مقررات آن مد نظر قرار گیرد و صرفاً در حالتی می‌توان اقدام به تهیه برنامه کرد که بودجه‌ی آن ولو به طور تخمینی محاسبه شود. شورای نگهبان نیز باید موادی از قوانین برنامه را که توسط نمایندگان مجلس به لایحه اضافه شده‌اند، از حیث عدم افزایش هزینه عمومی و کاهش درآمد عمومی مورد بررسی قرار دهد؛ زیرا در اصل (۷۵) قانون اساسی به کلیه‌ی طرح‌ها و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، اشاره شده است و قوانین برنامه از آن مستثنی نشده‌اند. بر این اساس، نمی‌توان قوانین برنامه را قوانینی کلی دانست که اصل (۷۵) در آنها لازم‌الرعایه نباشد و سپس تکرار مفاد قوانین برنامه در طرح‌های قانونی نمایندگان را با ایراد اصل (۷۵) مواجه کرد و تأیید آنها را مستلزم پیش‌بینی محل تأمین بودجه‌ی آنها دانست؛ بلکه باید گفت با تصویب قوانین برنامه، مفاد مصوبات آن لازم‌الاجراء هستند و نمایندگان مجلس می‌توانند بدون الزام به پیش‌بینی محل تأمین بودجه‌ی آنها، در سایر مصوبات خود آنها را تشریح و تبیین کنند. بر این اساس، ماده‌ی مزبور که به الزام دولت به اجرای برخی مقررات قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه حکم کرده و محل تأمین بودجه‌ی لازم برای اجرای آن را از بودجه‌ی مقرر شده برای اجرای برنامه‌ی پنجم تعیین کرده است، در واقع هزینه‌ای جدید ایجاد نکرده است تا نیازمند تعیین محل تأمین هزینه باشد. از این رو، مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه را نمی‌توان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به‌جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آرای دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها ملغی است. این ماده پس از لازم‌الاجراء شدن در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی، کلیه‌ی مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود تا از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی بررسی شوند. ادغام مواد مصوب مجلس شورای اسلامی در یکدیگر به‌نوعی قانون‌گذاری محسوب می‌شود که نیازمند اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی است؛ ضمن اینکه اساساً مشخص نیست نحوه‌ی این ادغام به چه صورت انجام خواهد شد تا شورای نگهبان بتواند نسبت به آن، نفیاً یا اثباتاً اعلام نظر کند. بر این اساس، مجلس باید به هر نحو که مصلحت می‌داند ماده (۱۳۸) را با ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام کند و سپس متن ادغام‌شده را به شورای نگهبان ارسال کند تا شورای نگهبان بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی نسبت به متن جدید اظهار نظر کند.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به حذف «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع

تشخیص مصلحت نظام» و «قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام» از این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص عدم امکان نقض مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط مجلس، به لحاظ مغایرت این اقدام با بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، برطرف شده و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

ب) عبارت «ادغام می‌شود» در این ماده جزئی از این مصوبه است و بدین معنا است که ماده (۱۳۸) این مصوبه در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام شده محسوب می‌شوند، نه اینکه بعداً این مواد در یکدیگر ادغام شوند. بنابراین ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث موکول کردن قانون‌گذاری به آینده و عدم بررسی آن در شورای نگهبان، مغایر با اصل (۹۴) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۳۸)، متن ادغام شده ارسال تا اظهار نظر ممکن گردد.

---

ماده ۱۳۹- این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به عنوان بخش‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق و بخش هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به عنوان بخش یازدهم تعیین می‌شود و مقررات هر دو قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم الاجرا است.

تبصره- در اجرای حکم این ماده، شماره مواد این قانون و بخش هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در زمان ابلاغ به دولت تعیین و اصلاح می‌شود.

### نظر شورای نگهبان

لازم است مفاد قسمت اول ماده (۱۳۹)، با اصلاحاتی که در اجرای اشکالات معموله در این نامه انجام می‌شود، اعمال و همزمان به این شورا ارسال گردد.

\*\*\*\*\*

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۷/۸ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰

ماده ۵۹۸- به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به‌جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود.

...

تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن واژه‌ی «ضابطان» به‌جای عبارت «ضابط آن» در تبصره (۴) این ماده، تذکر شورای نگهبان در این خصوص اعمال شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۵۹۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۶۲۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:  
الف- ...

ح- فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، اشرار و قاچاقچیان مسلح  
خ- ...

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن واژه‌ی «اشرار» به جای واژه «شرار»، تذکر شورای نگهبان در این خصوص اعمال شده است و این ماده از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۶۲۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۶۵۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه با استفاده از افراد موثق راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز با رعایت قوانین و مقررات به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورا تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، شماره پستی و شماره ملی آنان جز در مواردی که قانون تجویز کند، ممنوع است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن عبارت‌های «شماره پستی» و «شماره ملی» به جای عبارت‌های «کد پستی» و «کد ملی» در تبصره (۲) این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۶۵۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۶۸۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور آنان، چنانچه تفتیش یا توقیف ضرورت داشته باشد یا فوریت امر اقتضاء کند، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون

حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اضافه شدن عبارت «چنانچه تفتیش یا توقیف ضرورت داشته باشد یا فوریت امر اقتضاء کند» به این مصوبه‌ی اصلاحی، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت شرعی اطلاق حکم کلی مقرر در مصوبه‌ی پیشین با موازین شرع، در مواردی که تفتیش و توقیف ضرورت یا فوریت نداشته باشد، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۶۸۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۶۹۲- آیین‌نامه اجرایی نحوه نگهداری و مراقبت از ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

### دیدگاه عدم مغایرت

این ماده که قبلاً با شماره ماده (۱۲۲) تصویب شده بود، با توجه به ایرادی که ماده (۱۲۷) داشت، مبنیاً بر آن، دارای ایراد دانسته شده بود. در حال حاضر، ماده (۶۹۷) این مصوبه (ماده ۱۲۷ سابق) حذف شده است و قسمت عمده‌ی مفاد آن به‌جز بحث استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی به این ماده انتقال یافته است و مفاد قبلی ماده (۱۲۲) نیز تغییر یافته است. با توجه به اینکه ایراد پیشین شورای نگهبان، ناظر بر مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی از جهت تقنینی بودن امر «استنادپذیری» و ناموجه بودن تعیین تکلیف این موضوع در قالب آیین‌نامه بود و با عنایت به اینکه در این ماده، موضوع «استنادپذیری ادله الکترونیکی» حذف شده است و صرفاً تعیین نحوه‌ی نگهداری و مراقبت از ادله‌ی الکترونیکی جمع‌آوری شده به «آیین‌نامه‌ی اجرایی» محول شده است، ایراد پیشین شورا در این خصوص برطرف شده است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۶۹۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده (۶۹۷) و تبصره آن حذف شد.

### دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده‌ی مزبور (ماده ۱۲۷ سابق)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

### نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۶۹۷)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

---

ماده ۷۰۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.



الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.  
ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «و اقدامات انجام‌شده برخلاف قرار مزبور، فاقد اثر قانونی است»، از انتهای بند (ب) این ماده، ایراد شرعی شورای نگهبان که نسبت به این قسمت از ماده بود، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۷۰۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به‌جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آرای دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها ملغی است.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «این ماده پس از لازم‌الاجراء شدن در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام می‌شود» از انتهای این ماده، ایراد شورای نگهبان که در خصوص این قسمت از ماده بود، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۷۰۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

### نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در خصوص طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، با توجه به اصلاحات به‌عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.